

سورة الاحقاف

جنون شیطان پرستی

نقد سیطنیسم مدرن
و معضلات اجتماعی همراه آن

علی صدیقی پاشاکی

تهران ۱۳۸۶

تقدیم

تقدیم به آنکه با تمام وجود در راه خدا جنگید. به آنکه خوار کننده شیطان و شیطان پرست است. تقدیم به آنکه شیطان در برابر او حالتی جز عجز ندارد. به اعجاز خلقت خداوند؛

«امام علی علیه السلام»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	در آمد
۱۵	مقدمه
۲۱	شیطان کیست؟
۲۹	چهره شیطان
۳۴	شیطان و قوم لوط
۳۶	معنی کلمه شیطان
۳۷	شیطان از دید ادیان
۳۹	شیطان پرستی (۱)
۴۲	اصول شیطان پرستی
۴۳	قواعد بازده گانه شیطان پرستی در زمین
۴۶	گناهان نه گانه در آئین شیطان پرستی
۴۹	تاریخچه شیطان پرستی از دیدگاه شیطان پرستان
۵۵	سران شیطان پرستی
۵۶	آنتوان اس زاندر لاوی
۵۹	مرلین منسون
۶۲	پیتر گیل مور
۶۳	مایکل آکینو
۶۳	معبد ست
۶۵	شیطان پرستی از دیدگاه شیطان پرستان
۶۹	مکاتب و ادیان انحرافی
۷۰	هندوئیسم

۷۱ یزیدیه
۷۴ آئین بودا
۷۵ اودین
۷۶ دین هوپی
۷۶ دین بتک توبا
۸۱ شیطان پرستی (۲)
۸۲ انواع شیطان پرستی
۸۵ دلایل شیطان پرستی
۸۹ شیطان در گذر زمان
۹۱ نامهای شیطان
۱۱۸ تاجداران جهنم
۱۲۷ شیطان پرستی (۳)
۱۲۸ آداب و رسوم شیطان پرستی
۱۳۲ افکار و اعتقادات شیطان پرستان
۱۳۵ اعتقادات بر پایه کتاب مقدس شیطان پرستی
۱۴۰ انجیل شیطانی یا کتاب مقدس شیطان پرستی
۱۴۳ جسارت به حضرت عیسی علیه السلام
۱۴۶ مقایسه دعا‌های ادیان با شیطان پرستی
۱۵۷ علائم و نمادهای شیطان پرستی
۱۵۸ کرانادو
۱۵۹ پنتاگرام
۱۶۰ علامت ۶۶۶
۱۶۱ نماد مجمه
۱۶۲ نماد های شیطان در فیلمها
۱۶۲ برج شیطان (اوبلیسک)
۱۶۶ صلیب وارونه

۱۶۶.....	نماد آنخ
۱۶۶.....	نماد صلیب شکسته
۱۶۷.....	نماد هرج و مرج
۱۶۷.....	نماد بین بانگ
۱۶۹.....	دامهای فریب شیطان
۱۷۶.....	ابزار شیطان برای غلبه بر انسان
۱۷۷.....	موسیقی
۱۷۹	موسیقی در نگاه صاحب نظران
۱۸۶.....	راک بلندگوی شیطان
۱۹۲.....	پدیده معکوس
۱۹۶	فیلم
۲۰۷.....	رد پای شیطان
۲۰۸.....	تمسخر مقدسات در سیطنیسم
۲۱۱	تشبیه شیطان به بز
۲۱۲.....	آرایشها و خالکوبی ها
۲۱۳.....	جواهرات شیطان پرستان
۲۱۴.....	لباسها
۲۱۵.....	سادیسیم و مازوخیسم
۲۱۶.....	شیطان در ورزش
۲۱۸.....	شیطان و کودکان
۲۲۰.....	حکومتها و شیطان پرستی
۲۲۳.....	راهکارهای مقابله با شیطان پرستی
۲۲۹.....	عاقبت شیطان و شیطان پرستان
۲۳۶.....	فهرست منابع و مآخذ

در آمد

امام صادق علیه السلام می فرمایند: العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس هرکس عالم به زمانش باشد مورد هجوم حوادث ناگوار قرار نمی گیرد.

با این روایت امام معصوم علیه السلام مشخص می گردد که تا چه اندازه آگاهی نسبت به مسائل روز جامعه مهم و اساسی است. زیرا ممکن است انسان در گرداب مفاسد اجتماعی و انحرافات فکری و مکتبی گرفتار شده، ولی خود از آن غافل باشد. لذا باید تمامی حواس انسان متوجه این مطلب گردد که در جامعه امروزی مسلح به سلاح علم و بصیرت باشد تا مبدا قربانی امیال شوم طاغیان اعتقادی و فکری شود. در این گذار یکی از معضلات فکری و مکتبی امروز جوامع که متأسفانه با سرعت سرسام آوری در همه جا شایع شده و جوامع اسلامی

خصوصاً کشور عزیز ما ایران را نیز درنوردیده است، مکتب تغییر شکل یافته Satanism / سیطنیسم (شیطان پرستی) است. غفلت از این موضوع زمانی اثرات خود را عیان می نماید که کودکان، نوجوانان، جوانان و حتی افراد مسن تر را نیز آلوده کرده و دیگر شاید برای جبران آن دیر شده باشد. بنابراین باید اقدام پیشگیرانه صورت پذیرد. هر چند که اکنون نیز زمان بسیاری را از دست داده ایم. زیرا آثار شوم این مکتب پلید هم اکنون پدیدار شده و حتی بسیاری از دستگاههای فرهنگی کشور را نیز آلوده کرده است.

مطالعه این مجموعه شما را با وضعیت کنونی جهان آشنا کرده و در صدد است چهره واقعی شیطان را در عصر حاضر نمایان ساخته و ابزار او را برای مقابله با انسان و انسانیت، معرفی کند.

خوشبختانه همیشه شیطان با افراطی گری، ضعفهای خود را نمایان ساخته، و هر انسان آگاه و با بصیرت می تواند با آن به مقابله برخاسته و او را از صحنه زندگی خود خارج ساخته و نابود کند. چنانکه در زندگی ائمه معصومین علیهم السلام می بینیم، شیطان با تمام تلاشی که انجام داد، نتوانست حتی کوچکترین خللی در زندگی این بزرگواران ایجاد کند.

در احوالات امام سجاد علیه السلام می خوانیم، شخصی نزد حضرت رضا علیه السلام آمد و از ایشان درباره لقب سید الساجدین سوال کرد. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: روزی جدم حضرت سجاد علیه السلام مشغول نماز بودند. ناگهان از گوشه ای مار عظیم الجثه ای به سمت حضرت آمد و انگشتان پای ایشان را نیش زد.

امام سجاد علیه السلام برافروخته شد و مشخص بود که بسیار متألم

شده اند، اما تغییری در اذکار و حالت امام علیه السلام مشاهده نشد. مار بسیار حضرت را آزار داد. ناگهان صاعقه ای از آسمان آمد و به مار اصابت کرد. آنگاه مار به حال اولیه خود باز گشت، که همان شیطان بود. کنار حضرت ایستاد و گفت: حقیقتاً که تو سرور عبادت کنندگان هستی. و چنین نامی شایسته شماست. آنگاه از نظرها ناپدید شد.^۱

آری، او از به انحراف کشاندن امام معصوم علیه السلام هم ناامید نبود. اما مقاومت امام عزیز را ببینید که چگونه شیطان را درمانده و مستأصل کرده و او را منکوب می نماید. لذا یکی از راههای مقابله با شیطان، اصرار بر عبادت و ذکر خداوند است.

«کجاست طلب کننده جگرهای انبیاء. کجاست طلب کننده خونهای

بی گناه ریخته شده.»^۲

به امید روزی که در هیچ نقطه دنیا اثری از پلیدی یافت نشود. به امید روزی که منکوب کننده شیطان رخ نماید و زمین از لوس وجود شیطان و شیطان صفت پاک گردد.

در این راستا آنچه که از حقیر بر می آید، دادن اطلاعاتی هر چند کم و ناقص در این باره است. شاید راهگشای محققین و دردمندان جامعه قرار گرفته و فکری به حال این معضل پیچیده اجتماعی، عقیدتی و فکری بشود.

امید است با همکاری تمامی کسانی که درد دین و دنیای مردم را دارند و به فکر اصلاحات سازنده هستند، در این زمینه اقدام نموده و با

۱- نقل از بحار الانوار جلد ۴۶ صفحه ۵۸

۲- دعای ندبه

مساعدت های فکری دست در دست هم به جهاد و مقابله با این پدیده
برآییم.

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

این مجموعه قصد دارد موضوعات مختلفی را درباره شیطان و شیطان
پرستی مورد مذاقه قرار داده و از جوانب گوناگون بررسی و بحث کند.
باشد مفید حال واقع شده و گره ای از گره های این اجتماع در هم تنیده
باز کند.

علی صدیقی پاشاکی

مرداد ۱۳۸۶ ه.ش

رجب المرجب ۱۴۲۸ ه.ق

مقدمه

همگی ما تا حدودی اطلاعاتی هر چند ناقص درباره شیطان داریم و تا اندازه ای با این موجود آشنا هستیم.

موجودی که در کتابهای آسمانی و ادیان مادی و غیر مادی به آن اشاره شده و همواره او را موجودی وسوسه گر و عامل گناه و فساد معرفی کرده اند. موجودی که گاه در برخی از ادیان و فرهنگ ها او را با چهره خاصی می شناسند.

گاهی او را تقبیح کرده و گاهی به ستایش او پرداخته اند. عده ای از او برحذرند و او را از خود می رانند، برخی دیگر با او هم پیمان شده و یا او را به استخدام خود در می آورند. گاهی از او گریزانند و گاهی نیز به او پناه می برند.

در قرآن از او با عنوان دشمن آدمی یاد می شود: انه لکم عدو مبین

«همانا او (شیطان) برای شما دشمنی آشکار است»^۱. قرآن او را از دسته جنیان می داند: کان من الجن. «او از دسته جنیان بود»^۲. گاهی هم از او در غالب انسان یاد می شود. و كذلك جعلنا لكل نبی عدواً شیطین الانس و الجن. «و این چنین برای هر پیامبری دشمنی از جن و از انسان قرار دادیم»^۳.

او دشمن انبیاء و صالحان در زمین است. عبادت خداوند او را نگران می کند. از مؤمنین بیزار است. و چیزی که او را خوشحال می کند گناه بندگان خدا است.

وقتی انسان را که گل سرسبد موجودات است، چنین در دام خود گرفتار و اسیر می بیند؛ که در منجلاب گناه دست و پنجه نرم می کند و مقهور گناه می گردد، به خود می بالد که اشرف مخلوقات خداوند را از او جدا کرده و به عبادت خود وا داشته است.

او که حتی لیاقت بندگی در درگاه خداوند را نداشته، اکنون مورد پرستش قرار می گیرد و احساس خداوندی به او دست می دهد. چه چیز از این لذت بخش تر است برای او که، بدون زحمت صاحب بردگان و بندگانی شود که خود در خلقت آنان نقشی نداشته و حالا همان موجودی را که قرار بود در برابر او سجده کند، سجده کننده در برابر خود می بیند. چه بد مردمانی هستند آنان که شرافت خود را فراموش کرده و تن به خواریِ سجده، در برابر پست تر از خود داده اند.

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۱۶۸

۲- قرآن کریم، سوره کهف آیه ۵۰

۳- قرآن کریم، سوره انعام آیه ۱۱۲

عده ای از مردم چنانکه خداوند در قرآن درباره آنان فرموده است، خود را اسیر شیطان کرده و از او تبعیت می کنند. واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان... «عده ای از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند، پیروی کردند...»^۱

شیطان در زندگی مردم دخالت می کند و حتی در بسیاری از موارد در ولادت برخی انسانها دخالت کرده و در نطفه آنها شریک می شود. قرآن کریم چنین به این مطلب اشاره نموده است، که می فرماید: واستغز من استطعت منهن بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلك و شارکم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا. «هر کدام از آنها را می توانی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی و آنان را با وعده ها سرگرم کن. ولی شیطان جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد.»^۲

در این آیه شرکت شیطان در مال و فرزندان انسان مشهود است. شیطان از هر راهی انسان را فریب می دهد و مشخص است که در این راه تنها نیست بلکه یاران و ابزاری در اختیار دارد.

در آیه دیگری می خوانیم: الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء. «والله، یعدکم مغفراً منه و فضلاً و الله، واسع علیم.» «شیطان شما را به فقر و تهی دستی می خواند و شما را به فحشاء و بدی امر می کند. اما

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۱۰۲

۲- قرآن کریم، سوره اسراء آیه ۶۴

خداوند شما را به آموزش و فزونی در روزی وعده می دهد. و خداوند قدرتش وسیع و داناست.۱»

آری، فقر انسان از جانب شیطان است. و اوست که به واسطه فقر، انسان را به گناه می کشاند. شیطان انسان را به چه امر می کند و خداوند به چه چیز؟ شیطان به انسان چه می دهد و خداوند چه؟ چه خیره سر هستند کسانی که باز به دنبال شیطان به هر سویی روان می شوند!

حال این موجود!!!

شیطان همواره در تاریخ بشر همراه انسان بوده و هست. تا جایی که همزیستی او با انسان بسیار مشهود می باشد.

در هیچ دوره ای نمی توان نامی از او شنید و یا اینکه انسانی را ببینیم که به نوعی با او مشغول و درگیر نبوده است.

مبارزات عرفانی - جنگهای خانمان سوز جهانی - معاملات و مناقشات جهانی و... همگی بر علیه او یا به نفع او صورت گرفته است.

اکنون پس از ذکر این موارد شاید برخی از خوانندگان گرامی اندکی هراسناک شده اند که پس چه بر سر انسان خواهد آمد؟

آنچه انسان را امیدوار می سازد و قوت قلب آدمی است توجه به نکته اساسی و لذت بخشی است که، هم در قرآن و هم در انجیل و سایر کتب مقدس به آن اشاره شده است. و آن عاقبت و سرانجام کار شیطان، شیطان صفتان و شیطان پرستان است. به آیات ذیل توجه فرمایید.

كَمْ تَلَّ الشَّيْطَانُ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ اَكْفُرْ فَلَمَّا اَكْفَرَ قَالَ اِنِّى بَرِيٌّ مُنْكَ اِنِّى

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۲۶۸

اخاف الله، رب العالمين «مانند شیطان آن زمان که به انسان گفت: کافر شو به خداوند. پس زمانی که انسان کفر ورزید، (به انسان) گفت: من از تو دور هستم. (زیرا) من از پروردگار عالم می ترسم.»^۱

فكان عاقبتهما أنهما في النار خالدین فيها و ذلك جزاء الظالمین «پس عاقبت و سرانجام آن دو (شیطان و انسان کافر) این است که هر دو، در آتش (جهنم) جادوانه خواهند شد و آن کیفر ستمکاران است.»^۲

۱- قرآن کریم، سوره حشر آیه ۱۶

۲- قرآن کریم، سوره حشر آیه ۱۷

شیطان کیست؟

آمده است که شیطان از دسته جنیان می باشد. او قبل از خلقت انسان در ملکوت خداوند مشغول عبادت بوده و به خاطر قرب بیش از حدی که پیدا کرده بود تا جایی پیش رفت که در ردیف ملائکه الهی در پاکی و طهارت روح قرار گرفته و با او مانند یک فرشته رفتار می شد.

عمر عبادت شیطان در درگاه خداوند را ۶۰۰۰ سال گفته اند. اما به خاطر تمرد از دستور خداوند و به دلیل سجده نکردن بر آدم علیه السلام از ملکوت رانده شده و به زمین سقوط کرد.

این نکته ای است که حتی شیطان پرستان نیز به آن اذعان دارند. در کتاب شطان پرستی درباره او چنین نوشته اند:

... شیطان رئیس پلیدی در جهان غرب است. در واقع او فرشته ای بود که در آسمانها کار می کرد و وظیفه او گزارش دادن تخلفات انسانها به خدا بود. تا اینکه چهاردهمین کشور نمایش خود را آغاز کرد.

به طوریکه خدای زشتی که نفس نفس می زد و نوعی حیوان با چهره ای شبیه بزغاله دارای شاخ بود، قبل از مسیحیت او را فدا کرد. نام او شیطان (ابلیس) بود... ۱

شیطان هم مانند سایر جنیان ازدواج کرده و همسران و فرزندان دارد. چه قبل از رانده شدن از بهشت خداوند و چه بعد از آن. لذا همیشه دستیارانی از نسل خود دارد که او را در انجام کارهایش یاری می کنند. علاوه بر فرزندان خود او، کسان دیگر از دسته جن یا حتی انسان هم از سربازان و یاران او می باشند.

قرآن به این مسئله اشاره کرده و می فرماید: و کذلک جعلنا لکل نبی عدواً شیاطین الانس و الجن «و این چنین قرار دادیم برای هر پیامبری دشمنان شیطانی از انسانها و جنیان» ۲

و یا در آیه دیگر می فرماید: ... الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنه و الناس «... کسی که وسوسه ایجاد می کند در دل‌های مردم چه از جنیان و چه از انسانها» ۳

نهج البلاغه نیز به این مسئله اشاره می فرماید. در این کتاب شریف می خوانیم: أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ. «آگاه باشید که شیطان حزب خود را جمع کرده، و سواره و پیاده‌های لشگر خود را فرا خوانده است.» ۴

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی باب شیطان و خاک

۲- قرآن کریم، سوره انعام آیه ۱۱۲

۳- قرآن کریم، سوره ناس آیات ۵ و ۶

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۰

قرآن در آیات بسیاری به موضوع شیطان پرداخته و صفات و حالات مختلف او را بیان کرده است، که در میان خیل عظیم آیات فقط به تعدادی اشاره ای گذرا می کنیم.

از جمله اعمال شیطان این است که پیروان خود را با آراستن اعمالشان یاری کرده و به توجیه گناهان آنان می پردازد. سوره انعام مؤید این مطلب است. و زین لهم الشیطان ما كانوا یعملون «و شیطان کارهایی را که انجام می دهند، در نظرشان آراسته جلوه می کند.»^۱

البته نباید فراموش کنیم که در وجود آدمی نیروهایی وجود دارد که زمینه رشد و سوسه های شیطانی را فراهم کرده و انسان را به سربازی از سربازان شیطان و یا حتی یکی از شیاطین بدل می کند.

قرآن به این مطلب صحه گذاشته و می فرماید: ان النفس لاماره بالسوء

«همانا نفس دستور به بدی می دهد.»^۲

حضرت علی علیه السلام می فرماید: اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِمُرِهِمْ مَلَكَاً. وَاتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكَاً. فَبَاضَ وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ. وَدَابَّ وَدَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ. فَنَطَرَ بِأَعْيُنِهِمْ. وَنَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ. فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ. وَزَيَّنَ لَهُمُ الْخُطَلَ. فَعَلَّ مَنْ قَدَّ شَرَكَةَ الشَّيْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ. وَنَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ!

«منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند، و شیطان نیز آنها را دام خود قرار داد، و در دل‌های آنان تخم گذارد، و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. پس با چشم‌های آنان می‌نگریست، و با زبانهای آنان

۱- قرآن کریم، سوره انعام آیه ۴۳

۲- قرآن کریم، سوره یوسف- آیه ۵۳

سخن می‌گفت. پس با یاری آنها بر مرکب گمراهی سوار شد، و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد. مانند رفتار کسی که نشان داد در حکومت شیطان شریک است. و با زبان شیطان، به باطل سخن گفت»^۱

این سخن اریک هولمبرگ، رئیس یکی از مؤسسات مذهبی آمریکا مؤید همین مطلب است، آنگاه که می‌گفت: «هر کس در مقابل خداوند مقاومت کند زمینه آماده ای برای رشد تخم فریب دارد.»

و بالاخره اینکه، امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه به این مقوله اینگونه اشاره می‌فرماید: «بار خدایا! در دل‌های ما راه ورودی برای شیطان قرار مده و منزلگاهی برایش در آنچه نزد ماست آماده مکن. بار پروردگارا! آنچه را از باطل به ما جلوه می‌دهد، به ما بشناسان. و چون شناساندی ما را (از انجام آن باطل) نگه دار. از خواب غفلت که موجب اعتماد به اوست، بیدارمان فرما.

بار خدایا! تسلط او را از ما دور کن و امیدش را از ما قطع نما. خداوند! آنچه را شیطان (در کار ما) گره می‌زند، بگشا و آنچه را که (برای فریب ما) می‌اندیشد، باطل نما. آنگاه که قصد اغفال ما را دارد او را باز بدار. سپاهش را شکست داده و مکرش را باطل فرما. بار خدایا! ما را در صف دشمنانش قرار ده و از دوستانش برکنار دار، که وقتی ما را می‌خواند اطاعتش نکنیم، و چون ما را فرمان دهد اجابتش نکنیم.»^۲

۱- نهج البلاغه خطبه ۷

۲- صحیفه سجادیه دعای ۱۷

البته خداوند خود به استجابت این دعا، پیشاپیش وعده داده است و می فرماید: وینزل علیکم من السماء ماءً لیطهركم به و یذهب عنکم رجس الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام

«و از آسمان بر شما آبی فرو می فرستد تا به سبب آن شما را پاک گرداند و پلیدی شیطان را از شما بزدايد و دلهای شما را به یکدیگر پیوند دهد و قدمهایتان را استوار گرداند.»^۱

در یکی از خطبه های نهج البلاغه امام علی علیه السلام به شخصی که از صفات خداوند سوال کرده بود، فرمودند: فما دلک علیک من صفتہ فاتم به و استضیء بنور هدايته و ما کلفک الشیطان علمه مما لیس فی الکتاب علیک فرضه و لا فی سنه النبی و ائمه الهدی اثره فکل علمه الی اللہ سبحانه

«هر صفتی را که قرآن تو را بدان راهنمایی کرده قبول کن و آنچه را که شیطان به تو آموختنش را تکلیف کرده ولی در کتاب خدا بر تو واجب نشده است و در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم او، از آن اثری نیست، واگذار.»^۲

این جمله امام علی علیه السلام نشان از آن دارد که گاهی شیطان انسان را به چیزی هایی دستور می دهد. ولی ممکن است انسان آن را با خواست خداوند اشتباه بگیرد. این گمراهی در نتیجه عدم شناخت انسان و تأثیر القائنات شیطان است.

۱- قرآن کریم، سوره انفال آیه ۱۱

۲- نهج البلاغه خطبه ۹۱

خداوند امر به مالا یطاق نمی کند، ولی شیطان چرا. خداوند امور زندگی انسان را در جهت صلاح کار آدمی در نظر گرفته، ولی شیطان به دنبال هدف خود بوده و اگر به چیزی امر می کند و اموری را برای انسان پیش می آورد فقط به دنبال ایجاد فساد است نه صلاح کار آدمی.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردم فرمودند: یا ایها الناس انما هو الله و الشیطان. و الحق و الباطل. و الهدی و الضلاله. و الرشده و الغی. و العاجله و الآجله. و الحسنات و السیئات. و ما كان من الحسنات فله و ما كان من السیئات فللشیطان لعنه الله علیه

«ای مردم در جهان خدا و شیطان، حق و باطل، هدایت و گمراهی، پیشرفت و طغیان، دنیا و آخرت خوبی ها و بدی ها در برابر یکدیگرند. پس هرچه خوبی است از جانب خدا و هر چه بدی است از جانب شیطان است.»^۱

این نکته را باز هم متذکر می شویم که شیطان فقط ابلیس رانده شده از درگاه الهی نیست. بلکه هر کس که فریب مردم را بر عهده دارد شیطان است. خواه انسان باشد، خواه جن.

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده اند: اعرفوا العقل و جنده و الجهل و جنده تهتوا «عقل و سپاهش را بشناسید و جهل و سپاهش را بشناسید که هدایت می شوید.»^۲

۱- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۱۵ و ۱۶ حدیث ۲

۲- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۰ حدیث ۱۴

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: و قال لا عداء الله اولیاء الشیطان. اهل التکذیب و الانکار قل: (ما اسئلکم علیه من اجر و ما انا من المتکلفین)۱ «خداوند فرمود: به دشمنان خدا و دوستان شیطان که اهل تکذیب و انکارند بگو: من هیچ اجر و پاداشی از شما نمی خواهم و از جمله کسانی هم که خود را به زحمت بیاندازند نیستم.»۲

آیا باز عجیب نیست که حضرت عیسی علیه السلام خطاب به علمای یهود که سر دسته گمراهان در آن زمان بودند، فرمود: «بروید، کمی در مورد این آیه کتاب آسمانی فکر کنید که می فرماید: من از شما هدیه و قربانی نمی خواهم بلکه دلسوزی و ترحم می خواهم»...۳

آیا تصادفی است که بزرگان دین (آنان که در مسیر مبارزه با شیطان بوده اند)، همگی کار خود را بی اجر از جانب مردم دانسته، ولی در عوض از مردم محبت می خواهند؟ همان که خداوند در قرآن خطاب به پیامبر عزیز خود می فرماید: قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی «از شما برای رسالتم اجر و مزدی طلب نمی کنم، جز اینکه در مورد خاندانم مهربان و دلسوز باشید.»۴

و آیا غیر از این است که شیطان همواره در صدد بوده تا مردم را نسبت به بزرگان دین بدبین کرده تا محبت را از آنها دریغ دارند؟

۱- قرآن کریم، سوره ص آیه ۸۶

۲- روضه کافی صفحه ۳۷۹ حدیث ۵۷۴

۳- انجیل متی باب ۹ آیه ۱۳

۴- قرآن کریم، سوره شوری آیه ۲۳

چهره شیطان

گاهی شیطان خود را به صورت یک انسان ظاهر می کند. و یا حتی به ظاهر حیوانات یا موجودات دیگر. گاهی در ظاهر یک دوست، گاهی خویشاوند و گاهی.... روایاتی در اسلام وجود دارد که بر این مطلب صحه می گذارد.

از جمله این موارد می توان به این روایت اشاره کرد که:

«در جنگ بدر شیطان به شکل یکی از کفار مکه به نام سراقه بن مالک که از قبیله بنی کنانه بود، به سراغ مشرکین رفته و به آنها اطمینان داد که در جنگ بدر پیروز خواهند شد. اما وقتی ورق جنگ برگشت و کفار شکست خوردند، آنها به سراقه بن مالک اعتراض کردند، ولی او انکار کرد که حتی در جنگ شرکت هم نکرده است. چه رسد به اینکه آنها را تحریک کند.»^۱

۱- تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۲۰۱

و مانند این روایت مشهور که معصوم (ع) فرمودند: الجن يتشكل
باشكال المختلفه حتى الكلب و الخنزير «جن به هر شکلی در می آید
حتی به شکل سگ و خوک.» و شیطان نیز یکی از جنیان است.

انجیل نیز این مطلب را تأیید کرده و این گونه یاد آور می شود:
«شیطان خود را به فرشته نور مشابه ساخته و می تواند خود را حتی مانند
چهره مسیح علیه السلام ظاهر کند.»^۱

بله. و باز هم اریک هولمبرگ می گوید: «شیطان می تواند از یک
خواننده محبوب، خواننده زیبای راک و یا حتی خود شما استفاده نماید.»
آری شیطان از درون انسان استفاده می نماید.

چنانچه حضرت علی علیه السلام می فرمایند: ان فی باطن الانسان ما
يجرى مجرى الكلب و هو الغضب و ما يجرى مجرى الخنزير و هو الشر و
الحرص. و ما يجرى مجرى الشيطان. و هذا الشيطان يوسوس دائماً. «همانا
در وجود انسان حالتی از حالات سگ است، و آن هنگامی است که انسان
عصبانی می گردد. و حالتی از حالات خوک است، و آن هنگامی است که
حریص می گردد. و حالتی از حالات شیطان، و آن هنگامی است که دائماً
وسوسه می کند.»^۲

آنچه مسلم است شیطان دشمن شماره یک انسان است. در قرآن
می خوانیم:

الم اعهد اليكم يا بنى آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبین

۱- انجیل، کتاب قرنتیان ۲ باب ۱۴ آیه ۱۱

۲- شرح نهج البلاغه (قطب الدین کیذری) خطبه ۱۷۵

«آیا ما از شما ای فرزندان آدم پیمان نگرفتیم که عبادت شیطان را نکنید؟! همانا که او برای شما دشمنی آشکار است.»^۱

اینک لطف الهی را بنگریم که برای یاری انسان، نیروهایی را گمارده است که در هر حالتی مراقب انسان باشند. ولی باید متوجه باشیم، همه کمک ها در صورتی یاری گر انسان است که ما خود را از مسیر کمک الهی خارج نکنیم و همواره ارتباط خود را با خداوند حفظ نمایم.

حدیثی از امام علی علیه السلام است که ایشان خود را به چوپانی تشبیه کرده و فرموده اند: انا الراعی. راعی الانام. افتری الراعی لا یعرف غنمه؟ فقام الیه جویریة و قال یا امیر المؤمنین فمن غنمک؟ قال صفر الوجوه. ذبل الشفاه من ذکر الله.

«من چوپانم. چوپان انسانها. آیا چوپانی را می شناسید که گوسفندانش را نشناسد؟ راوی ادامه می دهد، شخصی به نام جویریة برخاست و عرض کرد: ای امیر المؤمنین گوسفندان تو کیستند؟ فرمود: کسانی که چهره شان (بر اثر شب زنده داری) زرد و لبهایشان (به خاطر کثرت ذکر خدا) خشکیده است.»^۲

مشابه این جمله شریف را حضرت عیسی علیه السلام هم دارند. آنجا که در کتاب مقدس اشاره به این جمله کرده اند.

«... پس ای گله کوچک من، نترسید. چون رضای خاطر پدر شما در این است که ملکوت را به شما عطا فرماید...»^۳

۱- قرآن کریم، سوره یس آیه ۶۰

۲- فضائل الشیعه صفحه ۶۶ حدیث ۲۰

۳- انجیل لوقا باب ۱۲ آیه ۳۲

در جای دیگر آمده است «امشب همه شما مرا تنها می گذارید. چون خداوند چوپان را می زند و گوسفندان گله پراکنده می شوند.»^۱

در جای دیگر باز اشاره شده است که «... به حضور خدایی که خداوند ما عیسی را که شبان اعظم گوسفندان است، پس از مرگ زنده کرد و با خون او، پیمان ابدی را تأیید نمود.»^۲

و باز آیا اتفاقی است که در بسیاری از موارد، نیروهای شیطانی را با ظاهری شبیه گرگ نمایش می دهند، که در صدد حمله به جامعه بشری بوده و قصد تخریب اعتقادات و حتی زندگی عادی مردم را دارند. و آیا این تعبیرات از بزرگان دین نیز اتفاقی است که خود را چوپان دانسته و حفاظت از توده مردم چه در بعد دینی و چه در بعد اجتماعی را وظیفه خود می دانند. و می خواهند مردم را از شر شیاطین گرگ صفت رهایی بخشند.

دشمنی شیطان با انسان به قدری است که از هر وسیله ممکن استفاده می کند، و انسان را به پرتگاه هلاکت می افکند. از وسوسه های روزانه گرفته تا انحرافات جنسی و اخلاقی. و گاهی خود را نیز به صورت انسان ظاهر کرده و انسان را گمراه می کند. برای نمونه به این داستان که در روایات اسلامی و مسیحی که هم در کتب تاریخی و هم در کتب روایی آمده و در بردارنده ماجرای تکان دهنده ای است توجه فرمایید.

۱- انجیل متی باب ۲۶ آیه ۳۱

۲- انجیل، کتاب عبرانیان باب ۱۳ آیه ۲۰

شیطان و قوم لوط

قوم لوط از بهترین خلق خدا بودند. و شیطان با تلاش سختی در صدد گمراهی آنان بود. و به دنبال راهی برای این کار می گشت. متأسفانه قوم لوط با گذشت زمان رفته رفته به صفت زشت بخل گرفتار شده و همین صفت زشت، در مورد شهوت جنسی درد بی درمان برای آنان به بار آورد. وقتی ابراهیم خلیل علیه السلام به سرزمین شام وارد شد، مردم آن دیار را به پرستش خدا و دین حق دعوت کرد. در هفت فرسنگی او شهرهای آباد حاصلخیز و پر برکتی بود که سر راه کاروانیان و مردم قرار داشت. به حدی که هر کس از آنجا عبور می کرد، از درختها و زراعت آنها استفاده می کرد.

این ماجرا برای قوم لوط قابل تحمل نبود. لذا در صدد چاره جویی بر آمدند تا دست دیگران را از اموال خود کوتاه کنند. شیطان از این فرصت

استفاده کرد و به صورت پیرمردی نزد ایشان آمد. شیطان به آنها گفت: کاری به شما یاد می‌دهم که اگر آن را انجام دهید دیگر کسی به شهرهای شما نزدیک نمی‌شود. مردم پرسیدند چه کاری؟ گفت: هر کس از اینجا عبور کرد، جامه هایش را از تن در آورده، عریانش کنید و با او لواط کنید. آنگاه خود به صورت پسری زیبا روی نزد آنان رفت و به زراعت آنها تعدی کرد. آنها نیز با وی لواط کردند. قوم لوط از این کار خوششان آمد. سپس با مردان و پسران دیگر قوم خود نیز این عمل را انجام دادند. تا اینکه تدریجاً این کار زشت در میان آنها رواج یافت و سرانجام کارشان به جایی رسید که به کلی از زنان روی گردان شده و به پسران و مردان روی آوردند.

شیطان که دید نقشه اش در مورد مردان آنها عملی شده است، به سراغ زنان آنها رفت و به آنها گفت: اکنون که مردانتان برای دفع شهوت جنسی به یکدیگر اکتفاء کرده اند شما هم برای دفع شهوت به یکدیگر اکتفاء کنید. و آنگاه مساحقه (همجنس بازی زنان) را به آنان آموخت. ۱. اینک؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

معنی کلمه شیطان

در برخی روایات به این نکته اشاره شده است که یکی از نامهای شیطان قبل از رانده شدن از بهشت «حارث» بود. و وقتی از بهشت رانده شد ابلیس نام گرفت. ابلیس یعنی مأیوس و ناامید. و بعد از آن بود که شیطان نام گرفت. در فرهنگ اروپایی نام شیطان «لوسیفر» بوده است و بعد از رانده شدن از بهشت «سیطن» نامیده شد.

البته نام های متعددی از شیطان بیان شده که در جای خود اشاره خواهد شد. کلمه شیطان (در پارسی کنونی ایران شیطان) از ماده «شطن» گرفته شده و «شاطن» به معنای «خبیث و پست» است. شیطان به موجود رانده شده، سرکش و متمرّد اطلاق می شود و به معنی روح شریر و دور از حق، نیز آمده است.^۱

۱- دایره المعارف ویکی پدیا www.wikipedia.com

«شیطان» اسم عام است، در حالی که «ابلیس» اسم خاص می باشد. و به عبارت دیگر شیطان به هر موجود مودی و منحرف کننده و طاغی و سرکش، خواه انسانی یا غیر انسانی اطلاق می گردد. نام ابلیس در باورهای اسلامی «شیطان» است که آدم علیه السلام را فریب داد. شیطان به هر موجود مودی و مضر گفته می شود، موجودی که از راه راست بر کنار بوده و در صدد آزار دیگران است، موجودی که سعی می کند ایجاد دو دستگی نماید و اختلاف و فساد به راه اندازد. و اینکه به ابلیس هم شیطان اطلاق شده، بخاطر فساد و شرارتی است که در او وجود دارد. شیطان معانی مختلفی دارد، که یکی از مصداقهای روشن آن ابلیس و مصداق دیگر آن انسان های مفسد و منحرف کننده است.^۱

شیطان از دید ادیان

۱- شیطان در یهودیت، از جهت لغت به معنای «دشمن» یا «تهمت زننده» است. و همینطور نام فرشته ای است که مؤمنین را مورد محک قرار می دهد. شیطان در آئین یهود، به عنوان دشمن خدا شناخته نشده است. بلکه یک خادم خدا است که وظیفه دارد ایمان بشریت را مورد آزمایش قرار دهد. لذا تورات او را مورد جسارت قرار نداده و کوچکترین برائتی از او ابراز نشده است.

۲- مسیحیت دیدگاهی شبیه اسلام دارد: در بسیاری از شاخه های مسیحیت، شیطان (لوسیفر) قبل از آنکه از درگاه الهی طرد شود، یک

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۱۹۱ تا ۱۹۳.

موجود روحانی یا فرشته بوده که در خدمت خداوندگار بوده است. گفته می‌شود شیطان از درگاه خداوند به دلیل غرور بیش از حد و خودپرستی طرد شده است.

همچنین گفته شده شیطان کسی بوده است که به انسان گفته است می‌تواند خدا شود، و موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا شده و در نتیجه از بهشت عدن اخراج شده است. از شیطان در کتاب یونانی «دیابلوس» به عنوان روح پلید «Devil»، نام برده شده است که به معنای «تهمت زننده» یا کسی که به ناحق دیگران را متهم می‌کند، می‌باشد. واژه «Devil» از فعلی به معنای «پرت کردن» یا «انتقال دادن» نشئت گرفته شده است. در حالی که «لاوی» (مؤسس فرقه شیطان پرستی نوین) ادعا کرده است که این واژه از زبان سانسکریت «devi» مشتق شده و به معنای الهه می‌باشد (گرچه این ادعا نادرست به نظر می‌آید).

شیطان پرستی

(۱)

شیطان پرستی یکی از اعتقاداتی است که به آن پیشینه هزاران ساله می دهند و دلیل آن را نیز پرستش هر موجود دارای قدرت، توسط مردمان هزاران سال پیش و یا در نظر گرفتن دو خدای ضد هم یعنی خدای خیر و خدای شر می دانند.

اما شیطان پرستی مدرن آئینی است دارای شباهت هایی به اومانیسم. که انسان را برترین موجود می داند و او را تنها در برابر خود مسئول می داند.

آنتوان اس زاندر لاوی (مؤسس شیطان پرستی مدرن) در این باره می گوید: «خدای با عظمت و با شکوهی وجود ندارد، و جهنمی که در آن گناهکاران کباب می شوند هم نیست.

اینجا و حالا روز شکنجه و سختی ماست! اینجا و حالا روز خوشی ماست! اینجا و حالا فرصت ماست! این روز و این ساعت را انتخاب

کن که زندگی رهایی بخشی وجود ندارد!»^۱

«شیطان پرستی» جدید به خدایی اعتقاد ندارد و «شیطان» را تنها نوعی کهن نماد (archetype) می داند و اعتقاد دارد که انسان به تنهایی می تواند راه درست و غلط را تشخیص دهد. به همین دلیل هم این اعتقاد بیشتر به عنوان یک اعتقاد فلسفی شناخته می شود.

«شیطان» در این اعتقاد نماد نیروی تاریکی، طبیعت شهوانی و مرگ است. و بهترین نشانه قدرت و ضد مذهب بودن است.

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی نوشته آنتوان اس زاندرلاوی (۱۹۶۹م).

اصول شیطان پرستی

آته ایسم: خدایی در شیطان پرستی وجود ندارد.

دوگانه نگری منفی: روح و جسم غیرقابل دیدن هستند. و هیچ

جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.

اتودیسیم (خود پرستی): خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر

انسانی خود یک خداست.

ماتریالیسم: اعتقاد به اصالت ماده

آنتی رلیژن (ضد مذهب): خصومت با مذاهب. خصوصاً در مورد

مذاهبی که اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارند.

ویسیروتینیسیم (لذت گرایی): اعتقاد به استفاده از لذت در حد اعلای

آن. زیرا تمام لذات، در خوشی دنیایی است. و این خوشی ها خصوصاً

لذات جنسی انگیزه لازم را برای کارهای روزانه فراهم می کنند.

و به هر شکلی انجام آنها لازم و ضروری است. در بین حجم عظیم از مطالب، دیدگاه خود شیطان پرستان نسبت به این مکتب نگاهی ویژه است و در خود حقایقی را به همراه دارد. البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که در این میان، گاهی مطالبی کاملاً صحیح و حتی در چهارچوب دین عرضه می گردد که باید به آن توجه ویژه ای داشت. چرا که شیطان برای فریب مردم از اعتقادات مسلم و صحیح آغاز کرده و در ابتدای راه خود را همراه اعتقادات مذهبی و دینی مردم نشان می دهد. آنگاه به تدریج آنان را به بیراهه فساد و جنایت و کفر می کشاند.

برای نمونه نگاهی گذرا به قواعد یازده گانه شیطان پرستی می تواند مثال خوبی برای این مطلب باشد.

قواعد یازده گانه شیطان پرستی در زمین

«۱- نباید اعتقادات خود را به دیگران بگویی، مگر آنکه از تو

پرسند.

۲- نباید زحمتهایی را که متحمل شده ای به دیگران بگویی، مگر

اینکه بخواهند بشنوند.

۳- هنگامی که دروغ دیگران را می بینی، یا به آنها احترام بگذار و

چیزی مگو، یا دیگر آنجا نرو.

۴- اگر میهمان با دروغ تو را اذیت کرد، بی رحمانه به او حمله کن

و به او اذیت برسان. (حق او را کف دستش بگذار)

۵- در انجام عمل جنسی پیش قدم نشو، مگر اینکه کس مشخصی را

برای همبستری پیدا کنی.

۶- چیزی را که مال تو نیست برندار، مگر اینکه هزینه آن را به دیگران پردازی یا فریاد بزنی و صاحبش را بیابی و خود را خلاص کنی.

۷- قبول کن قدرت از آن جادوگری است. اگر آن را درست استفاده کنی، به هر چه بخواهی دست خواهی یافت. و اگر با وجود کامیابی در استفاده از قدرت جادو، آن را انکار کنی تمام چیزهایی را که بدست آورده ای از دست خواهی داد.

۸- نباید به هر چیزی اعتراض کنی. این شما هستی که باید مورد اعتراض قرار بگیری (یعنی فقط حق داری به خودت اعتراض کنی).

۹- به کودکان نباید هیچ آسیب کوچکی بزنی.

۱۰- نباید هیچ انسان یا حیوانی را بکشی، مگر آنکه به تو حمله کرده یا اینکه مجبور باشی آن را بخوری.

۱۱- هنگامی که خواستی در مناطق آزاد به گردش بروی، به کسی زحمت نده. اگر بعضی افراد همراه تو زحمت می کشند، به او بگو دست نگه دار. اگر دست نگه نداشت آن را خراب کن.»^۱

همانطور که آشکار و هویداست برخی از این اعتقادات درست، برخی پوچ و یاوه و بعضی نیز خنثی می باشند. اما هر چه که هست، بسیاری از مردم فریب همین ساده گویی را خورده و نسبت به گرایش به آن افتخار کرده و خود را افرادی آگاه می پندارند، که اعتقادات راسخی دارند.

نمونه دیگری که می توان در این راستا ارائه کرد، گناهان نه گانه

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی نوشته آنتوان اس زاندرلای (۱۹۶۹م).

شیطان پرستی است. این گناهان تا حدودی با گناهان مذموم در سایر ادیان مشابهت دارد. اما آنچه که جلب توجه می کند، این است که چرا شیطان پرستان چنین حدودی را برای خود قرار داده و به آن معتقد هستند؟

مگر نه اینکه اعتقاد دارند انسان نباید هیچ نیرویی را به عنوان نیروی مافوق قبول کند. و آزادی مطلق، با قبول محدودیت سازگاری ندارد! تأمل در این مسئله می تواند بسیاری از حقایق را روشن سازد.

موارد مذکور، آنچنان برخی را فریب داده است که همانطور که اشاره شد، عده ای شیطان پرستی را یکی از مذاهب و آئینی دانسته که می توان در کنار سایر مذاهب به آن اعتقاد داشت. و در واقع بعدی از مانیفیسم یا یونیورسالیسم را ترویج می کنند. که همه راهها، چه راههای الهی و چه راههای مادی و حتی راههای کفر آمیزی همچون شیطان پرستی، همگی به سعادت بشر منجر می شوند.

با این توصیف گناهان نه گانه شیطان پرستی را ملاحظه فرمایید.

گناهان نه گانه در آئین شیطان پرستی

«۱- جهل و نادانی: این گناه بزرگترین گناه آئین شیطان پرستی است. نادانی بد است، ولی زیاد دردناک نیست. جهل یک چیز است. ولی جامعه ما به سمت نادانی پیش می رود. رسانه ها باید جلوی نادانی را بگیرند. شیطان پرست باید بفهماند که می توان جلوی نادانی را گرفت.

۲- خودنمایی: انسان نباید خودنمایی کند، زیرا همه چیز ساخته ذهن آدمی است.

۳- منیت: یکی از خطرناکترین چیزها برای شیطان پرست منیت اوست. بعضی ها منتظرند مردم به آنها تعظیم کرده و احترام بگذارند. شیطان پرست باید تلاش کند تحکیم کند تقدم دیگران را بر خود. ما باید ثابت کنیم و هوشیار باشیم. مبادا در عین آسودگی خیال لغزش کنید. مسلماً مدینه فاضله جهان، تصویری در میان ملت ماست. اما متأسفانه ما از

آن نقطه اوج دور هستیم.

۴- خود فریبی: این گناه یکی از گناهان نه گانه است، ولی باید مکرر تکرار گردد. تا مبدا کسی گرفتار آن گردد و خود را بفریبد.

۵- هم‌رنگ جماعت شدن: شاید هم‌رنگی با جماعت برای شما سود آور باشد، ولی فقط یک انسان احمق از جماعت پیروی می‌کند. زیرا در این صورت انسان فاقد شخصیت وجودی است.

۶- نداشتن بصیرت و آگاهی: چقدر درد آور است برای یک شیطان پرست که بصیرت نداشته باشد. شما هرگز نباید بصیرت خود را گم کنید، و اینکه چه کسی هستید یا اینکه چه چیزی شما را تهدید می‌کند. این برای بقای شما بسیار ضروری است. ما در حال ساختن تاریخ درست هستیم. و باید تصویر و خوراک تاریخی و اجتماعی صحیحی در اذهان، از خود به جای بگذاریم.

۷- فراموش کردن گذشته مکتب ارتدکس: باید آگاه بود که این مورد از کلیدهایی است که مردم را در قبول کردن چیزهای جدید و متفاوت نگاه می‌دارد. در مقابل چیزهایی که یکباره مورد قبول واقع می‌شوند، اکنون یک بسته تازه داده شده است.

ما باید منتظر یاهو گویی‌ها درباره نبوغ خالق خود باشیم و اصل را فراموش نکنیم، که این سازه‌ای برای استفاده شدن در جامعه است.

۸- غرور بیجا: غرور اولین کلمه مهم است. قانون شیطان پرستی این است: اگر شما کارخانه دار بزرگی هستید، هنگامی که کار به خاطر شما متوقف می‌شود، در آن هنگام شما خود را در گوشه‌ای به تصویر می‌کشید که تنها راه شما گفتن این جمله است:

«من متأسفم. من اشتباه کردم، و می خواهم که ما به طریقی مصالحه

کنیم.»

۹- نداشتن زیبا بینی: این خواست طبیعی، عامل توازن است. زیبا بینی در جادوگری کمتر اهمیت دارد. ولی ما باید بیشتر به آن اهمیت دهیم. این واضح است که هیچ کس نمی تواند همه پولهای دنیا را یک جا جمع کند. در این زمان بیشتر زیبایی ها دلسرد کننده است. شیطان پرستی برای این است که سحر و جادو را بکار ببریم برای اثر بخشی به زیبایی ذاتی.

زیبا بینی چیزی است که مشخصاً بازتاب طبیعی دارد، اما عموماً به دروغ می گوئیم: می خواهیم آنرا کنار بگذاریم.»^۱

ملاحظه می فرمایید که چگونه اعتقادات شیطان پرستی، طعنه به اعتقادات سایر ادیان می زند و از این رهگذر خود را با آنان همسان می پندارد. و همین مقدار برای فریب ساده لوحان کفایت می کند.

زیرا عده ای فقط به دنبال تبعیت از چیزی هستند که در مواقعی به کار آنان بیاید. و هیچگاه به محتوا کاری ندارند.

با ذکر این نمونه به بیان تاریخچه شیطان پرستی مدرن از دیدگاه خود آنان می پردازیم.

مطالبی که در ادامه خواهد آمد نوشته خانم بلانچ بورتون، یکی از کشیشیان و کاهنان سیطنیسم است.

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی نوشته آنتوان اس زاندرلاوی (۱۹۶۹م)

تاریخچه شیطان پرستی از دیدگاه شیطان پرستان

بلانچ بورتون در کتاب The church of Satan (کلیسای شیطان) با اشاره به موضوعات مختلف، شیطان پرستی را از زوایای متعدد بررسی کرده و برای آن آینده نگری خاصی را ترسیم می کند. در بخشی از این کتاب با عنوان اصلی کتاب یعنی The church of Satan (کلیسای شیطان)، می نویسد:

«آنتوان اس زاندر لاوی در شب ۳۰ آوریل و روز یکم ماه می، در سال ۱۹۶۶م و در فصل بهار، کلیسای شیطان را در حالی که جادوگران شیطانی در زمین پر سه می زدند، بنیان نهاد.

لاوی در حالی که سر خود را تراشیده بود، (مانند مراسم قرون وسطایی) تشریفات را آغاز کرده و عده ای از جادوگران نیز برای منافع شخصی خود، دور او را گرفتند. تا بتوانند نیروی شیطان را دریافت کنند.

در جادوی تثلیث، توجه معنوی به روح و فداکاری برای جهنم، پیگیری می گردد. تراشیدن سر در مراسم شیطان، از فرامین اساسی است که باید انجام گیرد. همانند تراشیدن سر با تیغ و شستشو با آب زمزم در اسلام، که نخستین جریان برج هفتم شیطان است.

سال ۱۹۶۶م. اولین سال سلطنت شیطان بر فرزندان آدم بود. این مکتب بزرگترین انقلاب، در سرتاسر جهان تا به امروز است، که مخلوطی از جادو- منطقی و دین مبتنی بر شهوات است.

حالا اینجا (آمریکا) بعد جاهای دیگر. شهوت در عوض انکار. سپس خودپسندی در حکم دوست داشتن. این در زمانی است که زمین گسسته شود و همه به شیطان گرویده شوند.»

می بینید که او در کتاب خود، حتی به آئین اسلام نیز اشاره کرده و سعی می کند اعمال شیطان پرستی را در مقایسه با ادیان الهی به نوعی توجیه کند. آنگاه به فراگیر بودن مکتب شیطان پرستی می پردازد.

لذا هیچ عجیب نیست که در کنار اعمال و مناسک شیطان پرستی، (در سایتهای مربوط به این فرقه) عکسها و گوشه هایی از مراسم قمه زنی که به مناسبت عزاداری امام حسین علیه السلام انجام می پذیرد هم قرار گرفته و آن را به نوعی به شیطان پرستی ملحق کرده و با این ترفند اعمال وحشیانه خود را توجیه می کنند.

در ادامه باب دیگری گشوده شده و دلایل ایجاد مکتب شیطان پرستی از نگاه لاوی را مطرح می سازد. بورتون از این باب با عنوان «Modern Prometheus» (پرومتئوس جدید) یاد می کند و

می افزاید:

«آنتوان لاوی هرگز انتظار بنیان گذاری آئین جدیدی را نداشت. اما او برای مردم احساس نیاز کرد که چیزی برای مقابله با رکود مسیحیت ایجاد کند. و فهمید که اگر او نتواند آن را انجام دهد، هرگز کسی نخواهد توانست. یا شاید کمتر کسی شایستگی آن را داشته باشد.

لاوی باید نشان می داد که عدالت، برگرفته از رنج و عذاب برای انسانهاست. و کسی باید با نیرو در مقابل آن بایستد. او شروع کرد به تحقق بخشیدن آن. او از ما برای پیشرفت علم و فلسفه استفاده کرد و به آن نیز دست یافت. و آن فلسفه ایستادن در برابر خدا و کلیسا بود. و همچنین یک قرارداد جدید اجتماعی به وجود آورد.

ما باید نشان دهیم برای آن انقلاب بزرگ آفریده شده ایم. و نباید از ورود آن به روح خود جلوگیری کنیم.

شیطان با یک نام یا نامهای دیگر شبیه انسان است، که انسان را با چشاندن لذات شیرین و سوسه می کند.

شیطان، با پنهان کاری بیان می کند که او تنها نامزد خداوندی است. او کسی بود که توانست برای پاداش، درخواست قدرت کند و چه کسی سزاوار پاداش است. (اشاره به رانده شدن شیطان از درگاه خداوند. و اینکه به خداوند عرض کرد که خدایا در عوض عبادتهای چند هزار ساله قدرتهایی را به من عطا کن. خداوند نیز به او قدرتهایی را بخشید.)

شیطان در عوض خلقت معاصی و گناهان، ضمانت گناهکاران را قبول کرد و تشویق کرد زیاده روی و افراط را. و او همان کسی بود که خدا می توانست ما را به سمت او هدایت کند.»

توجه داشته باشید که بورتون چگونه به دفاع از لاوی پرداخته و او

را توجیه و تقدیس می کند. و شیطان پرستی را موهبتی الهی می شمارد.

در بخش دیگر کتاب با اشاره به حضور لاوی در پشت صحنه فیلم بچه رزماری، فیلم را به عنوان سرباز کلیسای شیطان معرفی می کند. به این بخش توجه فرمایید.

«Hell on reels» (جهنم در حلقه های فیلم)

«هنگامیکه فیلم بچه رزماری در سال ۱۹۶۸م در حال ساخت بود، لاوی در این فیلم مشغول تمرین نقش بود. و جمعی از مسئولین فرهنگی از جمله رئیس اداره تبلیغات آمریکا نیز نظاره گر فعالیت او بودند. در این میان همه متوجه لاوی بودند که در حال تمرین اعمال مذهبی شیطانی بود. او درباره فیلم گفت: فیلم بچه رزماری برای کلیسای شیطان مثل انجمن ku klux klan (سازمان سری سیاه پوستان آمریکا) به عنوان یک سرباز برای ملت آمریکاست.»

این فیلم در کمال وقاحت آداب مسیحیت را به سخره گرفته و تصویری زشت از مریم مقدس به نمایش گذاشت. و مفاهیم شیطانی در آن به صورت کاملاً آشکار ولی توجیه شده برای همگان به نمایش درآمد. باز در ادامه کتاب به بخش دیگری می رسیم.

«Lucifer rising» (طالع شیطان).

این بخش به شرح آینده شیطان پرستی پرداخته و برخی آداب موبوط به عضویت در کلیسای شیطان را مطرح می کند. بخشی از این متن را بخوانید.

«عضویت در کلیسای شیطان پیوسته در حال افزایش است. لاوی

برای این عضویت شرایطی دارد.

اولین شرط، ملاقات حضوری است. که جزء اصلی آن، تجمع پیرامون گوی است. که هر کجا برود برکت را با خود می برد. و ملاقات در سرداب صورت می گیرد.

لاوی در آن زمان (زمان آغاز به کار کلیسای شیطان)، بعد از گذشت چند سال کلیسای شیطان را رسماً تثبیت کرد. و بعد از مدتی همگان از وجود کلیسای شیطان آگاهی یافتند و روز به روز بر جمعیت پیروان لاوی افزوده شد.

اکنون کلیسای شیطان وضعیتی مطلوب دارد. البته از دنیای بیرون تحت فشار قرار دارد، ولی با نیروی مضاعف و فشار کاری بیشتر و انجام تشریفات مذهبی، دیگران به پذیرش این آئین تشویق خواهند شد.» نویسنده کتاب باز نگاهی به گذشته این مکتب انداخته و در ادامه چنین یادآور می شود:

«در دوره ای پیروزی نسبتاً با لاوی بود. اما این مقطع گذرا و کوتاه بود و برای مدتی بیشتر مراسمات مذهبی، شبانه و در خفا صورت می گرفت. ولی به مرور بر پیروان شیطان پرستی افزوده شد.

در سال ۱۹۷۰م. انجام مراسمات و سخنرانی ها و رفتار و عملکرد فردی لاوی، باعث شد، گرایش عمومی به او بیشتر گردد. در سال ۱۹۷۲م. مراسمات در خانه سیاه انجام می شد. و این به خاطر آن بود که کلیسای شیطان دیگر مکان مناسبی برای انجام مراسمات مذهبی نبود، لذا مراسمات در غار مرکزی، معروف به خانه سیاه انجام می گرفت.

(نام خانه سیاه را لاوی برای اولین بار بر غار زیر زمینی مرکزی نهاد)

و تنها طبق دستور، کلیسای شیطان را با پرده سیاه پوشاندند. سرانجام در سال ۱۹۷۵م مجدداً فعالیت کلیسای شیطان آغاز گردید و کسانی که با لاوی تماس داشتند، دوباره فرا خوانده شدند. اما تعالیم کفر آمیز مسیحیت، به شدت فعالیت لاوی را محدود کرده بود. لکن تحت رهبری و هدایت لاوی، امور به سرعت انجام گرفت و لاوی برای قانع کردن دیگران نامه هایی را برای برخی افراد نوشت. در نتیجه با تدبیر لاوی راهی برای پاکی خانه گشوده شد.»

بورتون در ادامه دوستان لاوی را دسته بندی کرده و می نویسد:

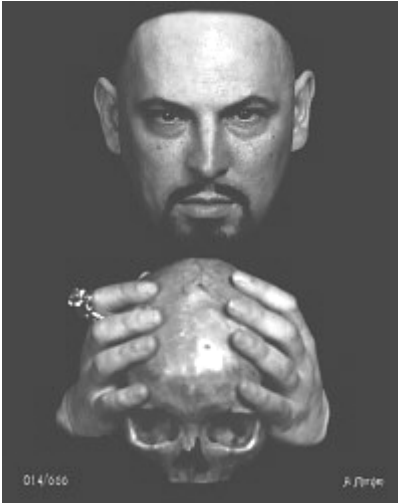
«بسیاری از کسانی که گرد لاوی جمع شده بودند، یا به خاطر دوستی با او بوده یا به خاطر کسب شهرت و بزرگی. و همچنین عده ای نیز برای کسب لباس مخصوص برای ورود به خانه شیطان.»^۱

حال که از «لاوی» مؤسس فرقه سیطنیسم سخن به میان آمد، بد نیست که درباره زندگی او و هم کیشانش، در صفحات آتی مطالبی ارائه کنیم. البته این نگاه مختصر می تواند تا حدودی تناقض های دنیای تاریک شیطان پرستی را آشکار سازد. یک زندگی کاملاً شهوانی و دور از انسانیت.

۱- کتاب The church of Satan (کلیسای شیطان) انتشارات Hell's kitchen

(آشپزخانه جهنم) سال ۱۹۹۰م نیویورک نویسنده بلانچ بورتون

سران شیطان پرستی



آنتوان اس زاندر لاوی

Anton Szandor LaVey، مؤسس و کاهن اعظم کلیسای شیطان، نویسنده کتاب انجیل شیطانی و بنیان گذار شیطان پرستی لاویسی، در ۱۱ آوریل سال ۱۹۳۰م در شهر «شیکاگو» ایالت «ایلی نویز» متولد شد. آنگاه خانواده اش به «سانفرانسیسکو» نقل مکان کردند و بیشتر دوران رشد وی همانجا سپری شد.

«لاوی» پس از رها کردن دبیرستان و فرار از خانه در ۱۷ سالگی، ابتدا به سیرک پیوست و بعد به نوازندگی روی آورد. وی در سال ۱۹۵۰م به عنوان عکاس در دایره جنائی پلیس استخدام شد.

«لاوی» در سال ۱۹۵۲م با «کارول کنسینگ» ازدواج کرد. نتیجه این ازدواج اولین دختر او «کلارا لاوی» بود. ازدواج آنها بعد از اینکه «آنتوان» بسیار شیفته «داین هگارتی» شده بود، در سال ۱۹۶۰م منجر

به طلاق شد. «آنتوان» و «داین» هرگز ازدواج نکردند ولی رابطه آنها بعد از سالهای طولانی به تولد دختر دوم وی «زینا لاوی» در سال ۱۹۶۴ م. منجر شد.

موفقیت های او به عنوان یک پیانیست، او را مشهور ساخت. به طوری که از مشهورترین افراد زمان خود در «سافرانسیسکو» بود. لاوی ارائه سخنرانی های سرّی خود در شبهای جمعه را که «دایره اسرار آمیز» نامیده بود آغاز کرد. و یکی از اعضای همین حلقه به «لاوی» پیشنهاد تأسیس آیین جدید را داد.

در ۳۰ آوریل سال ۱۹۶۶ م. در حالی که «لاوی» سر خود را (به عنوان رسم آئین جدید) تراشیده بود، بنیان گذاری کلیسای شیطان را اعلام کرد. همچنین سال ۱۹۶۶ م. را به عنوان «آنو سیطنس» (سال اول عصر شیطان) اعلام کرد. و خود را کاهن اعظم «کلیسای شیطان» نامید. چندی بعد با انتشار کتاب «انجیل شیطانی» در سال ۱۹۶۹ م. به اظهار تعالیم کلیسای شیطان پرداخت و اظهار کرد که «شیطان فرمانروای زمین است».

در ادامه انتشار کتاب انجیل شیطانی لاوی کتاب «آئین پرستش شیطانی» را در سال ۱۹۷۲ م. انتشار داد. در این کتاب جزئیات بیشتری از آئین پرستش، رسوم و تشریفات دینی پرستش شیطان (از جمله مراسم عشاء تاریک) را ذکر کرد.

هگارتی و لاوی در اوسط سال ۱۹۸۰ م. از هم جدا شدند. و آخرین همراه لاوی «بلانچ بورتون» بود. که نتیجه این همراهی تنها پسر لاوی «سیتن سرکیس کرنکی لاوی» شد.

سرنجام «آنتوان لاوی» در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۹۷ م در بیمارستان «سنت ماری» شهر سانفرانسیسکو بر اثر تورم ریه مرد. روز مرگ لاوی به عنوان روز «هالووین» شناخته می‌شود. در تدفین شیطانی لاوی که به صورت مخفی انجام شد، جسدش را سوزاندند. خاکسترش دفن نشد، ولی بین وارثانش تقسیم شد. و با این فرض که دارای قدرت اسرارآمیز است، در آئین پرستش اسرار آمیز شیطانی استفاده می‌شود. آثاری که منسوب به لاوی می باشد، در چند قالب است. از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

کتابها:

انجیل شیطانی (۱۹۶۹) - ساحره تمام‌عیار یا وقتی پاک‌دمنی شکست خورد چه کنیم (۱۹۷۱) - آئین پرستش شیطانی (۱۹۷۲) - گفتگوهای شیطان (۱۹۸۸) - دفتر یادداشت شیطان (۱۹۹۲)

فیلمها:

نیایش برادر اهریمنی من (۱۹۶۹) - عشاء ربانی شیطان (۱۹۷۰) - باران شیطان (۱۹۷۵) - اتومبیل (۱۹۷۷) - دکتر دراکولا، اکا سونگالی (۱۹۸۱) - سوپر استار کارلز منسون (۱۹۸۹) - مرگ در صحنه (۱۹۸۹) - گفتگوی شیطان (۱۹۹۵)

موسیقیها:

مراسم عشاء شیطانی - بیگانه - شیطان به تعطیلات می‌رود. ۱.

۱- تشریح، فلسفه و توجیه شیطان پرستی. دانشنامه دین و طبیعت



مرلین منسون

نام اصلی او «برایان هاگ وارنر» می باشد. و شاید به جرأت بتوان گفت، منسون یکی از خوانندگان راک است که در توهین و جسارت به مقدسات سر آمد تمامی خوانندگان است. که متأسفانه بسیاری از جوانان ایرانی نیز به این خواننده علاقه خاصی دارند.

البته غفلت اکثر جوانان، به خاطر این است که از راک و خوانندگان آن چیز زیادی نمی دانند. در مورد این فرد سخنان ضد و نقیض بسیاری مطرح است. تا این حد که عده ای می گویند: او زنی است که نام مردان بر خود گذارده و تغییر جنسیت داده است. در واقع او مردی زن نماست. و حتی برخی از دنده های بدن خود را برداشته تا راحت تر دهانش به آلت تناسلیش برسد، تا این چنین برخی مسایل خود ارضایی را انجام دهد.

منسون به خاطر فعالیتهای زیادش در به وقاحت کشاندن شخصیت

انسانی و توهین به مقدسات، و همچنین به پاس خدمات بسیارش به راک از کلیسای شیطان (church of satan) عنوان کشیش افتخاری را دریافت کرده و القاب وحش ۶۶۶ و ضد مسیح را برای خود برگزید.

توهین به مقدسات از سوی منسون به حدی زیاد است که روی سن و در حال اجرای کنسرت، کتاب انجیل را که از سوی حدود چهار میلیارد انسان مورد احترام است و به آن عشق می روزند، پاره می کند. به قرآن و سایر کتابهای آسمانی توهین می کند. اما همواره خود را یک خدا پرست معرفی می کند.

منسون در آهنگ «نوجوانان یکبار مصرف» از آلبوم «هالیوود» می خواند: «من هیچ وقت از خدای واقعی بدم نمی آید، من از خدای مردم متنفرم.»

و حالا به این سخن او توجه فرمایید که در جایی دیگر گفته است: «چرا باید به خدایی ایمان داشته باشم که به من ایمان ندارد.»
دقت کنید سخن از خدای مردم نیست.

او در آهنگ «آواز جنگ» از آلبوم «هالیوود» می خواند: «من برده خدایی که وجود ندارد نیستم.» و یا اینکه در آهنگ «خدا، خدا می خورد» از همین آلبوم می خواند: «خدای عزیز می دانی که اگر زنده بودی خودمان تو را می کشتیم.»

حال این تضاد و تناقض را چگونه باور می کنید. و اصلاً چگونه می توان آن را توجیه کرد؟!

ناگفته نماند که اصولاً خوانندگان راک، هیچ اعتقاد ثابتی ندارند و به هر طرف که سود سرشاری برای آنان داشته باشد مایل می گردند.

البته منسون هیچگاه عقیده خود را انکار نکرده است. او در بسیاری از مصاحبه هایش به صراحت اعلام کرده که خودش خدای خودش می باشد. و چیزی به نام خدا فقط در ذهن انسانها نقش بسته است تا اندکی خود را آرام کنند.

خوانندگان بسیاری نیز مانند منسون این کار را کرده اند. زمانی دم از خدا زده اند، و در جای دیگر وجود او را انکار کرده و به او توهین نمودند.

از جمله این افراد می توان به مایکل جکسون اشاره کرد. که در آهنگ «تشکر از خدا» از خداوند به بزرگی و رحمت یاد می کند. و حتی در کنار گویش لاتین به گویش عربی نیز جملاتی را در مدح خداوند بر زبان جاری می کند. آنگاه بسیاری از مسلمانان ساده لوح باور می کنند که این خواننده شیطان پرست مسلمان شده است. آن هم فقط به این خاطر که در برخی مکانها با پوشش اسلامی ظاهر شده، و یا اینکه برادرش او را به رسم مسلمانان تشییع جنازه کرده است.

البته درباره جکسون باید گفت، او زمانی که پرونده تجاوز جنسی اش به یک کودک افشا شد، به نوعی سعی در تطهیر چهره خود داشته و اقدام به خواندن اشعاری با مضامین اسلامی کرده است. تا اندکی افکار عمومی را از این مسئله منحرف کند. و یا اینکه به نوعی انحرافش را به اسلام ارتباط دهد. و البته این رفتار را از کسی چون او می توان انتظار داشت.

متأسفانه با بی تدبیری مسئولان، تعدادی از آهنگهای اجرا شده توسط او، از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز پخش شده است. که خود جای بسی درنگ دارد.



پیتر گیل‌مور

Peter H. Gilmore در سال ۲۰۰۱ م توسط موبده بلانچ بورتون (معشوقه آنتوان لاوی) به عنوان کاهن اعظم کلیسای شیطان تعیین شد. و هم اکنون به عنوان موبد اعظم در کلیسای شیطان فعالیت می‌کند. وی به عنوان نماینده کلیسای شیطان در برنامه‌های متعددی که در رادیو و تلویزیون راجع به شیطان پرستی پخش می‌شود، حضور فعالی دارد.

«گیلمور» در سال ۱۹۸۹ م همراه با همسرش «پگی نارامیا» انتشار مجله «شعله سیاه» را آغاز کردند. همچنین «گیلمور» در سال ۲۰۰۵ م مقدمه‌ای بر انجیل شیطانی آنتوان لاوی نوشت. آخرین اثر او «کتاب مقدس شیطانی» (The Satanic Scriptures) است. که در سال ۲۰۰۷ م منتشر شد. ۱

۱- دانشنامه دین و طبیعت . تشریح، فلسفه و توجیه شیطان پرستی.



مایکل آکینو

Michael Aquino بنیانگذار «معبد ست» (سازمان جدا شده از «کلیسای شیطان») است. همچنین او در «ارتش آمریکا» و «سازمان سیا» (CIA) مشغول فعالیت است.

«آکینو» به خاطر اختلافاتش با آنتوان لاوی، در سال ۱۹۷۵ م از او جدا شده و «معبد ست» را تأسیس کرد.

معبد ست

(Temple of Set) «معبد ست» یکی از مخوف ترین، مشهورترین و مخفی ترین سازمان‌های شیطان پرستی است. معبد ست اولین جامعه مخفی است که ادعای رهبری جهانی «طریقت دست چپ» را دارد. و تعالیم آن شامل فلسفه شیطان و تمرینات سحر و جادو است.

تاریخچه

معبد ست در سال ۱۹۷۵ م توسط مایکل آکینو (Michael Aquino) در سانفرانسیسکو بنیان گذاری شد. او و گروهی دیگر از کشیشان کلیسای شیطان به خاطر اختلافات فلسفی و مدیریتی، همچنین به خاطر فساد موجود در کلیسای شیطان، از آن جدا شده و سازمان معبد ست را تشکیل دادند.

در همان سال، معبد ست به عنوان یک کلیسای بی فایده در کالیفرنیا به ثبت رسید.

تفاوت میان کلیسای شیطان و معبد ست

بارز ترین تفاوت میان کلیسای شیطان (Church of Satan) و معبد ست مربوط به مفهوم شیطان است.

معتقدین به کلیسای شیطان (C.O.S)، که سیپنیست نامیده می شوند، بر این باورند که شیطان موجودی نمادین است، و وجود خارجی ندارد. آنها از شیطان برای نشان دادن توجهات و اعتراضات خود و به استهزاء گرفتن مسیحیت بهره می گیرند.

در حالی که پیروان معبد ست که ستیانس (Setians) نامیده می شوند معتقدند که شیطان واقعی وجود دارد که به آن «پادشاه حقیقی تاریکی (The true Prince of Darkness)» می گویند.

تفاوت نگاه این دو فرقه درباره شیطان، در این است که سیپتن (Satan) نامی است مأخوذ از انجیل به عنوان پادشاه تاریکی؛ ولی ست (Set) نام خداوند مرگ و عالم اموات در مصر باستان است.^۱

۱- دانشنامه دین و طبیعت. تشریح، فلسفه و توجیه شیطان پرستی.

شیطان پرستی از دیدگاه شیطان پرستان

شیطان پرستی به معنی پرستش شیطان به عنوان قدرتی فوق العاده قوی و بسیار قویتر و مؤثرتر از نیروهای خوب دنیوی همچون خدا است. در شیطان پرستی، شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین است. قدرتی که به عنوان برترین قدرت دو جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد. و این دنیایی را که به عنوان دوزخ برشمرده می شود را قانونمند می کند. در شیطان پرستی؛ غیر از شیطان به عنوان قدرت تاریک و مطلق، از نیروها و اجنه و روح های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف استفاده می شود. و در نهایت معنای شیطان پرستی، «پرستش قدرت پلیدی» است.

قرآن کریم شیطان را بر پیروانش مسلط می داند و بیان می دارد: کسانی که ولایت او را پذیرفته اند تحت سرپرستی او قرار می گیرند.

به این آیه توجه فرمایید.

انما سلطانه علی الذین يتولونه والذین هم به مشرکون «جز این نیست که تسلط او (شیطان) بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند و به واسطه او مشرک شده اند.»^۱

لذا آنان شیطان را در عالم همه کاره دانسته و قدرت مطلق را از آن او می دانند. زیرا قدرت ناچیز شیطان را با خود مقایسه کرده و آن را برتر از خود می دانند.

باز قرآن در این باره می فرماید: استحوذ علیهم الشیطان فانهم ذکر الله، اولئک حزب الشیطن الا ان حزب الشیطن هم الخاسرون

«شیطان بر آنها مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است. آنها حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیان کاراند.»^۲

اما آنچه درباره شیطان پرستی باید بدان اشاره شود این است که، این مکتب ریشه در تاریخ کهن بشری دارد. البته عده ای سعی می کنند آن را یک مکتب نوظهور امروزی و مدرن قلمداد کرده و در این گذار خود را به نوعی نوگرا نشان دهند. آن چه که در غرب به عنوان مدرنیته از آن یاد می شود، سرابی است که هر نوع فرقه گمراه را در خود جای می دهد و در این گذار آنچه هیچ جایگاهی ندارد، خداوند است.

اشتباه نکنید! غرب و مدرنیته با اعتقادات و معتقد بودن مخالف نیست، آنچه افیون شناخته می شود و مورد تشکیک قرار می گیرد، اعتقاد

۱- قرآن کریم، سوره نحل آیه ۱۰۰

۲- قرآن کریم، سوره مجادله آیه ۱۹

به خداوند یکتاست، نه خدا به معنای مطلق آن. زیرا شیطان پرستان نیز شیطان را به عنوان خدا معرفی کرده و او را می پرستند. در غرب امروزی توتم پرستی دیگر یک فرهنگ منحوط آفریقایی نیست. بلکه نهایت تمدن است.

جا دارد در کنار بررسی شیطان پرستی به برخی از مکاتب منحط دیگر نیز اشاراتی داشت. بایسته است که ذهن بیدار هر انسان حقیقت گرا، به شقوق گوناگون فرق ضاله توجه نماید.

آنگاه است که مشخص می گردد، این حجم عظیم از فرق گوناگون از مانیفیسم گرفته تا نهیلیسم و سیطنیسم، همگی به طرزی مشخص و هدفمند، در راستای فاصله انداختن بین مردم و خداوند تأسیس شده و هیچ پوشیده نیست که تمامی این فرق همگی از یک مسیر و مجرا وارد شده و نشأت گرفته است. مروری بر تاریخچه این فرق حقایقی را آشکار می سازد که به راحتی نمی توان از کنار آن گذشت.

مکاتب و ادیان انحرافی

هندوئیسم

«هندوئیسم» مکتبی است که بنیانگذار خاصی ندارد. هندوها فقط اعتقاداتی دارند. که منشأ آنها مشخص نیست. البته اعتقادات هندوها با هم ثابت نیست. تنها موردی که می توان از آن به عنوان اعتقاد ثابت هندوئیسم نام برد، قانون تثلیث یا همان سه گانه پرستی است. که فرق متعدد هندو ها به آن پایبند هستند. خدایان سه گانه هندو عبارتند از:

«۱- ویشنو ۲- شیوا ۳- برهما»

در کنار این سه نام می توان به نام «کریشنا» هم اشاره کرد. «کریشنا» خدا نیست. اما تجسم عینی «ویشنو» در زمین است. «ویشنو» خدای خیر و خوبی و نگهدارنده جهان است. «برهما» خدای آفریننده جهان و بالاخره «شیوا» خدای مرگ و نابودی. در مذاهب هندی، خداوندگاری را کلاسیک نموده اند. شاگردان این

مکتب و مکتبهای برآمده از آن مانند «بودا» و «یوگی»، پس از تشریفات خاصی که در معابد و خانقاههای خود در کنار رود گنگ انجام می دهند، در روز معینی در مقابل «ویشنو» که به صورت مجسمه سنگی در روی ارابه سنگینی حرکت می کند قرار می گیرند.

این شاگردان که در معابد تعالیم مقدماتی را فرا گرفته اند، در انظار عمومی، به تدریج با مجسمه «ویشنو» معاشقه کرده تا آنجا که تعدادی از آنان، خود را زیر ارابه انداخته و وجودشان را فدای «ویشنو» می نمایند. این آئین، با اضافات و ملحقاتی که دارد از دیر زمان در هند رایج بوده، تدریجاً در ابعاد کوچکتر، در تمرینهای «جوکی»، «بودایی» و «ذن» به گونه ای وارد شده است. و افراد این معبد های هندی، در اوقات معینی به ریاضتهایی اشتغال دارند.

با ورود مسیحیت به هند، خصوصاً در قرن نوزدهم میلادی تفکرات «هندوئیسم» دچار تحول عظیمی شده و فرق جدیدی مانند «تئو سوفی» پدید آمده اند. از فرق کلاسیک این آئین می توان به «سیک»، «برهمایی» و «کاست» اشاره کرد.

یزیدیه

از میان آن گروه ها می توان به فرقه یزیدیان که عموماً در کردستان عراق می باشند اشاره کرد. مراسم حجی نیز در لالش واقع در کردستان عراق دارند و طبق گفته برخی، آیین خشنی ندارند و حیوانات را در مراسمشان قربانی می کنند. اشاره ای مختصر به این مراسم خالی از لطف نیست. چه اینکه بدانیم آنها تا چه حد در اعتقادات پوچ خود استوار

هستند. و حتی برای تشریف به آن مراسم خاصی دارند.

برخی فرقه «یزیدیان» را به قبل از اسلام نسبت می دهند و البته خود آنها اعتقاد دارند حتی از «زرتشت» هم قدیمی تر است. اما حقیقت، این است که این فرقه مربوط به قرن پنجم هجری می باشد. و مؤسس آن شخصی به نام «شیخ عدی بن مسافر» می باشد.

نام شیطان در این فرقه که البته بسیار هم مورد احترام است «ملک طاووس» است.

«یزیدیان» هم مثل بسیاری از پیروان ادیان باستانی اعتقاد دارند که «جهان و هر چه در آن است» از چهار عنصر اصلی (آب، باد، خاک و آتش) ترکیب یافته است.

«خداوند انسان را از «آب و خاک» آفرید در حالیکه فرشتگان درگاه او همه از جنس «آتش» هستند. و آتش به باور آنها بر گل برتری و ارجحیت دارد. وقتی خداوند از فرشتگان درگاهش (از جمله ملک مقرب، طاووس) می خواهد که در مقابل ساخته دست او، (آدم) تعظیم کنند، ملک طاووس از این دستور نابجای خداوندی سر می پیچد. و از همان زمان سر به شورش می گذارد. شورش می که تا روز حشر ادامه خواهد داشت و یزیدیان آنرا شورش بر حق و مقدس می شناسند.»

مراسم حج فرقه «یزیدیان»

مراسم حج یزیدیان هر ساله در «پرستشگاه لالش» برگزار می گردد. «لالش» روستائی است در مرکز «کردستان» عراق. پرستشگاه لالش که به آتشکده‌ای بزرگ شبیه است، در مرکز این روستا بر فراز تپه‌ای بنا شده که خیلی قدیمی است.

مراسم حج در طول سه روز برگزار شده و چندین هزار نفر برای زیارت، آنجا جمع می گردند. نه تنها از کردستان عراق که از سوریه و ایران و حتی اروپا نیز عده ای در این مراسم شرکت می کنند. (ظاهراً تعداد زیادی از پیروان این دین در استانهای کردستان و کرمانشاه ایران زندگی می کنند).

پرستشگاه لالش از سه قسمت تشکیل می شود: «شبستان، محوطه حیاط و صحن دوزخ» (جائیکه مراسم حج در آن برگزار می شود). بزرگان فرقه (که به شیخ معروف هستند) دور سالن بزرگ نشسته و نظاره گر مراسم هستند. از جمله موارد دیده شده در مراسم، پذیرایی با ماده ای قهوه‌ای رنگ به تیرگی قیر است که در استکان هائی به کوچکی انگشتانه، می ریزند که در تلخی نظیر ندارد.

از آداب این مراسم این است که همه باید با پای برهنه در دوزخ حاضر گردند.

سردر عمارت مربوطه مثل سردر همه مساجد و کلیساها پر از نقش و نگار است. اما آنچه جلب توجه می کند نام «ملک طاووس» است که به صورت سنگ برجسته بر دیوار نقش بسته است.

و اما دوزخی که در پرستشگاه لالش ساخته شده، تنها چند دخمه غار مانند تار و تیره دارد. با خمیره هائی که کنار هم چیده شده اند و رویشان رنگ مشکی ریخته اند تا فضا را ترسناکتر کنند. درهای دخمه آنقدر کوتاه هستند که باید خمیده از آنان عبور کرد.

بخش مهم و تعیین کننده این مراسم، جدا از گره زدن به پارچه‌هائی که به ستونهای بسته شده‌اند (مثل دخیل بستن) و طواف کردن

دور مقبره‌ای (که گور شیخ عدی و برخی قدیسین یزیدی است)، پرتاب دستمال به سنگ برجسته‌ای است که از دیواره غار بیرون زده است. اصلی‌ترین مرحله حاجی شدن این است که با چشمان بسته از فاصله هفت متری دستمال سیاهی را که به بزرگی چارقد زنان کرد است، به طرف آن سنگ پرتاب کنند. اگر در سه بار دستمال به برجستگی سنگ گیر کند، حج آنان قبول شده است. وگرنه باید روز دیگر برگردند و دوباره تلاش کنند. در پایان، بعد از مراسم باید گاو را نیز قربانی نمایند.

آئین بودا

این آئین ابتدا در هند ظهور یافته، سپس به آسیای میانه و بعد از آن در زمان ظهور مسیح علیه السلام به آسیای شرقی کشیده شده و در چین و ژاپن فراگیر گردیده است. «آئین بودا» فرق مختلفی دارد. آئینهایی مانند «جینیسم» و «یوگا» از فرقه‌های «بودیسم» می‌باشد، که تا اروپای غربی نیز کشیده شده است. به طوری که «بودیسم اروپایی» یکی از شناخته شده‌ترین آن فرقه‌هاست.

همانطور که در مکتب هندو گفته شد، تفکرات مسیحی بر «هندوئیسم» تأثیر گذاشته و مکتب «تئوسوفی» شکل گرفت. این اتفاق برای «بودیسم» نیز افتاده و گرایشهای اصلاحی نیز در آن پدید آمده و منجر به تولد «بودیسم غربی» گردید. که مرکزیت کنونی آن در «بریتانیا» می‌باشد.

با اندکی ملاحظه در می‌یابیم که افراد متعددی در شکل‌گیری یک مکتب نقش دارند. و هر کس چیز جدیدی به آن می‌افزاید.

براستی آیا می توان نقش شیطان را در انحرافات نادیده گرفت. اگر واقعاً «بودیسم» دین درستی باشد، چرا باید در طول تاریخ و با ورود به هر موقعیت جغرافیایی رنگ باخته و شکل دیگری به خود بگیرد. مگر نه اینکه «اسلام» وقتی وارد هر منطقه ای شد، آنجا را متحول ساخت. اما چرا ادیان دیگر به هر نطقه جغرافیایی وارد می شوند، خود رنگ می پذیرند و متحول می شوند؟

بسیارند کسانی که به دین، فقط از این باب می نگرند که تنوعی در زندگی انسان به وجود می آورد و منشأ آن و هدف آن چندان مهم نیست. و چه بسیارند آنان که همین نوگرایی های در ادیان را نوعی فضیلت برای خود دانسته و به آن نیز افتخار می کنند. حال آنکه نمی دانند یا نمی خواهند بدانند که عاقبت و آخرت کار آنان چه خواهد شد. این همان نگاه سطحی به دین است. پس وای به حال جامعه و مردمی که دچار سطحی نگری و دگم اندیشی شوند. و چه به روز آنان خواهد آمد؟

اودین

یکی از ادیان اسکاندیناوی «اودین» می باشد. خدای این دین همان «اودین» است که خدای جنگاوری می باشد، «اودین» بزرگترین خدا بوده که در میان «وایکینگها» بسیار محبوب بوده است. سربازان بر روی نیزه ها و سپرهای خود نقش اودین را حک می کردند که نشان خشم و حمله وحشیانه سپاهیان بود که با بی رحمی می جنگیدند. «اودین» در میان «ژرمن ها» به «وودن» معروف است.

«اودین» تمام قدرت خود را از راه جادوگری و ثروت بدست آورده و با ارواح نیز در ارتباط بوده است.

دین هویی

سرخپوستان آمریکای شمالی به این دین معتقد بودند. این دین چند خدایی را به اوج رسانده است. برخی از خدایان این دین عبارتند از:

۱- سوتونگ ناگو: خدای آسمان

۲- ماسوا: خدای خاک و مرگ

۳- تاوا: خورشید پیر

۴- کاجیناها: ارواح نیاکان و...۱

دین بتک توپا

این دین در حوالی «اندونزی و سوماترا» در قدیم رایج بوده و اکنون نیز پیروانی دارد. از اعتقادات رسمی این دین، اعتقاد به طبقات عالم است که سه طبقه می باشد. در طبقه اول که به نام «موله جادی» معروف است، خداوند و پسرانش زندگی می کنند. طبقه وسط محل زندگی انسان است و طبقه زیرین محل زندگی «ناگه پادوهه» اژدهای عذاب است.

از رسوم این دین و از پایه های آن، آدم خواری است. که طبق اعتقادات آنان باعث می شود، انسان قدرت های انسان خورده شده را بدست آورد.۱

۱- فرهنگ ادیان جهان

با نگاهی به سبک و سیاق ادیان غیر الهی و مادی در می یابیم که همگی از یک آبشخور تغذیه می شوند. البته در طول تاریخ و بسته به منطقه جغرافیایی این ادیان، گرایشات و اعتقادات متفاوتی در آنها وجود دارد. اما نکته مشابه در تمامی آنها، شیطانی بودن آنهاست.

چه اینکه چند خدایی در الوهیت معنایی ندارد. و اگر بخواهیم اعتقاد به خدا را به عنوان امر فطری بشری بپذیریم، باید بدانیم که خداوند یکتاست. و یکتایی نیز با چند خدایی و... همخوانی ندارد.

سوزاندن بدن مردگان (بودیسم)، سوزاندن زن در صورت فوت شوهر (برخی فرق هندوئیسم)، زنده دفن کردن زن در صورت مرگ همسر (بومیان آفریقا)، زنده دفن کردن کنیزکان و غلامان (برخی قبایل آفریقایی و عرب جاهلیت)، زنده بگور کردن دختران (اعراب جاهلیت)، قربانی کردن دختران خردسال در اعیاد سالیانه (قبیله اینکاهها)، قربانی کردن پسران در مراسمات آئینی (قبایل اسکاندیناوی) و... همگی از رسوخ روحی شیطانی، در ادیان غیر الهی حکایت دارد.

و این چنین است که با اندکی تأمل در می یابیم، همگی آن ادیان چه در گذشته و چه در حال حاضر، که نمونه بازر آن «سیطنیسم» یا همان شیطان پرستی است، از یک مجرا وارد شده و تغذیه شده اند. چه اینکه هنوز در مراسمات شیطان پرستان انسان را قربانی می کنند.

ممکن است برخی باور نداشته باشند، ولی واقعیتی است آشکار. که امروز در جوامع به اصطلاح متمدن آمریکایی و اروپایی در حال اجراست. اگر برخی همچنان می خواهند چشم خود را بر حقایق ببندند و به

جانب داری از فرهنگ منحط غربی ادامه دهند، کاری نمی شود کرد. چرا که آنان نمی خواهند حقایق را درک کنند. به یاد بیاوریم که در ماجرای تجاوز به دختران ایتالیایی در سالهای نه چندان دور توسط سربازان آمریکایی، یکی از مردم ایتالیا در مصاحبه ای گفت: «هنوز باورم نمی شود که این آمریکایی ها هستند که چنین کاری کرده اند. آیا مگر می توان قبول کرد که آمریکایی های مهربان مرتکب تجاوز شوند!»

ملاحظه کنید که چگونه افکار مردم دنیا شستشو داده شده است. که حتی فکر تجاوز یک آمریکایی هم برای آنها دشوار است. حال چنین مردمی را چگونه می توان توجیه کرد که، هنوز هم شیطان پرستان، انسان را قربانی می کنند، خون انسان می نوشند، اندام بدن انسان را قطعه قطعه کرده و به نیت های مختلف می خورند. آری تصورش هم سخت است، ولی واقعیت دارد.

شهوة کشتن - مرده گرای - لواط - مدفوع خواری - بت پرستی - جماع با حیوانات - تغییر جنسیت - خود فروشی جنسی - تجاوز به عنف - اعمال اسفبار آزار جنسی - عورت نمایی و... همگی علائم یک جامعه رو به اضمحلال و بیمار و همچنین از نشانه های جوامع در حال گذار به مرحله انحراف هستند.

جنون جنسی، دنیای انسانیت را به تاریکی فرو برده و اعمال جنسی شیطانی، با تشریفات خاص و اعتقادات شیطان پرستی، به روشهای مختلفی انجام می گیرد. که متأسفانه با توجه به شنیع و مستهجن بودن آن، از ذکر موارد پرهیز می کنیم. اما ذکر یک نمونه می تواند تا حدودی مبین

این مسئله باشد.

آنان که در دنیای تاریک شیطان پرستی سیر می کنند، و به تعبیر قرآن کریم «از نور به سمت ظلمات رفته اند»^۱، با توجه به دردهای بسیاری که بر خود در اعمال جنسی وارد می کنند، قرب شیطان را خواستارند. به طوری که گاه این اعمال به قطع عضوی از اعضای بدن منجر می شود. و آن عضو را به شیطان هدیه می کنند. شاید تصور این مطلب کمی سخت باشد، اما شواهد بسیاری وجود دارد.

با ذکر نمونه زیر بحث در این زمینه را به پایان برده و خوانندگان عزیز را به کتابهای مربوط ارجاع می دهیم.

در باب تاریخچه شیطان پرستی در کشور نروژ آمده است: «زن و شوهری که هر دو عضو کلیسای شیطان شده بودند، در یکی از شبهای زمستان در نیمه شب سال نو در اوایل دهه ۹۰م از کوهی برفی در نزدیکی خانه شان بالا رفتند و در جایی در میان درختان، شوهر به رسم شیطان پرستها سینه های همسرش را برید و خون آن را روی برف ریخت. آنگاه هر دو با هم، هم قسم شدند که تا عوض شدن دین نروژ، از مبارزه دست بر ندارند.»^۲

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۲۵۷

۲- www.phalls.org

شیطان پرستی

(۲)

انواع شیطان پرستی:

۱- شیطان پرستی فلسفی **Philosophical Satanism**:

این شیطان پرستی توسط «آنتوان لاوی» ایجاد شده است و مراسم آنها شبیه مراسم جادوگری «آلیستر کراولی»، (جادوگر قرن هفدهم میلادی بریتانیا) می باشد.

این نوع شیطان پرستی به شدت تحت تاثیر افکار آلیستر کراولی، نیچه، رند، مارکوس دی سید، ویندهام لويس، چارلز داروین، مارک تواین و دیگران بوجود آمده است.

در شیطان پرستی لاوی، شیطان نیروی مثبت است. و در مقابل آن، اعمال کلیسای مسیحیت مورد تمسخر قرار می گیرد و اعمال دنیوی در مقامی بالا فرض می شوند.

این «ضدمذهب» به خاطر جو حاکم بر جوامع غربی ایجاد شده است. که به خاطر شدت عمل کلیسا، مردم «دین زده» شده و از

خداوند دور گشتند.

۲- شیطان پرستی دینی **Religious Satanism**

این نوع شیطان پرستی شبیه شیطان پرستی آنتون لاورِی است. اما با این تفاوت که در این نوع، شیطان نوعی جنبه خدایی و متافیزیکی دارد. زیرا آئین های خاصی در آن اجرا می شود که شبیه اعمال الهی است. ممکن است پیروان این مکتب، به یک خدا یا خدایان متعددی اعتقاد داشته باشند که این خدایان برگرفته شده از خدایان مصر و یونان و بین النهرین می باشند.

گاهی خدای آنها همان فرشته رانده شده «لوسیفر» از درگاه خدا می باشد. که آنها اعتقاد دارند طغیان او در برابر خداوند کاملاً درست بوده است. (دقیقاً همان مطلبی که یزیدیان درباره ملک طاووس می گویند.) برخی از آنها اعتقاد دارند که فرشتگان دیگر، با بدگویی او نزد خداوند موجب رانده شدن او شدند. کلاً این گروه به آزادی فکر و عمل و بالا بردن خود به هر وسیله ای، حتی جادو اعتقاد دارند.

این گروه بر اساس آیه ای از تورات که در آن اشاره شده (خدا به انسان اجازه استفاده از میوه درخت دانایی را نداد تا چشمانش باز گردد و خوب و بد را ببیند و خود تبدیل به خدا شود)^۱، شیطان را عامل آگاهی انسانها می دانند و انسان را از پرستش خدایی که مانع آگاهی و پیشرفت انسانهاست بر حذر می دارند و انسان را برای شناخت مسیر درست، کامل می بینند. همچنین خدای مورد پرستش بشر را خدایی ظالم می دانند، که چند بار در طول تاریخ ظلمهای بزرگی به انسانها کرده است.

۱- تورات، سفر پیدایش باب ۳ آیه ۵

۳- شیطان پرستی گوتیک Gothic Satanism:

این نوع شیطان پرستی همان شیطان پرستی عصر سلطه کلیسا است. در این نوع شیطان پرستی کودک خواری، قربانی کردن دختران، بز کشی و تمام کارها و اعمال ضد کلیسا انجام می شود.

شیطان پرستی نزدیکی زیادی به جادوگری دارد. و دنیای آن پر از افسانه های گوناگون، شیاطین متعدد و افراد مختلف خصوصاً جادوگران است. در دنیای امروز هم کشورهای مختلفی دارای کلیسای شیطان هستند. کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان و همچنین چین.

بر خلاف ادعای شیطان پرستان جدید، که بر اساس متون کتاب مقدس شیطان پرستی، بر عدم کودک آزاری و آزار حیوانات پافشاری می کنند، وحشتناک ترین اعمال توسط آنها تنها برای مقابله با دستورات الهی انجام می شود.

۴- شیطان پرستی آتئیستیک Atheistic Satanism:

آتئیستها منکران خدا هستند. خدایان همانقدر قدرت دارند که پیروانشان. هر آتئیست هیچ خدایی با هر قدرتی را قبول ندارد. خیلی از آتئیست ها در افکارشان محافظه کاری به خرج می دهند.

می گویند: ما به چیزی که نمی بینیم اعتقاد نداریم و این قاعده شامل «شیطان» هم می شود. از جمله اعتقادات این گروه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

«در جهان زمین، چیزی برای هدایت نمی خواهیم. ما ادیان فریبکار و متظاهر و ریاکارانه را نمی خواهیم. تنها چیز خوبی که در ادیان یکتاپرست یافت می شود، «آدم بدها» هستند.

تو تنها کسی هستی که کنترل زندگیت را بدست داری. چیزی به اسم «خدا» زندگیت را بهتر نمی کند.»

دلایل شیطان پرستی

نکته قابل تأمل در این باب این است که چرا مردم به پرستش شیطان روی می آورند؟ و اصلاً چگونه با وجود اعتقاد به خداوند، عبادت غیر را ترجیح می دهند؟ قبلاً در این باره سخن به میان آمده است که، شیطان پرستان به خداوند اعتقاد دارند. ولی با این وجود، آنها عبادت شیطان را به پرستش خداوند ترجیح می دهند!

چرا مردم شیطان را پرستش می کنند؟

شاید دلایل مربوط به این امر بسیار زیاد باشد، اما چند نکته اساسی مورد نظر، به اختصار بیان می گردد.

۱- نکته اول اینکه، هر کس می خواهد عقیده خود را اظهار کند. در فرهنگ غرب هم عده ای برای ابراز عقیده و اعلام اینکه با روش زندگی مسیحی مخالفند، به چنین روشی از زندگی روی آورده اند. در ضمن این نوع پرستش خود یک جنبه فلسفی از روش زندگی انسان غربی است. که البته به باور شیطان پرستان، در کنار فلسفه های متفاوت زندگی قرار دارد.

۲- نکته دیگر این است که، در طبیعت انسان ترس وجود دارد و انسان همواره با این مسئله همراه بوده است. از طرفی شیطان نیز همواره خود را ترسناک و مخوف نشان داده است. این مسئله را در سائتهای مربوط و تصاویری که از شیطان ارائه می دهند، به وضوح می توان

مشاهده کرد. لذا کسانی که از زندگی همراه با ترس پرهیز می کنند، خود را در آغوش شیطان قرار می دهند، تا از ترس او در امان باشند. آنها قدرت را در شیطان می بینند، اما نفهمیده اند که قدرت از آن خداست نه شیطان.

ترس از خدا نشانه حکمت است. زیرا از آغاز خلقت بشر همواره با انسان بوده و نشانه عشق انسان به خداوند است. و عشق به خدا چه زیباست. آن زمان که انسان به صحبت با خداوند می پردازد و جملات عاشقانه یکی پس از دیگری رد و بدل می شوند. و چه کسی است که از معاشقه سیر شود؟

آری عشق ترس آور است! ترس از دست دادن معشوق...

۳- نکته دیگر فقر است. فقر یکی از عواملی است که شیطان پرستی را ترغیب می کند.

قرآن به این موضوع، این گونه اشاره می فرماید: الشیطان يعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء «شیطان شما را به فقر دعوت کرده و به فحشا امر می کند.»^۱

۴- رفتار غلط کلیسا نیز یکی دیگر از عوامل گرایش غربی ها به شیطان پرستی است. همین رفتار باعث شد که وودیس، جینیس، بودیس، روح پرستی، شیطان پرستی، آلت پرستی و سایر ادیان خرافی در غرب رشد کرده و احساس ضد دینی در جوامع برانگیخته شود.

در میان موجودات دوپای این عالم، کسانی یافت می شوند که از موفقیت خداوند نا امید شده و احساس می کنند خداوند نمی تواند

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۲۶۸

مشکلی را حل کند. اینان به شیطان پرستی روی می آورند و خداوند را ترک گفته و متوسل به دشمن خدا می شوند.

با این وجود بازگشت پنهانی به جادوگری و عادت دادن و متمایل ساختن مردم، خصوصاً دختران خردسال به جادو و جادوگری چنان خطرناک صورت می گیرد که در آینده ای نزدیک، چیزی از اعتقاد به خدا در دختران، یا بهتر بگوییم، مادران فردا که باید فرزندان را تربیت کنند، نمی بینیم. در این باره مثال برای گفتن بسیار زیاد است. اما ذکر یک مورد کفایت می کند.

برای اینکار غرب متوسل به جادوی «باربی» شده است. که واقعاً مشق خوبی برای انحراف دختران است. برای جلوگیری از این معضل به زبان بهتر، باید بگوییم اجازه بدهیم، دختران (خصوصاً) و تمام کودکان ما (عموماً)، با اسباب بازی های معمولی بازی کنند. فقط کافی است به آنها اجازه بدهیم، نه آنکه آنها را مجبور کنیم. زیرا کودکان ذاتاً ساده خواه و بی تکلف هستند.

در این میان چیزی که نگاه های بیدار را به خود معطوف می کند، خیل عظیم اعتقادات گوناگون به شیطان، در غالب های مختلف است. فرهنگها و تمدنهای بشری یکی پس از دیگری دستخوش تحولات شده و از مسیر اصلی و از پیش تعیین شده فاصله گرفته و گرفتار هجمه شدید اعتقادات خرافی قرار گرفته و به ورطه نابودی کشیده شده و از بین رفته اند.

شیطان در گذر زمان

درباره تاریخچه شیطان پرستی نظریات مختلفی مطرح است. شیطان پرستی در میان ملل کهن وجود داشته و مستندات بسیاری حکایت از این دارد که شیطان در طول تاریخ پرستش می شده است. البته درباره این شیطان (ابلیس) و سایر شیاطین در فرهنگهای مختلف در جای خود سخن به میان خواهد آمد. قرآن کریم در چند آیه به مسئله شیطان پرستی اشاره کرده است. از جمله آیات متعدد، می توان به این موارد اشاره کرد.

الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین «آیا ما از شما ای فرزندان آدم پیمان نگرفتیم که عبادت شیطان را نکنید؟ همانا که او برای شما دشمنی آشکار است.»^۱

۱- قرآن کریم، سوره یس آیه ۶۰

قالوا سبحانک أنت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم
مؤمنون «گفتند: منزهی تو. تنها تو ولی مایی نه آنها (جنیان). بلکه آنان
جن را پرستش می کردند و اکثرشان به آنها (جنیان) ایمان داشتند.»^۱
چشم اندازی اجمالی و گذرا به مقوله نامهای شیطان در فرهنگها و
آداب انسان کهن، خود بزرگترین مؤید برای این ادعا می باشد. که چگونه
انسان در طول تاریخ با توجه به خرافات، پرستش شیطان را در پیش
گرفته و راه گمراهی را پیموده است.

نامهای شیطان

مقدمتاً در باب نامهای شیطان باید گفت که: تمامی موارد مطروحه، از
دید فرهنگها و عقاید غیر اسلامی بوده و به هیچ وجه تأیید نمی گردد. و
فقط از باب شناخت عمومی به مسئله و بیان دیدگاهها مطرح شده است.
و در مواقع لزوم، اگر از نظر اسلام چیزی تأیید شده باشد، با ذکر سند
ارائه می گردد.

۱- قرآن کریم، سوره سبأ آیه ۴۱

Azazel عزازیل



بد زگستاخی کسوف آفتاب

شد عزازیلی ز جرأت رد باب ۱

«نام شیطان قبل از رانده شدن از بهشت، «عزازیل» (Azazel) بوده است. و این نام برای این به او اطلاق می شده که او عزیز ملائکه الهی بوده است.» (عزازیل نام دیگر شیطان قبل از رانده شدن از درگاه خداوند است. همانطور که قبلاً اشاره شد نام او حارث بود).

از اینجا از زبان کتب مربوط به شیطان، در فرهنگ غیر اسلامی و همچنین از زبان تورات و انجیل بیان می گردد.

«او شیطان، رئیس شیطنت و پلیدی است که در بیابان مانند شبح زدگان می گردد. در میان قبایل سامی و عبرانی قدیم، برای او قربانی می کردند.»

در کتاب عهد قدیم نوشته شده که Azazel «عزازیل» قذح بزرگی

است، در دست «Se'irim» که دیو پر مو و کرکین است. از آداب مربوط به او، پرستش همراه با انجام عمل جنسی با زنان، همراه بزغاله ها می باشد.

«Se'irim» (سیریم) دیو بزغاله ای شکل است که همراه عزازیل

بوده و باعث خرابی ها و ویرانی ها است.»

در انجیل درباره او چنین می خوانیم:

«در این هنگام جانور عجیبی را در رویا دیدم که از دریا بالا آمد. این

جانور هفت سر داشت و ده شاخ. روی هر شاخ او یک تاج بود و روی هر سر او یک نام کفر آمیزی نوشته بود. این جانور شبیه پلنگ بود، اما پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود.

اژدها تاج و تخت و قدرت و اختیارات خود را به او بخشیده بود.

یکی از سرهایش را دیدم که زخم کشنده ای برداشته بود، ولی خود به خود خوب شد.

آنگاه تمام مردم دنیا از این معجزه غرق در حیرت شدند و جانور را

با ترس و احترام پیروی کردند. آنان اژدها را که چنین قدرتی به جانور بخشیده بود ستایش کرده، گفتند: کیست به بزرگی او، که می تواند با او بجنگد؟ سپس اژدها آن جانور را تحریک کرد تا به گزافه گویی پردازد و به او اختیار داد تا امور دنیا را به مدت چهل و دو ماه به دست گیرد.

در تمام این مدت، به اسم خدا و خانه خدا و تمام کسانی که در

آسمانند کفر می گفت. و...»^۱

«سپس جانور عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد. این

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ الی ۷

جانور دو شاخ داشت، مانند شاخهای بره و صدای وحشتناکش مثل صدای اژدها بود. او تمام قدرت جانور اول را که از زخم کشنده خود خوب شده بود، به کار می گرفت و از تمام دنیا می خواست جانور اول را بپرستند. او پیش چشمان همه دست به معجزات باور نکردنی می زد و از آسمان آتش به زمین می بارید.»^۱

در تورات نیز درباره او چنین آمده است:

«حیوانات وحشی در ادوم گردش خواهند کرد و زوزه آنها در شب، همه جا خواهد پیچید. هیولاهای شب بر سر یکدیگر فریاد خواهند زد و گولها برای استراحت به آنجا خواهند رفت. در آنجا جغد ها آشیانه خواهند کرد، تخم خواهند گذاشت، جوجه هایشان را از تخم بیرون خواهند آورد»^۲...

... «او باید یک بز را ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیاندازد. آنگاه بزی را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، بعنوان قربانی گناه ذبح کند و بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.»^۳

در واقع بزی که همراه «عزازیل» است به تعبیر تورات همان بزی است که قرار بوده گناه بنی اسرائیل را با خود ببرد. که گرفتار «عزازیل» شده و با او همراه گشته است.

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ الی ۱۳

۲- تورات، کتاب اشعیا باب ۳۴ آیات ۱۴ الی ۱۵

۳- تورات، سفر لاویان باب ۱۶ آیات ۸ الی ۱۰

Amdusias آمدوسیاس



«آمدوسیاس فرمانده بیست و نهمین سپاه تاریکی است. در افسانه های کهن آمده است، او جانوری شبیه تک شاخ افسانه ای است. اما در هیبت یک انسان ظاهر می شود. او معمولاً پیام خود را با آلات موسیقی و به حالت کنسرت اعلام می کند. در ضمن درختان نیز با دستور او کرنش می کنند.»^۱

Ahriman اهریمن

«در آئین کهن ایرانیان (آئین زرتشتی) «اهریمن» دشمن سرسخت «اهورا مزدا» است. احتمالاً اهریمن نخستین تجسم شخصیتی شیطان است. زیرا زرتشت نخستین دین است که اعتقاد بر دوگانگی دارد. از طرفی هم «مزدا پرستی» یکی از بخشهای مهم آئین زرتشت است. «مزدا» خدای نیکی و «اهریمن» خدای شر و بدی است.»^۲

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳ م.

۲- www.deliriumsrealm.com

آندراس Andras



«آندراس فرمانده سی امین سپاه تاریکی است. بدنی شبیه انسان دارد و سر او شبیه جغد است. او سوار بر گرگ می شود و یک شمشیر بلند حمل می کند. او مأمور جنگ و کشتار در جوامع است و با همه سر ناسازگاری دارد. در برخی از نسخ گفته اند او سری شبیه کلاغ دارد.»^۱

Cacus کاکیس

«در افسانه های روم فرزند ذکور والکان (Vulcan)، رب النوع آتش و فلزکاری است. و شبیه انسان قوی هیکلی است که در غار کوه «آونتین» (Aventine) زندگی می کند. نیم بیشتر بدن او حیوان است و همواره مانع تابش آفتاب است. کاکیس صدایی شبیه صدای گاو دارد و کار او قتل و غارت و دستبرد زدن همراه با حیله و نیرنگ است. خوی وحشی گریش، او را سرگردان کرده است.»^۲

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین دِ پلانسی ۱۸۶۳ م - فرهنگ دیو شناسی نوشته

جان وایر سال ۱۵۸۳ م

۲- www.deliriumsrealm.com

بعلزبوب Beelzebub



«بعلزبوب شاهزاده ای از دیوهاست. در انجیل نیز به آن اشاره شده است و او همان کسی بود که به حضرت عیسی علیه السلام تهمت ریا کاری زد و در برابر او ایستاد. «بعلزبوب» در لغت از (ball) (به معنای صدای گوسفند) گرفته شده است. و ظاهری شبیه مگس دارد. بعد از مصلوب شدن عیسی علیه السلام او بالای سر عیسی علیه السلام جهنم را وارونه نشان داد و می خواست در آن حال عیسی علیه السلام را داخل در گودال جهنم نشان دهد.

عیسی علیه السلام به آسمان بالا رفت و وارد بهشت شد و در جهنم شیطان را توبیخ کردند. آنگاه شیطان در جهنم خبر را دریافت و خطاب به شاهزاده زخم خورده آنجا گفت: ای شاهزاده تباهی و رئیس ویرانی، «بعلزبوب Beelzebub» در زمین مورد تمسخر فرشته نیکوکاری قرار گرفته است. چرا تو چنین چیزی خواستی؟

تو او را با به صلیب کشیدن به پادشاهی با جلال مبدل کردی. اینک مرگ تو غنیمت بزرگی است. ای پادشاه تاریکی، برای دیدن او حالا ناچاری با سرشکستگی در روشنایی پرواز کنی و در زندان باقی بمانی»^۱

«بعلزبوب Beelzebub در فرهنگ یونانی - سریانی و عبری به شخص یا مدیر بد نام اطلاق می گردد و یا به ارباب پرنده و در یونانی کنایه از «روح شیطانی پرنده» است. و کلمه (devil) شیطان، از همین نام مشتق شده است.»^۱

«برخی گفته اند: «بعلزبوب» Beelzebub، موجودی شبیه مار است و ویژگیهای زنانه داشته و قدی بسیار بلند دارد.»^۲

Hel هل

«در افسانه های اسکاتلندی آمده: «هل» دختری است که قدی بسیار بلند و هیكلی نیرومند دارد. او دو خواهر پیر دارد که مانند گرگ هستند. و «هل» از آن دو بزرگتر است. یک مار بلند به رنگ صورتی دور کمر او پیچیده است. قسمتی از اندام او به رنگ سبز مایل به سیاهی است که به حالت پوسیدگی در آمده است.

پدر او و خواهرانش «اودین» (Odin)، خدای خدایان، سر دسته خدایان آدم ربایی است. برخی نیز او را دختر «لوکی» از خدایان بدن نام می دانند.

هنگامی که «هل» بیمار شد، «اودین»، او را از نزد خود بیرون کرده و در تاریکی رها نموده تا در مرض خود بمیرد. «هل» نوکر و کلفتی دارد که به آهستگی و متانت تمام کارها را انجام می دهند.»^۳

۱- نقل از کتاب جادوی مقدس نوشته مک گریگور ۱۸۹۸م.

۲- تلخیص دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳م.

۳- www.deliriumsrealm.com

Izanami, Izanagi ایزانامی و ایزاناگی

«ایزانامی و ایزاناگی در افسانه های ژاپنی دو خدای جوان برای آوردن هرج و مرج در جهان هستند. ایزاناگی بلند قد و نیرومند، مانند درخت بید جوان می باشد. در حالی که ایزانامی، همسر او در رفتار و منش و سخن گفتن بسیار ظریف می باشد. همچنین بسیار زیباست و بر فراز آسمانها پرواز می کند. این دو فرزند زمین هستند، و برای هرج و مرج آفریده شده اند.

آن دو مصمم بودند جزیره ای را درست کنند و بعد از آن جزایر دیگر را. تا اینکه تمام دنیای خاکی را فتح کنند. قرار بود که مرد در سمت راست و زن در سمت چپ حکومت کنند. اما ایزانامی در مراسم آتش سوخت و خیلی زود مرد. و ایزاناگی که در سوگ او فرو رفته بود تصمیم گرفت به خاطر او به جهنم برود.

او به جهنم رفت، اما با خواهش ایزانامی به جهان برگشت تا طبق وعده شان عمل کند. او دنیا را به قتل و اندوه مبتلا ساخت و زنان و کودکان بسیاری را از بین برد.»^۱

Jinn جن

«خداوند جن را آفرید. در افسانه ها گفته شده در غارها، قبرستانها، جاهای تاریک و زیرزمین ها ساکن هستند. و می توانند ازدواج کنند. در اسلام جن از انسانها و فرشتگان پست تر بوده و پیش از آدم علیه السلام آفریده شده اند. جن فریب دهنده انسان است.»

۱- تاریخ ادیان جهان، نویسنده جان بی ناس . www.deliriumsrealm.com

Mara مارا (آسیب زننده و خراب کار)

«مارا از اعضای اصلی گروه مرگ است. مرگ همراه با تشنگی در دستان اوست. او روح شریری است. در آئین «بودا» او را اغوا کننده می خوانند. او در مدت کوتاهی زیر یک درخت مکث می کند، آنگاه انسان ها را فریب می دهد. و سعی می کند آنها را به مسیری که خود می خواهد بکشاند.

در آئین بودا با ریاضت و مشقتهایی که به خود می دهند با «مارا» مقابله می کنند. ابزارهایی که «مارا» با آنها انسانها را فریب می دهد به شرح زیر است.

۱- شهوت (که بزرگترین سلاح اوست).

۲- نارضایتی

۳- گرسنگی و تشنگی

۴- آرزوی نفسانی

۵- تنبلی و کسالت و خواب آلودگی

۶- نامردی

۷- شک و شبهه

۸- ریا کاری

او به دروغ انسان را بلند کرده و دیگران را تحقیر می کند و آنگاه انسان را به عنوان سرباز در ارتش خود قرار می دهد. جنگ و مرگ، بهترین زمان برای حضور اوست، تا انسان را به شکست بکشاند.

در آئین بودا، «مارا» خدای آشکار فریب است. او از فریب و اغوای دیگران لذت می برد. او با گردباد حمله می کند ولی با طوفان باران از

بین می رود و فرار می کند. اما بار دیگر با رگبار سنگ ظاهر می شود. او در زمان طوفان و هنگام خاکستر شدن آتش، حاضر می شود. و همچنین در میان گل و لجن خود را ظاهر می کند. تاریکی بهترین وسیله برای پنهان شدن اوست.

اما با آمدن «بودا» و ظهور او، «مارا» فرار کرده و بندرت ظاهر می شود. زیرا بر اساس آئین بودا «تفکر» دشمن مارا است. «مارا» بی خانمان و سرگردان بوده و در ارابه های شکسته زندگی می کند. در آئین «هندوئیسم» نیز «مارا» مظهر شرارت و مرگ است. او با دیوها معاشرت می کند. در اساطیر شرق آمده است که او به شکل کرکس و لاشخور دیده شده است.^۱



Lucifer لوسیفر

«او را فرزند صبح نیز خوانده اند. این نام بر ستاره بامدادی نیز گذارده شده است. هنگامی که او بر زمین افتاد در دل خود گفت: بالاخره روزی به آسمان بالا خواهم رفت و ستاره ای مافوق ستارگان خداوندی خواهم شد.» این مفهوم در تورات اینگونه بیان شده است. «ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر

قومهای جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی! در دل خود می گفتی: تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قله کوهی در شمال که خدایان بر آن اجتماع می کنند، جلوس خواهم کرد. به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شد. اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است، سرنگون شدی...»^۱

مطالب فوق از تورات نقل شده است. ولی مسیحیت نظر دیگری در رابطه با لوسیفر دارد.

«در آیین صربها و مصریان باستان و بابلی ها، او مار پرنده آتشین است که در آسمان به صورت آذرخش حرکت می کند.»

«... تو در بهشت و باغ خدا بودی که دیوارهای آن با سنگهای گرانبها از جنس یاقوت و زبرجد بود. پرده های لاجوردی و یشم (سنگ یشمی)، فیروزه، زمرد سبز و طلا به خوبی به کار گرفته شده بود...»

این ها خطاب به لوسیفر گفته شده است. اما او قدر آن را ندانست و به خاطر شهوترانی از بهشت خدا رانده شده و به زمین افتاد و بنای ناسازگاری با خداوند را گذاشت.

«لوسیفر به عقیده برخی از جادوگران، فرمانروای خدا در زمین بود. و بعد از رانده شدن از بهشت، پادشاه جهنم شد و شیطان نام گرفت. که رانده شدن او روز دوشنبه اتفاق افتاد. در میان جادوگران یک شوخی را مطرح می کنند و آن این است که: لوسیفر روزهای تعطیل شنبه و یکشنبه

۱- تورات، کتاب اشعیا باب ۱۴ آیات ۱۲ الی ۱۵

سوار بر جaroوی خود شده و زمین را می گردد.»^۱
«لوسیفر روبان قرمزی به بازوی خود می بندد. صورت او بسیار جوان و زیبا و مانند یک بچه است. اما هنگامی که خشمناک می گردد بسیار وحشتناک می شود. به عقیده عده ای او عاشق اجرای عدالت در جهنم است!»

او حامل چراغ در آسمانهاست و از کلمه locifage گرفته شده است. البته هرگز نباید به او و چراغش نزدیک شد.»^۲

Nephilim نفیلیم یا **Watchers** واچرز (نگهبان)

نظریات مختلفی درباره این موجود است. می گویند:
«او فرشته ای از فرشتگان خداوند بود. ولی از درگاه خداوند رانده شد. گناه او این بود که فرشتگان را بر علیه خداوند تحریک کرد. در نتیجه خداوند او را از بهشت بیرون راند.
او بر زمین افتاد و در آنجا شروع به زندگی کرد. از او فرزندان زیادی متولد شدند. روزی فرزند دختری از او متولد شد که در نهایت زیبایی بود. «واچرز» او را مطلوب دید. بنابراین به او جادوگری آموخت و اجازه داد تا او فرزندان بیآورد.
این موجود از اختلاط نسل دیوها و ارواح شریر پدید آمده و همواره در صدد زیان و ضرر رساندن به آدمی است.

آنها در آسمانها زندگی می کنند و گاهی هم به زمین می آیند. آنها

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳ م.

۲- کتاب جادوی مقدس نوشته مک گریگور ۱۸۹۸ م.

همواره ظلم و ستم را رواج می دهند و سبب غم و اندوه اهل زمین هستند. آنها هرگز غذا نمی خورند، اما همیشه تشنه هستند. سایر جنیان و دیوها برای بقا و زنده ماندن، متوسل به آنها شده و از آنها کمک می گیرند.»

تورات به این موضوع این گونه اشاره می کند:

«در این زمان تعداد انسانها روی زمین زیاد می شد. پسران خدا مجذوب دختران زیبا روی انسانها شدند و هر کدام را که پسندیدند، برای خود به زنی گرفتند.

آنگاه خداوند فرمود: روح من همیشه در انسان باقی نخواهد ماند، زیرا او موجودی است فانی و نفسانی. پس صد و بیست سال به او فرصت می دهم تا خود را اصلاح کند.

پس از آن پسران خدا و دختران انسانها با هم وصلت نمودند، مردانی غول آسا از آنان به وجود آمدند. اینان یلان (دلاوران) معروف دوران قدیم هستند.

هنگامی که خدا دید مردم غرق در گناهند و دائماً به سوی زشتی ها و پلیدی ها می روند، از آفرینش انسان متأسف و محزون گشت.»^۱
همچنین در برخی نسخ آمده است که همین فرشتگان یا شیاطین بودند که باعث به وجود آمدن طوفان نوح شدند و طوفان نوح به خاطر شهوت پرستی آنان و تمایل شدید جنسیشان به زنان پدید آمده و دنیا را نابود کرد.

نام برخی از فرشتگان گنهکار به این ترتیب است:

۱- تورات، سفر پیدایش باب ۶ آیات ۱ الی ۶

یاقون (گمراه کننده دختران)، اسپیل (فریب دهنده کودکان برای انجام گناهان و شرارت)، گادیریل (کودکان را برای نواختن موسیقی به جنگها می کشاند) پی نمی، کازادیا، سمیاز، آریستاکیس، آرمن، کوکیل، رامیال، نیکوئیل، راموئیل و...»^۱

اینها همه تنها تعدادی از فرشتگان گنهکار هستند که همراه نفیلیم به زمین رانده شدند.

Naberius نابیریوس

«او سگی دارای سه سر است. و فرمانده هنگ بیست و نهم سپاه تاریکی و مرزبان جهنم است. البته بعضی گفته اند: او سه سر شبیه کلاغ دارد. او خراب کننده صداهاست. ولی خودش صدای بسیار دلنشین و زیبایی دارد. او همچنین هنر زندگی خیر خواهانه را آموخته است.»^۲

«عده ای نیز گفته اند: نابیریوس کلاغی است که بسیار شجاع و دلیر است و صدای او کمی گرفته است و بسیار حيله گر است. او با همین حيله در میان سپاه تاریکی رتبه نوزدهم را به خود اختصاص داده است.»^۳

«درباره او چنین گفته اند: او مظهر حيله گری است و نشان او افسرده بودن اوست.»^۲ یعنی انسانهای افسرده گرفتار نابیریوس شده اند.

۱- www.deliriumsrealm.com

۲- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳ م.

۳- دیوهای دروغین نوشته جان وایر (۱۵۸۳ م.)

Nybbas نیباس



«او از پست ترین کسانی است که در جهنم می باشند. او چشمها و خوابها را کنترل می کند. لباسی از جنس پوست گاو می پوشد و بسیار زبان باز و شارلاتان است.»^۱

Orobas اوروباس



«اوروباس یا اوروبوس شاهزاده بزرگ جهنم و فرمانده بیستمین سپاه تاریکی است. و به شکل اسب بسیار زیبایی است که ظاهری مردانه دارد. ذات او آسمانی است. او مظهر دروغ است و دروغگویان را یاری می کند. همچنین دوستی ها را به دشمنی تبدیل می کند.»^۲

۱- مادر مک گریگور در سال ۱۹۰۴ م.

۲- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین دِ پلانسی ۱۸۶۳ م.

«او را شاهزاده جهنم نیز معرفی کرده و ظاهر او را شبیه اسب ترسیم کرده اند که پاهای زیبایی دارد. از این رو مصداق خوبی برای بت شدن است.»

او در گذشته خود را به عنوان خدا معرفی کرده و عده ای نیز او را می پرستیدند و او را خالق جهان می پنداشتند. همچنین او مخالف تمام قوانین عالم است. یعنی هیچ قانونی را بر نمی تابد.»^۱
«مادر مک گریگور او را پنجمین روح شریر و مظهر کذب و دروغ دانسته است.»^۲

Picollus پیکالوس



«پیکالوس در بین ساکنان قدیم روسیه دارای احترام بسیار زیادی بوده است. سر او سر یک مرد مرده است که سوختگی شدیدی در آن است. او زخمی در بدن دارد که تنها چیزی که آن را تسکین می دهد خون انسان است.»

گفته اند: پیکالوس در فرهنگ مردم لیتوانی نه تنها دیو نیست، بلکه

۱- دیوهای دروغین نوشته جان وایر (۱۵۸۳م)

۲- مادر مک گریگور در سال ۱۹۰۴م

یکی از خدایان سه گانه است. (خدایان سه گانه در این فرهنگ عباتند از: perkunas پرکیوناس، patrimpas پتریمپاس و pikulis پیکولیس) او آفریدگار بهار است. پیکالوس زمستان را از بین می برد و بهار را می آورد. او مانند خدایان دیگر از شیطان زخم خورده است. لذا زخم بدن او زخمی است که شیطان به او زده است، پس مردم باید تاوان آن را بپردازند.^۱

Phenex فنکس / فونیکس (سیمرغ)

«گفته اند که صدای مظلومانه و کودکانه ای دارد. کار او جادوگری است و این کار را با آرامش خاصی انجام می دهد. عده ای چهره او را، چهره انسانی مهربان تصویر کرده اند که فقط «جن گیران» می توانند او را ببینند. او می تواند تمام صداها را تولید کرده و دانش استفاده از آنها را نیز دارد. او شاعر فوق العاده ای است. او هر ۱۲۰۰ سال بر تخت پادشاهی خود می نشیند و حکمرانی می کند.»^۲

مادر مک گریگور نیز او را چنین معرفی می کند: «او سی و هفتمین روح شریر است و ظاهری به شکل مرغ و انسان دارد. او دانش فوق العاده ای داشته و شاعر بسیار خوبی است. و امیدوار است بعد از ۱۲۰۰ سال بر تخت پادشاهی تکیه بزند.»^۳

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین دِ پلانسی ۱۸۶۳ م.

۲- دیوهای دروغین نوشته جان وایر (۱۵۸۳ م.)

۳- مادر مک گریگور در سال ۱۹۰۴ م.

Sallos سالوس



«سالوس را به اسم **zaebos** «زیباس» هم می نامند. او شمارشگر جهنم است. اخلاق خوبی دارد. و یک سرباز آرام است که تاجی بر سر داشته و سوار بر یک تمساح می باشد. عده ای نیز «سالوس» را یک اشراف زاده دلاور می دانند که صلح را با خود به همراه می آورد.»^۱

Satan شیطان

درباره این موجود نیز در بخش جدا گانه مفصل بحث شده است.

Tezcatlipoca تزکات لیپوکا

درباره تزکات لیپوکا نظریات متفاوتی بیان شده است. در یکی از نظریات آمده است:

«او فرزند مذکر خداوند است. عده ای می گویند او از نژاد غولها می باشد و به شکل پلنگ است. عده ای می گویند: او شریک خداوند در خلقت آسمانها و خورشید است و عده ای او را ویرانگر عالم هستی

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳ م.

می دانند. نهایتاً عده ای او را با خوی وحشیگری می شناسند که همواره در صدد ضربه زدن و آسیب رساندن به مردم است. و باز بیان دیگری درباره او وجود دارد. او باران های ویران گر آتشین را هدایت می کند. و سرانجام یک چهارم جهان را از بین می برد. گفته اند او سیلابها را جاری می کند و صدای درون زمین از طرف اوست، تا دنیا را ویران کند.»^۱



Torngarsuk تورن گارساک

«در فرهنگ اسکیموهای آمریکا، تورن گارساک یک هیولا است، که شبیه خرس با صورتی کوچک و قدی بلند است. برخی هم او را یک جانور دریایی دانسته اند. جادوگران اسکیمو او را موجود نامرئی می پندارند، که همه چیز طبیعت در اختیار اوست. اگر چه برخی اوقات ظاهر می شود، اما قبل از آمدنش نوری پدیدار می گردد. عده ای نیز او را یک «خرس سفید» دانسته اند که در غار زندگی می کند. او فرمانروای قدرتمند هستی است. شبیه خرس است و حالات انسانی دارد.»^۱

Vassago واسگو

«مادر مک گریگور درباره او می گوید: او سومین روح شریر و شاهزاده جهنم است. و برخی نیز گفته اند: او شبیه خوک است.»^۱



Uvall یووال

«یووال فرمانده سی و ششمین سپاه تاریکی است و قدرت بسیاری دارد. او قدی بلند و ترسناک دارد. مصری ها اعتقاد دارند او جنون مسافرت است.

«یووال» را شبیه یک انسان دانسته اند. او علاقه زیادی به زنان دارد. و از آنها برای فریب مردان استفاده می کند. همچنین او دوستی ها را به دشمنی ها تبدیل می کند.»^۱

Valefor والفور

«او یک دیو نیرومند است و فرمانده سپاه دهم تاریکی. عده ای گفته اند: بدن شیر دارد ولی سر او شبیه الاغ است. او مشوق و مظهر دزدی است.»^۱

۱- دیوهای دروغین نوشته جان وایر (۱۵۸۳م.)

Ukobach یوکوباچ



«او را یک دیو پست دانسته و وظیفه او را ریختن روغن و نفت زیر دیگ عذاب می دانند. عده ای هم او را سوزاننده خطاب کرده اند که البته حرکت بدن او بسیار کند است.»^۱

Vampire ومپایر (روح تبهکاری، خون آشام)

«ومپایر» یکی از معروفترین شیاطین در فرهنگ مغرب زمین است. شهرت او به حدی زیاد است که موضوع رفتارهای او سر مشق بسیاری از فیلمنامه ها و نمایشنامه ها و داستانهای اهالی غرب است. فیلمهای سینمایی و سریالی متعددی درباره او ساخته شده و یکی از مهمترین اعتقادات بومی و سنتی منطقه اروپا و آمریکا است.

این موجود در بسیاری از فرهنگ های غربی خصوصاً اروپایی جایگاه ویژه ای دارد، و در مورد او نظرات بسیاری بیان شده است.

در برخی از فرهنگها از او با عنوان «دراکولا» یاد می شود... مطلب زیر نمونه ای از اعتقادات بیشمار مردم این مناطق است.

به عنوان نمونه در فرهنگ بومی بلغارستان «ومپایر» مشتق شده از

«Viper» (افعی، شریر) است.

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین د پلانسی ۱۸۶۳م.

«ارواح مردگان انسان، بعد از مرگ سوار بر کشتی مشروبات الکلی می شوند و برای ملاقات آنانی که در این کره خاکی جان سپرده اند سفر می کنند. این مسافرت چهل روز طول می کشد.

هر چند که مردگان صبح دفن می شوند، ممکن است که راهشان به عالم دیگر مسدود گردد. آنگاه می توانند در این عالم به صورت «ومپایر» (خون آشام) باقی بمانند. مسلماً مردم می توانند خودشان هر کدام یک خون آشام باشند.

عوام اعتقاد دارند که او در خوردن خون بسیار حریص می باشد. همچنین او توانایی جلب مردم به خود را همراه صدا و همهمه دارد. معمولاً روح بچه هایی که قبل از تولد یا قبل از غسل تعمید مرده باشند، به خون آشام یا همان «ومپایر» تبدیل می شود. آنها معمولاً بعد از ده سال تغذیه با خون، به اندازه کافی نیرومند می گردند. و باید دوباره به قبر برگردند. زیرا نیاز به استراحت دارند.

برای دفع «ومپایر»، باید از یک متخصص روحانی کمک گرفت. و روش آن این است؛ «یک تیرک چوبی برداشته در جایی که می خواهند خون آنان را بیابند نصب کرده و تصویری از عیسی مسیح علیه السلام بر روی آن قرار می دهند. البته از تصویر مریم مقدس علیها السلام یا دیگر قدیسن مسیحی هم می توان استفاده کرد.

آنگاه یک بطری بزرگ برداشته داخل آن، غذای مورد علاقه خون آشام که همان خون است را داخل آن ریخته و به همراه چاشنی ماهی در کنار تیرک چوبی قرار می دهند. زمانی که خون آشام آمد و داخل بطری شد، درب آن را می بندند و سپس آن را آتش می زنند.»

بر طبق اعتقادات مردم بومی، «ومپایر» (خون آشام) فقط توسط آتش یا خوردن خون انسان مرده از بین می رود. ۱



زافان Xaphan

«زافان یکی از فرشتگانی است که همراه شیطان از آسمانها به زمین افتاد. او دیورده دومی است. شهرت او به خاطر داشتن شابلون آهنی است که در دست دارد.

او بعد از آنکه از آسمان اخراج شد، تصمیم گرفت آسمان را به آتش بکشد. او گردابی درست می کند و در جای دیگری آتش فراهم کرده و بر آن می دمد تا شعله اش عالم را بسوزاند.»^۲

Yara-ma-yha-who یارا ما یا هو

«در فرهنگ بومی شرق آسیا، او یک مرد کوچک قرمز رنگ است، که چهار چنگال بلند، با سر و دهانی بزرگ دارد. او دندان ندارد و تمام غذایش را یکمربته می بلعد. انگشتان او مخزنی دارد که حالتی دوست داشتنی برای اطفال است.»^۱

۱- www.deliriumsrealm.com - فرهنگ عامه

۲- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین دِ پلانسی ۱۸۶۳م.



Yan-gant-y-tan یان گانت بی تن

«او در شب سرگردان است. او مظهر پلیدی در میان اقوام شرق آسیایی است. او پنج شمع در هر پنج انگشتش دارد که به نوبت هر کدام از آنها یکی پس از دیگری روشن می شود.»^۱

Yenald looshi ینالد لوشی

«در افسانه های ناواگویی گفته اند: او یک جادوگر شب گرد است که برهنه ظاهر می گردد. و فقط نقاب و جواهرات به همراه دارد و در غار زندگی می کند. سر او شباهتی به سر انسان دارد. او نیرویی کشنده دارد و گاهی همراه همزاد خود که مؤنث است فعالیت می کند. شخصیت او در نهایت پستی بوده و بر روی مکانهای عمومی نجاست خود را رها می کند. او مشوق مردم به «همجنس بازی» و «مرده پرستی» است. او قدرت ایجاد گردباد را دارد و سختی های زیادی را برای کودکان ایجاد می کند. ظاهراً کار اجباری کودکان از اقدامات اوست. همچنین او باعث از هم پاشیدگی خانواده، اجتماع و مرگ و میر است.»

۱- دایره المعارف دوزخ نوشته کالین دِ پلانسی ۱۸۶۳ م.

ینالد لوشی با حالات عجیب و غریبی ظاهر می گردد، و صدای وحشتناکی دارد و گاهی پوست سگ می پوشد. او به صورت گرگ صحرایی ظاهر می شود و مانند یک شکارچی رفتار کرده و با همسر خود در بیابانها زندگی می کند.»^۱

Zambie زامبی

«زامبی یا زومبی اکثراً در کشورهای قاره آمریکا (شمالی و جنوبی) به معنای خدا بوده و در برخی کشورها مانند «هائیتی» به معنای جسم بدون روح و کارگر برده وار، اطلاق شده است. البته گویشهای دیگری نیز درباره او بکار رفته است. مثلاً در ترینیداد به او «جومبی» می گویند.»^۲

Zagan زاگان

«زاگان پادشاه بزرگ دوزخ است و در بیرون از جهنم خود را به شکل گاو نر نمایان می کند. گاهی اوقات هم شبیه انسان است. او فرمانروای شراب در جهان است. لذا شراب و انسان احمق با هم برابرند. همچنین او سی و سومین فرمانده سپاه تاریکی است. مادر مک گریگور او را شصت و یکمین روح شریر دانسته و او را سلطان شراب معرفی کرده است. به طوری که از آب و خون شراب

۱- www.deliriumsrealm.com

۲- فرهنگ ادیان جهان

درست کرده و آنها را با هم مخلوط می کند.»^۱

Zepar زیپار

«زیپار» اینگونه معرفی شده است:

«او فرمانده بیست و ششمین سپاه تاریکی است و از شاهزادگان جهنم می باشد. او علاقه زنان دیگران را، در دل‌های مردان وارد می کند و آنان را به فساد می کشاند. همچنین او روح پستی، در میان ارواح است.»^۲

نامهای شیطان و موجودات شیطانی، در فرهنگها و آداب رسوم مردم نقاط مختلف جهان، بسیار زیاد است که در اینجا به طور اختصار به بعضی از آنها اشاره شد. در این بین نام موجودات و شیاطین دیگری نیز دیده می شوند که فقط به نام آنها اشاره می کنیم.

نامهایی که در ادامه می خوانید در کتاب مقدس شیطان پرستی با عنوان تاجداران جهنم برای شیاطین برشمرده شده است.

۱- کتاب جادوی مقدس نوشته مک گریگور ۱۸۹۸ م.

۲- دیوهای دروغین نوشته جان وایر (۱۵۸۳ م.)

تاجداران جهنم

Satan شیطان

دشمن روبرو و مالک آتش در جهنم جنوب

Lucifer لوسیفر

روشنایی دهنده جهنم و آسمان و زمین

Belial بلیال

موجود پست و مستقل در زمین شمال

Leviathan لویتن

مار یا نهنگ دریایی که در اعماق دریا زندگی می کند.

نامهای دیوهای جهنم

Abaddon آبادون

ویرانگر در فرهنگ عبری

Adramelech آدراملیچ

شیطان سومری ها

Ahpuch آپاچ

نام شیطان در میان قوم مایان

Amon آمون

در فرهنگ مصر خدایی با سر قوچ است. خدای زندگی و تولید نسل

Apollyon آپولون

هم نام شیطان در فرهنگ یونانی

Asmodeus آسمادیوس

در عبری، شیطان مظهر شهوترانی و عیاشی

Astaroth آستاروث

در فرهنگ فنیقی های باستان معادل ایشتر (الهه شهوت و هرزگی)

است

Baalberith بال بریث

در کنعان قدیم ارباب بوده و هم پیمان شیطان

Ballaam بالام

شیطان حرص و طمع در فرهنگ عبرانی

Baphomet بافومیت

معبود فرقه ای در سرزمین فلسطین قدیم و نمادی از شیطان

Bast بست

الهه خوشی و لذت و شهوترانی در مصر باستان که مجسمه او شبیه

گرچه بوده است.

Behemoth بیهموث

نمادی از شیطان به شکل فیل در فرهنگ عبرانی. عده ای نیز او را الهه شهوت و شبیه گربه می دانند.

Beherit بیهريت

در فرهنگ و زبان سوریه قدیم نام دیگری از شیطان است.

Bile بایل

در نزد مردم سلطیک خدای جهنم بوده است. و نام دیگر شیطان در فرهنگ سوریانی

Chemosh کماش

شیطان و خدای طبیعت

Cimeries سیمیریس

شیطان سوار بر اسب سیاه در فرهنگ بومیان آفریقا

Coyote کایوت

شیطان بومیان (سرخ پوستان) آمریکایی، که به شکل گرگ صحرائی است.

Dagon داگون

شیطان دریا و موجود هرزه و کینه جو در فرهنگ مردم فلسطین قدیم

Damballa دامبالا

مار و خدای جادو در فرهنگ آفریقایی

Demogorgon دموگورگون

در یونانی نامی از شیطان است که تا زمان مرگ شناخته نمی شود.

Diabolus دایابولوس

در یونان باستان شیطان سر بزیر

Dracula دراکولا

نام رومانیایی شیطان

Emma-O اما اُ

فرمانروای جهنم در فرهنگ ژاپنی

Euronymous یورانیموس

ملک الموت یا پادشاه مرگ در فرهنگ یونانی

Feriz فنریز

شیطانی به شکل گرگ. فرزند لوکی

Gorgo گورگو

نامی از شیطان و روح پلید در فرهنگ یونانی

Haborym هابوریم

مترادف کلمه شیطان در فرهنگ عبرانی

Hecate هکیت

الهه جادوگری در دنیای پایین در فرهنگ یونانی

Ishtar ایشتر

الهه حاصلخیزی خاک در فرهنگ بابلی ها، همچنین روح هرزگی

است.

Kali کالی

دختر شیوا و کاهنه قتل در فرهنگ هندوها که گردن آویزی از

سرهای بریده دارد.

Lilith لیلیث

در فرهنگ عبرانی همسر شیطان. همسر نخستین آدم علیه السلام و کسی که طناب بافی را از شیطان آموخت.

Loki لوکی

شیطان در فرهنگ توتنی (نژادی قدیمی در آلمان). و در نزد مردم قدیم اسکاندیناوی خدای شهوت بوده است. همچنین خدای دزدی و فریب است.

Mammon مامون

خدای خیر و نفع در فرهنگ آرامی ها (از تمدنهای باستان)

Mania مانیا

خدای دیوانگی و الهه جهنم در فرهنگ اتریشی

Mantus مانتوس

خدای جهنم در فرهنگ اتریشی

Marduk مورداک

خدای شهر در فرهنگ بابلیها

Mastema مستیما

مترادف شیطان در فرهنگ عبری

Melek Taus ملک طاووس

شیطان در آئین فرقه یزیدیان که اکثراً در عراق کنونی زندگی می کنند

Mephistopheles مفیستوفلیس

شیطان در فرهنگ یونانی و فرار کننده از روشنایی

Metzli متزتلی

الهه شب نزد مردم آمریکای مرکزی و جنوبی

Mictian میکسین

خدای مرگ (ملک الموت) یا همان حضرت عزرائیل نزد مردم

آمریکای مرکزی و جنوبی

Midgard میجرِد

شیطانی به شکل مار. (فرزند لوکی)

Milcom میلکوم

شیطان نزد مردم قبیله آمون

Moloch مولاک

شیطان در فرهنگ فنیقی های باستان و کنعانیان

Mormo مورمو

پادشاه غولها و همسر هیکات الهه جادوگری در فرهنگ یونانی

Naamah ناما

همسر شیطان و اغوا کننده در فرهنگ عبرانی

Nergal نرگال

خداوند جهنم اسفل در فرهنگ بابلیها

Nihasa نیاسا

شیطان در فرهنگ سرخ پوستان آمریکایی

Nija نیجا

خدای عالم اموات در فرهنگ مردم لهستان

0-Yama اُ یاما

نامی از نامهای شیطان و خدای مردگان در فرهنگ ژاپنی

Pan پَن

خدای شهوت و فرستنده به قلمرو شیطان در فرهنگ یونانی

Pluto پولوتو

خدای دیگر عالم اموات در فرهنگ یونانی

Proserpine پراسرپین

ملکه عالم اموات در فرهنگ یونانی و دختر زاوش

Pwcca پوکا

نام شیطان در فرهنگ مردم ولز

Rimmon ریمون

شیطان سوریانی و معبود دمشق

Sabazios سباززیوس

خدای افیون شبیه مار در فرهنگ اروپایی

Saitan سَیْطَن

همان شیطان در کتاب پیروان خنوخ نبی

Sammael ساموئل

شیطان در فرهنگ عبرانی که شبیه عقرب است.

Samnu سامنو

شیطان در فرهنگ آسیای میانه

Sedit صدیت

نام دیگر شیطان در فرهنگ سرخ پوستان آمریکایی

Sekhmet سکمیت

الهه انتقام در مصر باستان

Set ست

یکی از شیاطین در فرهنگ مصر باستان

Shaitan شیطان

نام عربی شیطان یا همان ابلیس

Shiva شیوا

ویرانگر و از نامهای شیطان در آئین هندو. البته گاهی به خدایی که جهان را برای نو سازی ویران می کند نیز اطلاق می گردد.

Supay سوپی

خدای عالم اموات در فرهنگ اینکاها (از اقوام باستانی و اصیل آمریکا)

T'an-mo تی آن مو

همتای شیطان و روح طمع کاری و آز در فرهنگ چین باستان

Tchort چورت

خدای سیاه، نامی از شیطان در فرهنگ بومی روسیه

Thamuz تاموز

خداوند در فرهنگ سومری های باستان. او فرستنده ارواح به قلمرو شیطان است.

Thoth ثاث

خدای جادوگری در مصر باستان

Tunrida تانریدا

شیطان زن در فرهنگ مردم سرزمین اسکاندیناوی

Typhon تیِفون

همانند و تمثال دیگری از شیطان در فرهنگ یونانی

Yaozjin یائوت زین

خدای جهنم در فرهنگ مردم آمریکای مرکزی و جنوبی

Yen.1 Wang ین وان ونگ

حکمران جهنم در فرهنگ چین باستان ۱

نا گفته نماند که در میان اقوام باستانی، خداوند فقط به قدرتهای خیر اطلاق نمی گردد. بلکه تعدادی از خدایان، خدایان شرارت بوده اند. استفاده از واژه خداوند در موارد یاد شده از بعد منفی و شر آن است. اینک با توجه به شناختی که از این موود، در فرهنگها و آئین های کهن پیدا نمودیم، به جاست که افکار و عقاید شیطان پرستان را مورد بررسی قرار داده و با آن آشنا شویم.

شیطان پرستی

(۶)

آداب و رسوم شیطان پرستی

یکی از اصول ادیان و مذاهب، چه مادی و چه الهی، مراسمات و آداب خاص آن است.

شیطان پرستی، آنگونه که پیروان آن اعتقاد دارند، یکی از مذاهب دنیای ماده است. لذا برای آن آدابی را در نظر گرفته اند.

صرف نظر از تمامی آدابی که برای شیطان پرستی عنوان می شود، یک مقایسه تاریخی می تواند، نمونه خوبی برای اثبات این مدعا باشد. که شیطان پرستی آن چیزی نیست که خود آنان ادعا می کنند.

شیطان پرستان مکتب خود را یک مکتب نو ظهور می پندارند، در حالی که آداب این فرقه همان آداب گذشتگان آنان است.

یکی از این آداب، مراسم قربانی یک انسان است. این مراسم هم در گذشته و هم اینک، سالیانه انجام می گیرد، که البته بخشی از کتاب مقدس شیطان پرستی نیز به آن اختصاص دارد.

به این مبحث باید دعاها و سایر آداب از جمله عبادات و اذکار و... را هم اضافه کرد.

اما مراسم قربانی کردن انسان که تشریفات خاص خود را دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در اینجا نمونه ای از مراسم قربانی انسان را که در میان قبایل گذشته تاریخ اجرا می گردید را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

در میان قبایل گذشته، از جمله «قبیله مایا» تشریفات قربانی انسان چنین بود. «شخصی را که باید قربانی شود، یک سال پیش انتخاب می کردند. مردم در طول سال او را مقدس می شمردند و انواع امکانات زندگی را برایش فراهم می نمودند. سپس روز موعود او را در کوچه و بازار می گرداندند و سپس به سمت معبد می بردند.

پنج نفر از کاهنان ویژه با لباس سیاه و با مراسم وحشت زاء، آن شخص را روی سنگ قربانگاه می خواباندند. چهار نفر دست و پای او را و دیگری سرش را نگاه می داشتند. و آنگاه کاهن بزرگ با لباس سرخ، تیغ مخصوص خود را با یک ضربت ناگهانی بر سینه او می کوفت و قلب او را بیرون می آورد و آن را در حالی که می تپید به پای بت می انداخت تا مورد قبول بت قرار گیرد که مورد خشم و غضب قرار نگیرند.»^{۱۱}

اما شیطان پرستی امروز که مملو از دروغ و عوام فریبی است، به گونه ای مرموز این سنت را نقد کرده و آن را به باد انتقاد می گیرد. اما چگونه می توان حقیقتی را که از مسلمات این آئین است پوشیده نگاه

۱- تفسیر نسیم حیات جزء هفتم صفحه ۲۶۴ به نقل از کتاب تاریخ مذاهب جهان

داشت؟ ببینید لاوی چگونه حقیقت را وارونه جلوه می دهد و قربانی کردن انسان را قبیح می داند.

«قربانی کردن انسان بسیار زشت است. یک شیطان پرست، دنیا را زیبا می بیند و همه انواع موجودات، چه انسان و چه حیوان را مقدس می شمرد.»^۱

اینها سخنان کسی است که در زندگی خود، در تمامی مراسمات قربانی کردن انسان در طول تاریخ شیطان پرستی که خود او بنیان گذارده شرکت کرده و خود مستقیماً آنرا هدایت کرده است. چه می شود گفت؟! جالب است که «شیطان پرست» که طبق اظهارات خود لاوی همه چیز را سیاه و تاریک می بیند، در اینجا زیبا بین شده و همه را تقدیس می کند. در حالی که واقعیت چیز دیگری است. زیرا همانطور که قبلاً اشاره شد، «از منظر شیطان پرست هیچ چیز مقدسی وجود ندارد.»^۱ اما این تناقض آشکار را ملاحظه فرمائید، که در همان کتاب، به بحث قربانی کردن انسان اشاره می کند.

«یکی از واجبات، قربانی کردن و ریختن خون است. زیرا خون مظهر زندگی و نیرو می باشد. البته به شرط اینکه خون ریخته شده، تازه باشد و یک جادوگر مجرب این کار را بکند. این کار بهترین روش برای تسکین شیاطین می باشد.

این عمل باعث بخشیده شدن افراد می گردد. و این مرگ زندگی را برای دیگران در پی دارد.»^۱

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی، کتاب لوسیفر، انتخاب یک انسان برای قربانی

اگر قربانی کردن انسان قبیح است، چرا این عمل توجیه می شود.
لاوی می گوید: «یک شیطان پرست حتی نمی تواند به یک حیوان یا
کودک، آزاری برساند.» اما آیا می توان باور کرد؟
پس چگونه است که آزار جنسی کودکان و حتی آزار جنسی
حیوانات در سراسر دنیا از سوی شیطان پرستان به طور وحشیانه ای
صورت می گیرد.

لاوی قربانی انسان را قبیح خواند. اما هیچ کس از او سوال نکرد که،
چرا در کلیسای شیطان همه ساله، مراسم نمادین قربانی کردن انسان
برگزار می گردد؟! لاوی قربانی کردن انسان را یک شایعه از جانب
دشمنان دانسته و آن را نشانه احساسات منفی بر شمرد، اما هیچگاه پاسخ
نداد که چرا این مراسمات با حضور خود او برگزار می گردید؟!
مطالعه بحث آتی، بیشتر به فهم این مطلب کمک می کند.

افکار و اعتقادات شیطان پرستان

شیطان پرستان اعتقاداتی دارند که شدیداً به آن پایبند هستند. جالب است که آنان خود را تنها گروه متفکر می دانند. از میان افکار آنان می توان به این موارد اشاره کرد.

«ما کسانی هستیم که دانش را به جای جهل پذیرفته ایم. ما با آگاهی، «درخت معرفت» را انتخاب کردیم! راهی که شیطان نشان داد! ما سیب درخت معرفت را می خوریم. ما کسانی را که حقیقت را پایمال می کنند محاکمه می کنیم.

ما کسانی را که چیزی را کورکورانه دنبال می کنند، سرزنش می کنیم. ما مخالف خداگرایی هستیم، ما بیرونی کردن گناه را نادرست و دردناک می دانیم ... ما به جای جمع کردن امتیاز همراه با ریاضت، برای رسیدن به دنیایی خوب بعد از مرگ، به شادی خویش و جسم معتقدیم.»

این سخن فیلسوف غربی و از پایه گذاران شیطان پرستی فلسفی، «نیچه» را فراموش نکنیم که در فراسوی «نیک و بد» چنین گفت:

«شیطان بیشترین بینش را راجع به خدا دارد؛ زیرا او از خدا دور می گردد. در حقیقت شیطان قدیمی ترین دوستدار دانش است».

شیطان پرستان اعتقادات خود را بسیار سیاه می پندارند. اما این سیاهی را دلنشین می دانند. در ادامه اعتقادات آنان می خوانیم:

«شیطان پرستی دنیایی را ترسیم می کند که هیچ روزنه امیدی برای آن تصویر نمی شود. به همین جهت شیطان پرستی را جهان تاریک می نامند.

شیطان پرستی حقیقتی را جستجو می کند که آن را در این جهان نمی توان یافت. در توجیه خود کشتی چنین می گویند: می خواهیم به حقیقت برسیم و حقیقت در این دنیا به دست نمی آید.»

و باز این سیاه نمایی را به گونه ای دیگر و به صورت عمومی ارائه می دهند. با نگاه به نوع کلام، می توان تشخیص داد که مؤسس این فرقه و سایر رهبران آن، در چه جامعه و چه موقعیتی زندگی می کردند. و همچنین می توان نتیجه گرفت که در درون آنها چه می گذرد. به قسمت دیگری از اعتقادات شیطان پرستی توجه فرمایید.

«زندگی در دنیا بر پایه دروغ است. و همه باورهای مردم بر پایه همین دروغ شکل گرفته است. همه عادت کرده اند دروغ بگویند، لذا اگر حرف راست هم بزنید کسی آن را باور نمی کند.

شیطان پرستی آئینی است که همه چیز را منفی ارائه می دهد.»

آنتوان لاوی مکتب خود را اینگونه معرفی می کند:

«ما حتی خورشید را مانع از تابش نور می پنداریم. ما همه چیز را منفی می خواهیم، اگر به باغ سیب برویم همه سیب ها را کال می بینیم و اگر به تئاتر برویم همه بازیگر ها را لال می پنداریم.

شیطان پرستی معجونی است که هر آدم گرفتاری را به وحشی گری و نفرت سوق می دهد. کوره راه و مسیری است که به هیچ جا راه نداشته و بن بست است.»

لاوی در بیان اعتقادات خود که می توان به جرأت گفت، آن را از نظریات افرادی مانند «نیچه» گرفته است، می گوید:

«رسماً اعلام می کنم که ما به مقصد نمی رسیم. شیطان پرست باید بداند، جاده ای که در آن قرار دارد پر از خط کشی های در هم و بر هم است. و او باید در یافتن راه خروج تا سر حد جنون و دیوانگی پیش برود و سر انجام مطمئن شود راه بازگشتی وجود ندارد. و باید با ما تا آخر مرگ بماند.»

آنچه که در این میان توجه بیشتری می طلبد، سخنان آنتوان لاوی در کتاب مقدس شیطان پرستی است. این کتاب که قسمتهایی از آن را در صفحات گذشته آورده ایم، اصلی ترین رکن شیطان پرستی مدرن است. زیرا تمام اعتقادات و فرامین لاوی به عنوان مؤسس، و به تعبیر صحیحتر «دستورالعمل های شیطان برای زندگی حیوانی و شهوانی»، در آن گنجانده شده است. اینک به بیان قسمتهایی از این کتاب می پردازیم تا حقایق دیگر از دنیای سیاه شیطانی را ملاحظه بفرمایید.

اعتقادات بر پایه کتاب مقدس شیطان پرستی

با توجه به کتاب مقدس شیطان پرستی، اعتقادات شیطان پرستان به شرح ذیل است.

«با تمام روشهای ممکن باید اهمیت حکومت و قدرتمان را به همگان گوشزد و اعلام کنیم کسانی که به حکومت جهانی ما تسلیم شوند از حمایتمان برخوردارند.

۱- شیطان نماینده زیاده روی به جای پرهیز است.

۲- شیطان نشان می دهد که نیروی زندگی هستی (دنیا)، به جای معنویت، در دالان مرگ قرار دارد.

۳- شیطان می فهماند که استفاده از حکمت و عقل، به جای ریا کاری و تزویر، خود نیرنگی بیش نیست.

۴- شیطان نشان می دهد که لطف و مهربانی به آنهایی که سزاوار

- آن هستند به جای ابراز عشق، ظلم است.
- ۵- شیطان بازگو می کند کینه جوایی و انتقام بهتر از گستاخی است.
- ۶- شیطان بازگو می کند مسئولیت را به مسئولش محول کردن بهتر از افکار پلید در کنار خون آشامی است.
- ۷- شیطان بازگو می کند انسان فقط یک نوع حیوان است. البته گاهی اوقات بهتر از آن.
- ۸- شیطان بازگو می کند همه چیزهایی که به سینس (گناهان) مشهور هستند، چیزی نیست جز دگرگونی ذهن از حالت بی عقلی به صورت طبیعی ذهن، یا احساس بدی به حس خوشی.
- ۹- شیطان قبلا بهترین دوست کلیسا بوده است و همیشه خواهد بود. چرا که او کسب و کار کلیسا را در تمام این سالها حفظ کرده است (یعنی اگر شیطان نبود مردم به کلیساها پناه نمی بردند).
- ۱۰- ضربه را با ضربه و تمسخر را با تمسخر و بد رفتاری را با بد رفتاری فرو ریز. انتقام را با خواست مضاعف و آزادی انتخاب کن. چشم را با چشم و دندان را با دندان پاسخ ده... خود را برای کشتن و ترور مخالفانت محیا ساز.
- ۱۱- شیطان پرست واقعی، کسی است که کنش ها و واکنشهای جهان را در اختیار دارد. اختیار همه چیز برای اوست. تفکر او گمراهی نیست و او غمخوار همه کس است.
- ۱۲- غلط مشهوری در بین مردم است که شیطان پرست به خدا ایمان ندارد. چنین تفسیری از کسی است که سراسر عمرش را در رنگارنگی (بی ثباتی فکری) گذرانده است.

شیطان پرست به سادگی تعریف مورد نظر او را نمی پذیرد.
۱۳- «خدا پرست» کسی است که همواره خدایش او را ساخته،
حال آنکه او سریعتر خدایش را می سازد.

خدایی که کمی مهربانتر از دیگران است. از عوامل طبیعی وحشت
می کند. و نمی تواند از مخلوق خود اضطراب عذاب را بردارد. این
نیرومند نیرویش را از کدام معجزا وارد می کند؟ تراز و بالانس او از
جهان دور است. (یعنی نمی تواند در امور دنیا دخالت کند).

همچنین فاقد صلاحیت خوشبخت یا بدبخت کردن خویشاوند و
مخلوق خود است، بر روی این کره کثیف خاکی که روی آن
زندگی می کنیم.»^۱

(منظور از خویشاوند حضرت عیسی علیه السلام است که مسیحیان
او را پسر خدا می دانند).

طبق اعتقادات شیطان پرستان، مرگ یگانه حقیقتی است که راه
فراری از آن نیست. لذا از نظر انتخاب نوع مرگ، شیطان پرستان به دو
دسته بسیار عمده تقسیم می شوند.

دسته اول: کسانی که خودآگاهانه مرگ و ماندن در جهنم را ترجیح
می دهند.

دسته دوم: کسانی که منکر مرگ می شوند. و بر این گمانند که
پرستش شیطان کفایت می کند تا او، آنان را از چنگال مرگ رهائی بخشد
و عمری جاودان نصیب آنان گرداند.

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی نوشته آنتوان اس زاندرلاوی (۱۹۶۹م).

از این منظر، دسته اول خطرناکترند. زیرا آگاهانه به جنگی نامقدس در برابر خداوند روی می آورند. جنگی که خود نیز می دانند در آخر به شعله های آتش ختم می شود.

آنان گناه را زینت درونی انسان تصور می کنند. و به مرحله ای می رسند که دیگر گناه برای زندگی آنان از آب و نان نیز ضروری تر می شود. تا درجه ای که دیگر چیزی جز گناه نمی بینند.

به هر گناهی دست می زنند. ربا، قتل، دروغ، تهمت، دزدی، شرب خمر، هتاکی به مقدسات و مؤمنین، اعمال منافی عفت و...

وجه اشتراک بسیاری در بین گروههای شیطان پرستی وجود دارد. از میان آنان می توان به رواج خشونت و فحشا در سطح جوامع اشاره کرد. متأسفانه این مسئله بخشی از فرهنگ غربی است، که در سایر جوامع نیز شیوع پیدا کرده و راسخ شده است.

لاوی در بخشی دیگر از سخنانش، درباره اعتقادات شیطان پرستی می گوید: «من از نسلی هستم که جرأت دارد به وجود خدا شک کند. بر توانایی او شک کند. نسلی که جرأت دارد او را نقد کند، او را انکار کند، بر او بشورد و نادان بخواندش.

نسلی که اربابی نمی پذیرد. چه این ارباب معجزه بداند و چه تو را از جهنمش بترساند.

چه کسی تو را خدا نامید؟ چه کسی تو را به این درجه منسوب کرد؟ از کجا آمدی؟ کجا زاده شدی؟ چه کسی تو را آفرید!!؟ جز این است که انسان تو را آفرید؟ و هم اوست که تو را نابود می کند!

خدایان نابود می شوند. انسان بیافرینیم. کاری که خدایان از انجام آن

عاجز بودند.»^۱

با توجه به خرافات و کفریات اشاره شده در اعتقادات لاوی، مشخص است که هدف از فعالیتهای این فرقه کفر آلود در جوامع، چیست و چه انگیزه ای دارد؟

شاید یک نگاه کلی به «کتاب مقدس شیطان پرستی» یا به اصطلاح «انجیل شیطانی»، بهتر رسانای مقصود باشد. و آنگاه جملاتی دیگر را بررسی خواهیم نمود.

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی نوشته آنتوان اس زاندرلاوی (۱۹۶۹م.)

انجیل شیطانی یا کتاب مقدس شیطان پرستی

کتاب «انجیل شیطانی» (The Satanic Bible) توسط آنتوان لایوی در سال ۱۹۶۹ م نوشته شد. این کتاب شامل بخشهای متعددی می باشد که از مهمترین آنها می توان به کتاب های چهارگانه اشاره کرد. که نامهای آنها عبارتند از:

۱ کتاب شیطان (Satan) آتش

۲ کتاب لوسیفر (Lucifer) باد

۳ کتاب بلیال (Belial) زمین

۴ کتاب لویتن (Leviathan) آب

این ۴ کتاب (فصل) به نامهای ۴ شیطان (چهار ارباب دوزخ) نامیده

شده اند.

کتاب شیطان (Satan)

معرفی شاعرانه‌ای از مشخصات و تجاوزات شیطان پرستی، که برگرفته از عبارات رگنر ریبرد (Ragnar Rebeard) است.

کتاب لوسیفر (Lucifer)

- روشنگری، مبانی فلسفی و تصویری شیطان پرستی.
- خواسته: خدا، مرده یا زنده.
- برخی شواهد عصر شیطانی جدید
- دوزخ، اهریمن و چگونه روح خود را واگذار کنید
- عشق و نفرت
- روابط جنسی شیطانی
- همه خونخواران، خون نمی‌مکند
- لطف، نه اجبار
- انتخاب یک انسان برای قربانی
- زندگی پس از مرگ در طول تکمیل ضمیر نفس
- تعطیلات مذهبی
- مراسم عشاء تاریک

کتاب بلیال (Belial)

- شامل اصول نظری و تمرینات آئین پرستش شیطانی، جادوگری و روانشناسانه.

- نظریه و تمرین سحر شیطانی (تعریف و هدف)
- انواع سه گانه آئین پرستش شیطان
- آئین پرستش شیطان، یا «اتاقک تشریح عقلانی»

- اجزای کاربردی در سحر شیطانی

- آئین پرستش شیطانی

کتاب **لویتن (Leviathan)**

- شامل متن‌هایی برای استفاده در آئین پرستش شیطان و دعاها.

آخرین بخش این کتاب، فصل مربوط به کلیدهای رهایی است. در این فصل، کلیدهای نوزده گانه شیطان پرستی از کتاب آنوسیان طرح گردیده است. و شیطان پرستان برای رهایی باید این نوزده کلید را در اختیار داشته باشند.

اینک با توجه به مطالب ارائه شده از کتاب مقدس شیطان پرستی خوب است نگاهی به برخی از صفحات داخلی این کتاب سراسر کفر انداخته و جملاتی دیگر از آن را از نظر بگذرانیم. با ملاحظه جملات این کتاب ضاله می توان به انگیزه شیطان پی برد، که چگونه عده ای غافل را فریب داده تا از جانب او سخن گفته و اعتقادات مردمان را به بازی بگیرند.

جسارت به حضرت عیسیٰ علیه السلام

«۱- در این بیابان خشک و لم یزرع از فولاد و سنگ، من صدای خود را بالا می برم تا تو بشنوی. رو به سوی شرق و غرب و شمال و جنوب اعلام می کنم: مرگ بر ضعیفان و درود بر نیرومندان.

۲- چشمانت را باز کن و بنگر، ای مرد کوتاه فکر. و به من گوش کن ای سرگروه گمراهان!!!

۳- من اینجا ایستاده ام و خرد تو را به مبارزه می طلبم. و از تو، از آن خدا سوال می کنم.

۴- دلایل تو برای اثبات آن ده فرمان طلایی چیست؟

۵- هیچ گاه نمی توانی تصویری از بت‌های خود ارائه دهی.

۶- من انگشت سبابه خود را، در خون ریخته تو فرو می کنم و ضعف تو را نمایان ساخته و بالای تاج خار و روی ابروی تو می نویسم:

«شاهزاده واقعی نفرت، و پادشاه بردگان»

آنگاه لاوی به کفریات خود ادامه می دهد تا اینجا که می گوید:

«۱۰- من به چشمهای یهوه (خدای) ترسناک تو خیره شده و با شجاعت در مقابل او می ایستم. و تبر پهن خود را بالا آورده و جمجمه کرم خورده او را خرد خواهم کرد.»^۱

در جایی دیگر جسارت را به شخصیت عیسی علیه السلام این گونه بیان می کند:

«به صلیب نگاه کن. چه چیزی در آن می بینی؟ بیچاره ای که بر درختی دار زده اند.»^۲

متذکر می شویم که از نظر اسلام حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده نشده است. و قرآن نیز بر این مطلب صراحت دارد. آنجا که می فرماید: ... و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم و...

«او را نه کشتند و نه به صلیب کشیدند، بلکه کسی را شبیه او گرفتند.»^۳

اما به هر حال از آنجا که حضرت عیسی علیه السلام پیامبر خدا و یکی از انبیایی هستند که اسلام نیز ایشان را صاحب شأن و احترام زیادی دانسته و به نبوت ایشان قائل است، لذا جسارت به این پیامبر عزیز جسارت به اسلام تلقی می گردد. و از نظر اسلام قابل قبول نیست.

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی فصل کتاب شیطان بخش آتش باب ۱ آیات ۱ الی ۱۰

۲- کتاب مقدس شیطان پرستی فصل کتاب شیطان بخش آتش باب ۲ آیه ۱

۳- قرآن کریم، سوره نساء آیه ۱۵۷

بخش آخر کتاب شیطان پرستی بخش کلیدهای نوزده گانه است. که به عنوان نمونه دو مورد را ذکر می کنیم.

کلید چهارم

«... برخیزید، شما فرزندان لذت هستید. و زمین را بنگرید. من خدا هستم. خدای شما که زندگی ابدی برای من است. به نام شیطان حرکت کنید و منجی خوش منظر خود را نشان دهید. که او را ستایش می کنید»

کلید نهم

«نگهبان نیرومند آتش با شمشیر دولبه که آتش از آن زبانه می کشد و غرب را در چنگال خود دارد، به همراه وزیرانش بر روی زمین ایستاده است. و خزائن زمین را در اختیار دارد. و با چشمانی حدقه شده، مانند دریا خون از دهانشان جاریست. و مغز آنها چون سنگ مرممر سفت شده است.

خوشحال است و چهره درهم نکشیده است. می دانی چرا؟ چون خداوند عدالت (شیطان) از آنها راضی و خوشنود است. او قدم در راه می گذارد و شما اجازه دارید با او احساس راحتی و آرامش کنید.»

«خداوند عدالت!!!»، قضاوت را به خودتان واگذار می کنیم.

چگونه می توان شیطان را خداوند عدالت نامید؟!

مقایسه دعاهای ادیان با شیطان پرستی

در این بخش قصد داریم یک مقایسه گذرا در باب دعاها داشته باشیم.

البته شاید این مقایسه درست نباشد. ولی چاره ای نیست، جز اینکه برای بیان حقیقت، گاهی کلام حق در کنار کلام کفر قرار گرفته و مقایسه شود. چه اینکه خداوند بندگان خود را اینگونه معرفی می نماید. قرآن در این باره می فرماید:

الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب «کسانی که سخنان را بشنوند و از نیکوترین آنها تبعیت می کنند. آنها کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت کرده و آنان صاحبان عقل و خرد هستند»^۱.

۱- قرآن کریم، سوره زمر آیه ۱۸

بنابراین امیدواریم که این مقایسه خود سبب ارج نهادن به کلام الهی شود. و صاحبان خرد و درایت با مطالعه و مقایسه این دعاها حقیقت را دریابند.

چه اینکه قرآن می فرماید: لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَىِّ «هیچ اجباری در پذیرفتن دین نیست. حقیقتاً هدایت از گمراهی آشکار است.»^۱

اینک پیش از هر چیز نمونه هایی از دعاهاى کتاب مقدس شیطان پرستی و سپس نمونه هایی از تورات و انجیل را می آوریم. و آنگاه در مقایسه با کلام الهی ملاحظه خواهید فرمود که چه تفاوتی میان لفظ دعای الهی و دعای شیطان پرستی وجود دارد.

دعاهاى شیطنیسم

«به نام شیطان. ای فرمانروای زمین، ای پادشاه جهان، من گردن می نهم نیرویی از تاریکی را که امانت گذارده فرمانروای دوزخی بر روی دوش من. باز کن پهنای دروازه های جهنم را. و برسان اکنون، از عمق وجودم سلامم را به برادرت (خواهرت) و دوستت.

بخش مرا به خاطر سخنان زیادم که از همه جا گفته ام. من تحیر دارم از نام تو. چون که بخشی از خود من است. من زندگی می کنم همانند چهارپایان در مزرعه و شاد هستم از این زندگی حیوانی و شهوانی. من طرفدار عدالتم و نفرین می فرستم بر پوسیدگی.

۱- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۲۵۶

کنار تمام خدایان درون چاه؛ من گردن می نهم چیزهایی را که باید بگویم رخ خواهد داد.

بیرون بیا و به نام خودت به این نامه و خواسته های من جواب

بده» ۱.

«پیش بفرست پیامبر شهوت و لذت را و بگذار زشتی ها در تاریکی من جلوه گر شوند، تا بتوانم آنها را انجام دهم.

اکنون می خواهم، نشانه های خود را جمع آوری کنم و تصویری از آفرینش بکشم. ازدهای بالدار منتظر رهایی است».

لاوی دعا را تا اینجا ادامه می دهد که مرد و زن هر کدام باید جملات مخصوص خود را بگویند. که متأسفانه با توجه به مستهجن بودن مضامین دعا، آن را وا می گذاریم. ۲.

در یکی دیگر از نیایشهای کتاب شیطان پرستی در برابر شیطان، می توان به این مورد اشاره کرد.

«با برآشفنگی از خشم و اضطراب ناشی از سکوت، فریادم را بلند می کنم. که بیچند همچون صاعقه در آسمان، تا همگان بشنوند؛ ای پنهان شده در تاریکی، ای نگهبان جاده ها، ای کسی که نیروی تو همه جا ظاهر می گردد، آماده کن برای لطف خود، ارادتمند خود را. کسی را که اعتقاد به تو دارد و دچار عذاب شده است.

جدا کن او را برای خودت و حفاظت نما او را. نه به خاطر بسی لیاقتیش، و مضطرب نساز او را. کمک کن او را در میان آتش و آب و

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی، بخش نیایش با شیطان

۲- کتاب مقدس شیطان پرستی، نیایش برای درخواست شهوت

زمین و باد، تا دوباره گمشده اش را باز یابد. قوی کن با آتش، استخوانهای ما را برای دوستی و همراهی خود. و در جاده های تنگ یاورمان باش. اجازه بده از میان نیروهای شیطانی که در زمین از آن توست، هم اکنون لذت آن را دریابیم. و اجازه بده لذت آن را در آینده نیز بچشیم. نیروی خود را به ما برگردان تا لذت بی پایان حکومت بر آنچه هست را بچشیم.»

در اینجا لاوی از طرف خود ادامه می دهد:

«این است پیام ما. به نام شیطان. این لطف شامل کسی می شود که حکومت شیطان را بر خود بپذیرد. پس باید نام شیطان را بر خود قرار داده. و در رگ و گوشت خود جریان دهد، تا در زمین برای ابد زندگی کند، زیستنی جاوید. درود بر شیطان» ۱.

دعاهای یهودیت

«ای خدای عادل من، وقتی نزد تو فریاد بر می آورم، مرا اجابت فرما. زمانی که در سختی و تنگنا بودم تو به داد من رسیدی، پس اکنون نیز بر من رحم فرموده، دعایم را اجابت فرما.» ۲

«ای خداوند عادل، راه خود را به من نشان ده و مرا هدایت نما تا دشمنانم نتوانند بر من چیره شوند. دهان ایشان لبریز از دروغ است و دلشان مملو از شرارت.»

۱- کتاب مقدس شیطان پرستی، نیاپش برای درخواست لطف و شفقت شیطان

۲- تورات، کتاب مزامیر باب ۴ آیه ۱

حرفهایشان پر از تملق و فریب است و به مرگ منتهی می شود. ای خدا، تو آنها را محکوم کن و بگذار خود در دامهایشان گرفتار شوند!»^۱

«ای خدا، تو مرا می بینی. تو رنج و غم مردم را می بینی و به داد آنها می رسی. تو امید بیچارگان و مددکار یتیمان هستی. دست این بدکاران را بشکن. آنها را به سزای اعمالشان برسان و به ظلم آنها پایان بده.»^۲

«ای خداوند، این تو بودی که مرا از رحم مادرم بدنیا آوردی. وقتی هنوز در آغوش مادرم بودم، تو از من مراقبت نمودی. از شکم مادرم، تو خدای من بوده ای. و مرا حفظ کرده ای. اکنون نیز مرا ترک مکن، زیرا خطر در کمین است و غیر از تو کسی نیست که به داد من برسد.

دشمنانم مانند شیر مرا محاصره کرده اند. همچون شیران درنده دهان خود را باز کرده اند تا مرا بدرند. نیرویی در من نمانده است. تمام بندهای استخوانهایم از هم جدا شده اند.

دلم مانند موم آب می شود. گلویم همچون ظرف گلی خشک شده و زبانم به کامم چسبیده.

دشمنانم مانند سگ، دور مرا گرفته اند. مردم بدکار و شرور مرا احاطه نموده اند. دستها و پاهای مرا سوراخ کرده اند. از فرط لاغری تمام استخوانهایم دیده می شوند؛ بدکاران بر من چیره شده اند. رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه انداختند.

ای خداوند، از من دور شو؛ ای قوت من، به یاری من بشتاب. جانم

۱- تورات، کتاب مزامیر باب ۵ آیات ۸ الی ۱۰

۲- تورات، کتاب مزامیر باب ۱۰ آیات ۱۴ و ۱۵

را از دم شمشیر برهان. جان عزیز مرا از دست بدکاران نجات ده. مرا از دهان این شیران برهان؛ مرا از شاخهای این گاوان وحشی نجات ده!۱

دعاهای مسیحیت:

«ای پدر ما که در آسمانی، نام مقدس تو گرامی باد.
ملکوت تو برقرار گردد. خواست تو آنچنان که در آسمان مورد
اجراست، بر زمین نیز اجرا شود.

نان روزانه ما را امروز نیز به ما ارزانی دار. خطاهای ما را بیامرز،
چنانکه ما نیز آنان را که با ما بدی کرده اند، می بخشیم.

ما را از وسوسه ها دور نگه دار و از شیطان حفظ فرما؛ زیرا ملکوت
و قدرت و جلال تا ابد از آن توست. آمین»۲

«اعتراف می کنم به تو ای پروردگار یکتای ما، که نه تو را آغاز و نه
تو را انجام است. زیرا که تو به رحمت خود به همه چیز آغاز دادی و
زود باشد که بعدل خود همه را نیز انجामी دهی. میان بشر همتایی نداری.
زیرا که بجز خود دستخوش حرکت و عوارض نیستی. بما رحم کن،
چون تو ما را آفریده ای و ما ساخته شده دست توایم.»۳

«ای پروردگار توانای مهربان، که ما بندگان را به رحمت خود
آفریده ای، و به ما رتبه بشریت و آئین پیغمبر حقیقی خود را مرحمت
نموده ای، همانا تو را شکر می کنیم بر تمام انعامهایت. و دوست داریم

۱- تورات، کتاب مزامیر باب ۲۲ آیات ۹ الی ۲۱

۲- انجیل متی باب ۷ آیات ۹ الی ۱۳

۳- انجیل برنابا فصل ۸۳ آیات ۲۷ الی ۳۱

که عبادت کنیم تو را در تمام روزهای زندگی مان ... پس ای پرودگار، ما را از شر شیطان و گرایش جسم و آرایش جهان نجات بده. چنانکه برگزیده خود را نجات داده ای.»^۱

دعاها در اسلام

آیا دعاهای صحیفه سجادیه را در ابتدای همین کتاب به خاطر دارید؟ که امام سجاد علیه السلام، چه زیبا با خداوند صحبت فرموده بودند. به راستی کدام یک از دعاهای مذکور حتی از لحاظ ادبی ارزش دعاهای صحیفه را دارد. حال قیاس کنید با ادعیه قرآن که دیگر شاهکار کلام، در تمام تاریخ خلقت است.

در این مبحث، ابتدا به فرازهایی از دعاهای ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرده و سپس دعاهای قرآن را یادآور می شویم. تا عمق کلام خداوند مشخص گردد. تا بر همگان مبرهن گردد که چه تفاوتی میان کلام خداوند و در ذیل آن کلام ائمه معصومین علیهم السلام، با سایر دعاها وجود دارد!

هر چند قیاس در این باره دور از انصاف است. و نمی توان کلام پوچ شیطان پرستان را در کنار کلام خداوند عالم قرار داد، اما چاره ای نیست. و پیشاپیش از محضر مقدس ائمه معصومین علیهم السلام عذر خواهی نموده و به خداوند تبارک و تعالی عرضه می داریم که، «خداوندا آنچه را که خود می دانی انجام داده و قصد جسارت به کلام قدسی

۱- انجیل برنابا فصل ۱۲۲ آیات ۱۶ الی ۲۶

حضرتت را نداریم.»

حال به دعاها توجه فرمایید.

«بارخدایا بیامرزش از من گناھانی را که پرده ها را می درند. خداوندایا بیامرزش از من گناھانی را که بدبختیها را فرو می فرستند. خدایا بیامرزش از من گناھانی را که نعمتها را تغییر می دهند ... خدایا جز تو آمرزنده ای را برای گناھانم و پوشاننده ای برای زشتیهایم نمی یابم ...

پاک و منزهی تو و به ستایش تو مشغولم. به خودم ظلم کرده ام و بی پروایی کرده ام به واسطه نادانیم ... پروردگارا به ضعف بدنم و نازکی پوستم و باریکی استخوانم، رحم کن. آیا باور کنم که تو مرا عذاب کنی بعد از اعتقاد به یگانگی. و بعد از اینکه در دل نهادم معرفت تو را. و بعد از اینکه زبانم به ذکر تو گویا بوده است ...

ای معبود من، و ای پروردگار و آقای و ای سرور من، برای کدام مورد به تو شکوه کنم. و برای کدام یک از آنها شیون و گریه کنم؟ برای دردمندی عذاب و سختی اش، یا برای طولانی بودن عذاب و مدتش، و ای که اگر مرا هم ردیف دشمنانت در عقوبتها قرار دهی و با اهل بلایت جمع نمایی و بین من و دوستانت جدایی افکنی.

خدایا و ای سرور و مولای من و ای پروردگارم، گیرم که بر عذاب تو صبر کنم، چگونه بر دوری تو صبر کنم. و گیرم که بر حرارت آتش عذابت صبر کنم، چگونه بر چشم پوشی از کرامت تو صبر کنم...»
«خداوندایا مرا طوری قرار بده که از هیبت تو هراسناک باشم، گو اینکه تو را می بینم. و خوشبختم کن به تقوای خودت. و بدبختم مگردان

بسبب معصیت. و برایم از تقدیر خودت خیر قرار بده. و به قدر خود برکت ده ... خدایا بی نیازیم را در وجودم و یقین را در قلبم و اخلاص را در عملم و نور را در چشمم و بینایی را در دینم قرار بده و مرا از توانایی خودم بهره مندم نما.

خداوندا تو نزدیک هر کسی هستی که تو را بخواند. و زودتر اجابت می کنی. و کریمترین کسی هستی که می بخشد. و وسیعتر از هر کس دیگری عطا می کنی. و شنونده ترین هستی برای کسی که درخواست می کند. ای بخشاینده در دنیا و آخرت و مهربان در هر دو...»^۱
اینک به دعاهای قرآن توجه فرمائید، که چه زیبا بر کرانه دل آدمی می نشیند.

«پروردگارا همانا هر که را به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای. و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.

پروردگارا ما صدای منادی تو را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد، «به پروردگار خود ایمان بیاورید» و ما ایمان آوردیم. پروردگارا گناهان ما را ببخش و بدیهای ما را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران.

پروردگارا آنچه را بوسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان. زیرا تو هیچگاه از وعده خود تخلف نمی کنی.»^۲

«... خداوندا، این شهر (مکه) را مکان امنی قرار ده. و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار.

۱- مفاتیح الجنان، دعای عرفه امام حسین علیه السلام

۲- قرآن کریم، سوره آل عمران آیات ۱۹۲ الی ۱۹۴

پروردگارا آنها (بتها) بسیاری از مردم را گمراه ساخته اند. هر کس از من پیروی کند از من است و هر کس نا فرمانی من کند، تو بخششده و مهربانی.

پروردگارا، تو می دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می کنیم. و چیزی در زمین و آسمان بر خداوند پوشیده نیست.

پروردگارا مرا و فرزندانم را از بر پا کنندگان نماز قرار ده و دعای مرا بپذیر.

پروردگارا، من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب بر پا می شود بیامرز.۱»

نیازی به تفسیر نیست. خودتان قضاوت کنید و تفاوت را دریابید، که چگونه دعا‌های اسلام فراگیر بوده و تمام جوانب زندگی را شامل می شود. و چه روحی بر آنها حاکم است.

۱- قرآن کریم، سوره ابراهیم آیات ۳۵ الی ۴۱

علائم و نمادهای شیطان پرستی



کرانادو (دست شیطان)

از دیگر نمادهای شیطان پرستی نماد «کرانادو» (دست خفاش) یا دست شیطان است.

در این نماد، همانطور که در تصویر مشهود است، انگشت کوچک و انگشت نشانه باز بوده و سایر انگشتان به ترتیب خاصی بسته یا باز می باشند. البته بسته به نوع برخی از فرق و آئین های شیطانی، نماد ها تغییر می کنند که در تصاویر به وضوح آشکار است.

این نماد که تداعی کننده «پیتناگرام» می باشد، مانند احترام نظامیان و یا سایر علائم دستی است. برای ابراز شادی، احترام، سلام، خداحافظی و... از این علامت استفاده می شود.



پنتاگرام (ستاره پنج پر وارونه)

این علامت در واقع نماد اصلی شیطان پرستی است. ستاره پنج پر یا پنتاگرام یکی از ماندگارترین سمبل ها در طول تاریخ بشر می باشد. این نماد در فرهنگها و تمدن های باستانی از جمله مایاهای آمریکای لاتین، هند، چین، مصر و یونان از مهمترین و پرمعناترین علامتها بوده است. پنتاگرام های ابتدایی بر روی دیوارهای غارها در عصر حجر کنده کاری شده بودند. و در نقاشی های مردم بابل به عنوان الگوی ترسیم سیاره ونوس به چشم می خورد.

پنتاگرام، امروزه از نشانه های شیطان پرستی است. این نماد بسیار شبیه علامت ماسون ها و فراماسونها می باشد. و حکایت از جهان وارونه می کند.

پنتاگرام یک ستاره پنج پر با سر بز است. و این نوع استفاده از پنتاگرام در شیطان پرستی نوین متداول است. در واقع پنتاگرام وارونه نماد شیطان پرستی مدرن است که توسط «آنتوان لای» مؤسس کلیسای شیطان طراحی شده و نشانی از جادوی سیاه است که به معنای پیروزی انسان بر معنویات و خداست.



علامت ۶۶۶

از جمله علائم شیطان پرستی که بسیار هم مورد استفاده قرار می گیرد، علامت ۶۶۶ است. این عدد در غرب بسیار مشهور است و آن را مخصوص شیطان می دانند. البته این تفکر ریشه در انجیل دارد، که در این باره می گوید:

«... و هیچ کس نمی توانست شغلی بدست آورد تا چیزی بخرد. مگر اینکه علامت مخصوص این جانور، یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد. این خود معمایی است و هر که باهوش باشد می تواند عدد جانور را محاسبه کند. این عدد اسم یک انسان است و مقدار عددی حروف اسم او به ۶۶۶ می رسد»^۱.

علاقه خاص شیطان پرستان به این نماد که در همه جای مراسمات و کنسرتها و حتی بر روی جواهر آلات وجود دارد، حکایت از اهمیت آن می کند.

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۷-۱۸

هر جا که شیطان پرستان حضور داشته باشند، محال است که تصویری از نماد ۶۶۶ وجود نداشته باشد. این نماد را می توان به صورت منقوش بر دیوارها و تابلوهای سطح شهرها به راحتی مشاهده کرد. نمونه هایی از این علامت بر دیوار های شهر تهران نیز، زنگ خطری برای جامعه ماست. هر چند که عده ای آن را فقط نوعی تقلید می دانند و اهمیتی برای آنچه در حال وقوع است قائل نیستند!!!

اما بنا بر وظیفه

گر چه دانی که نشنوند بگو آنچه از نیک خواهی و پند
زود باشد که خیره سر بینی به دو پای اوفتاده اندر بند
می زند دست بر دست که دریغ، نشنیدم حیث دانشمند



نماد جمجمه

یکی دیگر از علائم شیطان پرستی نماد جمجمه و گرز است. این نماد که بیشتر مورد استفاده گروه متالیکا قرار می گیرد، خشونت ذاتی و هدف اصلی گروههای شیطان پرستی را آشکار می سازد. نوع نگارش کلمه متالیکا هم اضطراب زا بوده و بیانگر پلیدی و اصالت شیطانی آن است.

هر چند در سالهای اخیر، این گروه (متالیکا) سعی در تلطیف چهره خود داشته و با اجرای کنسرتهای مختلف جهت امور خیریه، بنا دارد خود را از سایر گروههای شیطان پرستی جدا کرده و خود را بریده از دنیا نشان دهد.

ولی نباید فراموش کنیم که، شیطان از هر مسیری وارد می شود. و خود را وارد زندگی انسانها می کند. اگر از طریق اعمالِ خشونت نشد، از طریق تلطیفِ چهره وارد می شود.

نماد های شیطان در فیلمها



درباره بحث فیلمهای شیطان پرستی در بخش بعد خواهیم نگاشت. اما توجه به طور ضمنی نماد های شیطان در فیلمها را مورد توجه قرار می دهیم. برخی از این نمادها، شیطان را شخصیت مثبت معرفی کرده و برخی نیز او را منفی جلوه می دهند. ولی آنچه در تمام موارد مشترک است،

هیبت و وحشتناک اوست. یعنی اینکه باید از شیطان ترسید.

القاء ترس از لوازم اصلی شیطان برای سیطره بر انسان است. زیرا اکثر مردم برای اینکه دچار ترس نشوند، از مقابل آن می گریزند. لذا برای فرار از شیطان فکر مقابله با او را هم نمی کنند.

مگر شیطان چه می خواهد؟ آیا جز این است که کسی با او مقابله

نکند؟!

برج شیطان (اوبلیسک)

یکی از نمادهای شیطان پرستی که در تمامی کشور های دنیا نمونه ای

از آن را می بینیم، برج شیطان یا همان «اوبلیسک» است. این برج از نظر ظاهر، دقیقاً همان جمره می باشد، که حجاج در مراسم حج به آن سنگ می زنند. با این تفاوت که ارتفاع اوبلیسک حدوداً به ۱۵ تا ۳۰ متر می رسد. و بسیار بلندتر و کشیده تر می باشد.

متأسفانه غفلت ادیان و حتی مردمان در جوامع مختلف باعث شده، این برج به برخی مراکز دینی نیز نفوذ کرده و به احتزاز در آید.



در تصویر فوق (سمت چپ)، کلیسای مرکزی کاتولیکها در واتیکان در کنار جمره (که مسلمانان در مراسم حج به آن سنگ می زنند) مشهود است. که صلیب کلیسا بر روی اوبلیسک نصب شده است. ناگفته نماند که فعالیت کلیسای واتیکان بر علیه شیطان بسیار زیاد است. اما...



در صفحه بعد، برخی از نمونه های این برج در کشورهای مختلف نشان داده شده است. آیا جای سوال ندارد که، چرا باید در تمامی کشورهای دنیا نمونه این برج وجود داشته باشد؟ یا اینکه آیا باز هم باید خود را به غفلت بزنیم و

اوبلیسک واشنگتن در مقابل کاخ سفید

بگوئیم این هم تصادفی است؟!



اوبلیسک استانبول ترکیه

اوبلیسک میدان مرکزی شهر

اوبلیسک پاریس



مجتمع فرهنگی رازی در تهران



اوبلیسک برزیل

شواهد بسیاری از فعالیت شیطان پرستان در ایران وجود دارد، که نمونه برج اُلیسک در کشور ما هم وجود دارد. متأسفانه غفلت مسئولان فرهنگی کشور در گذشته، باعث شده است، شیطان پرستان به راحتی در کشور فعالیت کنند.

نا گفته نماند که این برج با عنوان فانوس دریایی ساخته شده و ما هم قصد نداریم بگوییم که نیت خاص شیطان پرستی در ساخت آن دخیل بوده است. اما نکته مورد تأمل این است که چرا باید نمادی که در تمام دنیا، شیطان پرستی را تداعی می کند، بدون توجه به جوانب قضیه در

کشور اسلامی ایران ساخته شود؟!.

علاوه بر برجهای شیطان، مجسمه هایی که برای شیطان و موجودات شیطانی، در دنیای مدرن غرب امروز ساخته می شوند، هم قابل توجه است. سؤالی که اذهان را به خود مشغول می کند این است که، چرا باید مجسمه موجودات شیطانی ساخته شود؟



امثال این مجسمه ها که کم هم نیستند، در بسیاری از شهرهای کشورهای جهان دیده می شوند!.

صلیب وارونه



این نماد، نماد جنبش «ضد مسیح» و نشانی از طغیان و سرکشی در برابر فرهنگ مسیحیت می باشد.

صلیب شکسته حکایت از وارونه شدن اعتقادات مسیحیت دارد. و عمدتاً برای به سخره

گرفتن این دین است. صلیب وارونه در جواهر و زیور آلات شیطان پرستان بسیار مشاهده می شود، که حکایت از روح تمرد و تنفر از مسیحیت می کند. خواننده های راک عموماً از انواع مختلف آن را استفاده می کنند و به همراه خود دارند.

نماد آنخ



این نماد به انگلیسی Ankh نوشته می شود و سمبل شهوت رانی و باروری است. این نماد به معنای روح شهوت زنانگی نیز تعبیر می شود. امروزه نماد فمینیسم در واقع یک نماد برداشت شده دقیقاً از سمبل شیطانی است.

نماد صلیب شکسته یا چرخ خورشید



چرخ خورشید یک نماد باستانی است که در برخی فرهنگ های دینی همچون کتیبه های بر جای مانده از بودایی ها و مقبره های سلتی و

یونانی دیده شده است. لازم به توضیح است که علامت صلیب شکسته سال ها بعد توسط هیتلر به کار رفت. لیکن برخی برای به سخره گرفتن مسیحیت این سمبل را وارد شیطان پرستی کردند.

هرج و مرج



نماد آنارشیسیم. این نماد به معنای از بین بردن تمامی قوانین است. و این مفهوم را می رساند که همه چیز باید تخریب شود. یک شیطان پرست هرگز هیچ قانونی را بر نمی تابد. این نماد عمدتاً مورد استفاده گروه های هوی متال است.

نماد یین یانگ



این نماد از نماد های بسیار مشهور است. که سرگذشتی مشابه پنتاگرام دارد. به این صورت که این نماد یکی از نماد های کهن در چین باستان بوده است و در بسیاری از گروه های مذهبی حتی گروه های ورزش های رزمی کاربرد داشته است. و نماد تعادل و نیروی زندگی و نشاط است. اما در فرقه شیطان پرستی معنایی کاملاً متضاد دارد. به این مفهوم که نمادی از عدد ۶۹ بوده که در مسائل جنسی از آن بهره می برند. متأسفانه به خاطر شنیع بودن کاربرد این نماد در شیطان پرستی، از توضیح بیشتر در این زمینه خودداری می گردد.



عده ای از کسانی که غافل از امور جاری در جوامع هستند، و تغافل و تجاهل را مشی خود در زندگی قرار داده اند، بر این باورند که شیطان پرستی فقط یک اصطلاح است. و شیطان پرستان، شیطان را پرستش نمی کنند.

علاوه بر دو نماد مشهور شیطان پرستی که در تصویر فوق مشهود است (پنتاگرام و صلیب وارونه)، یکی از شعارهای شیطان پرستی نیز به چشم می خورد. جمله ای که به راحتی نمی توان از کنار آن گذشت. و این خود هشداری جدی برای خانواده هاست. و مراقبت بیشتر والدین از فرزندان خود را می طلبد. چرا که از کنار نقشه شوم شیطان برای فریب کودکان از جانب شیطان پرستان و تفکر آنان را بیان می کند.

Teach children to worship Satan (به کودکان خود

پرستش شیطان را آموزش دهید).

آیا باز هم می توانیم بگوئیم که آنها خدا را می پرستند. و شیطان پرستی فقط یک مکتب اعتراضی، نسبت به وضعیت حاکم بر جوامع است. به خودتان پاسخ دهید!!!

دام‌های فریب شیطان

در این بخش علاوه بر تکمیل بخشهایی از موضوعات گذشته بر آنیم تا شیطان پرستی را از منظر دیگری مورد دقت قرار دهیم. که عبارت است از دامهای فریب شیطان.

بنا بر تحقیقات انجام شده توسط محققین، چه در داخل و چه در خارج از حوزه مباحث اسلامی، دامهای فریب شیطان بسیار متنوع است. البته قصد نداریم موضوعات را در غالب برخی کتب که مشی داستانی را در پیش گرفته اند، مطرح کنیم. بلکه می خواهیم موارد را به طور ملموس و با مصادیق عینی جوامع امروز بشری بیان کرده تا شاید از ورود به ورطه هلاکت و ضلالت بر حذر بوده و راه مناسب را برای مقابله با آنها پی بگیریم.

برای ورود به بحث این روایت حضرت رضا (ع) می تواند ما را با اهمیت مسئله آشنا نماید که فرمودند:

من اصغی الی ناطق فقد عبد». فان كان الناطق عن الله، فقد عبد الله، و ان كان الناطق عن ابليس فقد عبد ابليس

«هر کس گوش دل به گوینده ای بسپارد، مسلماً او را پرستش کرده است. پس اگر گوینده از قول خدا سخن گوید، شنونده قطعاً خدا را پرستش کرده؛ و اگر گوینده از قول ابليس سخن گوید، شنونده مسلماً ابليس را پرستش کرده است»^۱.

آیا تا کنون به این نکته توجه کرده اید که گوش دل به چه کسی سپرده و تمام وجود خود را تحت تسخیر چه کسی یا چه چیزی در آورده اید؟

ناگفته پیداست که دامها، ابزار و ادوات شیطان برای غلبه بر انسان، بسیار متنوع و متعدد است. که از جمله آنها می توان به موسیقی - فیلم - آداب و رسوم خرافی و غیره اشاره کرد. که البته در جای خود به آنها خواهیم پرداخت. اما پر واضح است که برخی از این ابزار، بیشتر مورد سوء استفاده قرار گرفته و اکثریت انسانها نیز خواسته یا ناخواسته، به آن ابزار گرایش و رغبت داشته و زمینه مناسب و مساعد برای فعالیت شیطان در درون انسان را فراهم می سازند. اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که، قدرت شیطان را بشناسیم و با دید باز به مقابله با آن برخیزیم.

در اینجا باید به نکاتی چند توجه کرد. چرا که مطالعه بدون دقت این مجموعه، ممکن است این شبهه را در ذهن بوجود آورد که انسان در

مقابل شیطان کاملاً خلع سلاح بوده و قدرتی برای مقابله با او ندارد. پس باید با دقت مطالعه نموده و به ذهن سپرد.

يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالاً طيباً و لا تتبعوا خطوات الشيطان
انه لكم عدو مبين ۱

«ای مردم، از آن چیزهای حلال و پاکیزه که در زمین است بخورید و پای به جای پای شیطان مگذارید که دشمن آشکار شماست.»
غلبه بر شیطان امکان پذیر است. پس در قدم نخست باید استراتژی حمله را به جای دفاع برگزینیم. و باید بدانیم که:

۱- شیطان دروغگوست و فریب کار. پس مورد اعتماد نیست. قرآن کریم در این باره می فرماید: كمثل الشيطان اذ قال للانسان اكفر فلما كفر قال انى برى منك انى اخاف الله رب العالمين ۲

«مانند شیطان آن زمان که به انسان گفت: کافر شو به خداوند. پس زمانی که انسان کفر ورزید، (به انسان) گفت: من از تو دور هستم. (زیرا) من از پروردگار عالم می ترسم.»

و نیز می فرماید: و قال الشيطان لما قضي الامر ان الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فاخلفتكم و ما كان لى عليكم من سلطان الا ان دعوتكم فاستجبتم لى فلا تلومونى و لوموا انفسكم ما انا بمصرخكم و اتمم بمصرخى انى كفرت بما اشركنمون من قبل ان الظالمين لهم عذاب اليم ۳

۱- سوره بقره آیه ۱۶۸

۲- سوره حشر آیه ۱۶

۳- سوره ابراهیم آیه ۲۲

«و هنگامی که حکم به پایان رسید (اهل دورخ و بهشت جدا شدند) شیطان گفت: همانا خداوند شما را به حق دعوت کرد و من شما را به خلاف و دروغ. و من در مورد شما هیچ اختیاری ندارم. جز اینکه شما را دعوت کردم و شما نیز اجابت کردید. پس مرا ملامت نکنید، بلکه خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما نیز فریادرس من نخواهید بود. من به شرکی که شما ورزیدید اعتقاد ندارم. همانا برای ستمکاران عذابی دردناک است.»

حتی انجیل نیز به این مسئله اشاره کرده و در این باره می گوید:
«...او از آغاز قاتل بود و از حقیقت نفرت داشت، زیرا هیچ حقیقتی در وجود او نیست. هرگاه دروغ می گوید، از ذات خود می گوید چرا که او دروغگو و پدر همه دروغهاست.»^۱

۲- شیطان ضعیف است. پس شکست پذیر است. خداوند در این باره می فرماید: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا
«آنان که ایمان آورده اند، در راه خدا می جنگند، و آنان که کافر شده اند در راه شیطان. پس با هواداران شیطان قتال کنید که مکر شیطان ناچیز است.»

۳- قدرت شیطان در غوغا سالاری است. پس نباید مرعوب او شد.
إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۳

۱- انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۴۴

۲- سوره نساء آیه ۷۶

۳- سوره آل عمران آیه ۱۷۵

«آن شیطان است که در دل دوستان خود بیم می افکند. اگر ایمان آورده اید از آنها مترسید، از من بترسید.»

۴- شیطان فقط ادعای قدرتمندی دارد. ولی در حقیقت بسیار حقیر و ذلیل است. چرا که قدرت او در وعده های دروغ و فریب است. پس نباید برای او احترامی قائل بود. *يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۱*

«به آنها وعده می دهد و به آرزویشان می افکند و شیطان آنان را جز به فریب وعده ندهد.

۵- با اذکار و توکل و ایمان، حتی در حد بسیار متوسط هم می توان او را منکوب کرد. پس اطمینان به پیروزی داشته باشیم. *وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۰ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۲*

«و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه ای پدید آمد به خدا پناه ببر، زیرا او شنوا و داناست. کسانی که پرهیزگاری می کنند چون از شیطان وسوسه ای به آنها برسد، خدا را یاد می کنند، و در دم بصیرت یابند.

البته نمی خواهیم دشمن را ضعیف تصور کنیم. ولی در این بین نباید قدرت خود و قدرت ایمان را نادیده گرفته و از توانایی های خود غافل باشیم. زیرا شیطان همین را از ما می خواهد.

۶- شیطان همان است که مجبور به سجده در برابر انسان بود. پس نباید در برابر او سجده کرد. *قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ*

۱- سوره نساء آیه ۱۲۰

۲- سوره اعراف آیات ۲۰۰ و ۲۰۱

بِئِدَىٰ اَسْتَكْبَرَتْ اُمُّ كُنْتِ مِنَ الْعَالِيْنَ ۱

«گفت: ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من با دو دست خود آفریده‌ام منع کرد؟ آیا فخر فروختی یا مقامی ارجمند داشتی؟»

۷- شیطان همان است که از درگه خداوند رانده شد، ولی انسان به

درگاه حق دعوت شد. قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَحِيْمٌ ۲

«گفت: از اینجا بیرون شو که تو مطرودی.»

آری شیطان همان است که لیاقت بندگی در درگاه خداوند را از دست داد و دیگر اجازه بندگی در حضور احدیت را ندارد. ولی انسان در هر حالت می‌تواند خداوند را عبادت کند. حتی اگر باز راه گناه را پیمود، بازگشت برای او میسر است.

و به این دلیل است که دشمنی انسان در دل شیطان جای گرفته و قصد دارد انسان را مقهور ساخته و به ذلت بکشاند. و چقدر مسرور است از اینکه می‌بیند، بهتر از خودش بر او سجده کرده، او را می‌ستاید.

۱- سوره ص آیه ۷۵

۲- سوره ص آیه ۷۷

ابزار شیطان برای غلبه بر انسان

این دروغگوی بزرگ عالم خلقت، از هر ابزاری برای فریب انسان استفاده می کند.

موسیقی - فیلم - کتاب - رمان - جادوگری - زیبایی - وسوسه

...و

هر چند که برخی از موارد خودبخود فاسد نیستند، اما به خاطر حالت خاص ظاهری و باطنی، زمینه آماده ای برای تبدیل شدن به ابزار شیطان، جهت فریب انسان را دارند.

عقل سلیم به انسان حکم می کند که در جنگ، نباید بدون سلاح وارد میدان شد. و نباید در مقابل دشمن سپر انداخته و خود را کاملاً در اختیار دشمن قرار داد.

حال با این مقدمه به توضیح برخی موضوعات فوق می پردازیم.

موسیقی

در این بخش قصد داریم به یکی از پیچیده ترین مقولات عالم خلقت بپردازیم. ابزاری که شیطان از آن برای فریب انسانها استفاده می کند. آری موسیقی. همان که اگر به سادگی از آن عبور کنیم، اندکی بعد زخمهایی را در خود می بینیم که بر تن و روح ما نشسته اند. حال آنکه خود از آن ها بی خبر بوده ایم.

موسیقی همانطور که از نامش پیداست از واژه یونانی muse به معنای روح گرفته شده است. لذا ارتباط موسیقی با روح آدمی غیر قابل انکار است. استفاده شیطان از موسیقی و فریب به وسیله آن (به خاطر خصوصیتی که دارد) به راحتی قابل شناسایی نیست. زیرا موسیقی علاوه بر خصوصیات ظاهری، خصوصیتی در درون نیز دارد، که تشخیص آن از عهده هر کسی بر نمی آید. و حتی برخی از کارشناسان را نیز گمراه کرده و فریب می دهد. لذا باید بسیار خبره بود تا بتوان اثرات منفی

موسیقی را، تشخیص داد.

موسیقی به خاطر ساختاری که دارد و همچنین به دلیل اثرات بسیار زیادی که در روح انسان از خود به جا می گذارد، به یکی از کارآمدترین ابزار برای فریب انسان تبدیل شده است. البته افراط شیطان در استفاده از این ابزار به حدی زیاد است که هر انسان با تجربه ای می تواند رد پای شیطان را در آن بیابد. ولی متأسفانه بسیاری از انسانها دانسته یا ندانسته به پیروی از شیطان روی آورده و خود را آلت دست او قرار می دهند.

برای درک بهتر این مطلب لازم است به بیان نظرات کارشناسان این صنعت یعنی موسیقی پرداخته، تا خوانندگان گرامی به وضوح با تأثیرات و حقایق عالم موسیقی آشنا گردند. هر چند که عده ای سعی در انکار این حقایق دارند. اما باید توجه داشت که انکار حقایق چیزی از اثرات و ابتلائات آن نمی کاهد. چرا که موسیقی تأثیری شگرف بر روان آدمی دارد و هرگز کسی نمی تواند خود را از تأثیرات موسیقی مبری دانسته و یا اینکه آن را نادیده بگیرد.

موسیقی در نگاه صاحب نظران

«ارسطو» می گوید: «موسیقی قدرت شکل بخشیدن به شخصیت را دارد.»^۱ و «افلاطون» می گوید: «وقتی شکل موسیقی تغییر می کند، اساس قوانین جامعه نیز با آن متحول می شود.»

و باز می گوید: «مردم خود را با حماقتشان فریب می دهند. و فکر می کنند موسیقی دارای تأثیر نمی باشد. و باید در مورد آن تنها بر اساس لذتی که بوجود می آورد قضاوت کرد.

ولی معیار موسیقی، خود آن نیست بلکه معیار، نتایج آن است. و همچون روح قانون شکنی - فریب و آشفتگی است که ممکن است با خود به همراه داشته باشد.»^۲

۱- کتاب سیاست نویسنده ارسطو

۲- کتاب جمهوریت اثر افلاطون کتاب سوم

«ولادیمیر لنین» دیکتاتور سابق شوروی می گوید: «یکی از سریعترین راهها برای نابودی یک جامعه، موسیقی است.»^۱

«شهید مطهری (ره)» می فرماید: «واقعاً موسیقی قدرت عظیم و فوق العاده ای خصوصاً از جهت پاره کردن پرده تقوا و عفت دارد.»^۲

باید به این نکته نیز اشاره کرد، که علی رغم اینکه در بین عموم مشهور است که موسیقی وسیله ای آرامش بخش است، و بسیاری از بیماریها به وسیله آن درمان می شود، واقعیت چیز دیگریست.

دکتر «درچه ای» کارشناس بیماریهای روانی می گوید: «در غرب به این نتیجه رسیده اند که موسیقی علاوه بر اینکه در بهبود بیماریها تأثیر فاحشی ندارد، در برخی موارد زیان آور هم هست. لذا در بیمارستانهای روانی غرب، اوقات بیکاری بیماران صرف کارهای دستی - نقاشی - ... می شود. و آنچه گفته می شود که موسیقی مؤثر است، در هیچ جا ثابت نشده و نتیجه قابل استنادی هم حاصل نشده است. و کلاً در غرب موسیقی از برنامه معالجات روانی حذف شده است.»^۳

دکتر «آدام نستی» درباره موسیقی چنین عقیده دارد: «موسیقی حقیقتاً یک داروی مخدر قوی است و می تواند شما را مسموم کند و نیز می تواند روح شما را به پرواز در بیاورد و یا حتی بدون اینکه بفهمید علت چیست شما را بیمار کند.»^۴

۱- کتاب نوازنده دوره گرد کمونیست، نویسنده دیوید نوبل، چاپ سال ۱۹۷۴م.

۲- کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، صفحه ۷۱-۷۲

۳- نشریه مذهبی نور، شماره ۶

۴- هفته نامه خانواده، چاپ آمریکا، ۳۰ ژانویه ۱۹۸۳م.

آزمایش انجام شده بر روی موشها نیز بیان گر این واقعیت است که، موشها هنگام پخش موسیقی «راک» خیلی دشوارتر می توانند راه خود را در ماریجها پیدا کنند.

«ادی منسون» رئیس جامعه موسیقی نویسان آمریکا در دهه هشتاد قرن بیستم است که می گوید: «ما مردم را همیشه آلت دست خود می سازیم. تمام آهنگسازان فیلمها، تجربیات و استعدادهایشان را به منظور فریب مردم ترکیب می کنند و آن قدرت ماکیاولی را مستقیماً روی مردم بکار می گیرند.»^۱

تحقیقات «دانشگاه استنفورد آمریکا» این مطلب را به اثبات رسانده است که پر قدرت ترین محرک برای حالت شوق مانند در انسان و سایر موجودات زنده موسیقی است.

«دیوید کراوزبی» در یکی از مصاحبه های خود اعلام کرد: «من به وسیله موسیقی خود می توانم معیارهای شنوندگانم را تغییر دهم و آنها را با تربیت والدینشان بیگانه کنم.»^۲

در واقع این مطلب بیان گر این است که می توان با استفاده از موسیقی وجدان انسانها را تغییر داد.

و «جیمی هنریکس» اعلام کرد: «من هر چیزی را با موسیقی بهتر می توانم توضیح دهم. شما می توانید مردم را با موسیقی هیپنوتیزم کنید، تا در موقعیتی که وجدانشان آماده شکل گیری است قرار بگیرند. وقتی شما وجدان آنها بدین شکل فلج می کنید، می توانید هر چیزی را که

۱- هفته نامه خانواده، چاپ آمریکا، ۳۰ ژانویه ۱۹۸۳ م.

۲- کتاب مصاحبه های مجله رولینگ استون، چاپ سال ۱۹۸۱ م.

می خواهید به ضمیر ناخودآگاه آنها انتقال دهید.»^۱

و باز «ادی منسون» می گوید: «موسیقی در همه جا برای شرطی کردن ذهن انسان استفاده می شود. موسیقی می تواند مثل مواد مخدر و یا حتی خیلی بیشتر از آن خطرناک باشد. چون هیچ کس تأثیرات موسیقی را خیلی جدی نمی گیرد.»^۲

بله. هیچ کس تأثیرات موسیقی را خیلی جدی نمی گیرد. و به همین دلیل است که در هر جامعه ای که موسیقی به سبک غرب امروزی جاری و معمول است، فساد- تباهی - جرم و ناهنجاری های اجتماعی شایع تر است. زیرا همه دامان موسیقی را از هر بدی پاک می دانند، در حالی که تمامی واکنشهای بشری متأثر از موسیقی است.

و آن چنان که «دیوید تام» اعتقاد دارد «موسیقی زبان زبانهاست. می توان گفت هیچ چیز دیگر در بین هنرها مانند موسیقی قدرت تأثیر در وجدان را ندارد و آن را تغییر نمی دهد.»^۳

نمونه دیگری که در این باره می توان ذکر کرد این روایت تاریخی است که: «در زمان عبدالملک بن مروان یکی از خلفای بنی امیه که لهو و موسیقی خیلی رایج شده بود، به خلیفه خبر دادند که فلان کس خواننده است و کنیز زیبایی دارد که او هم خواننده است و تمام جوانهای مدینه را فاسد کرده اند، و اگر جلوی او را نگیرید، این زن تمام مدینه را فاسد می کند. خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد انداخته و آنها را به شام

۱- مصاحبه با مجله «لایف» ۳ اکتبر سال ۱۹۶۹

۲- هفته نامه خانواده، چاپ آمریکا، ۳۰ ژانویه ۱۹۸۳ م.

۳- کتاب قدرت پنهان موسیقی، نویسنده دیوید تام

بردند.

وقتی به حضور خلیفه نشستند آن مرد گفت: معلوم نیست آنچه او می خواند موسیقی باشد. و از خلیفه خواست که خودش امتحان کند. خلیفه دستور داد که کنیز بخواند و او شروع به خواندن کرد. کمی که خواند دیدند سر خلیفه تکان می خورد. کم کار به جایی رسید که خود خلیفه شروع کرد به چهار دست و پا راه رفتن و می گفت: بیا جانم بر این مرکب خودت سوار شو!!!! . . .» ۱

بشر برای ترغیب دیگران به جنگ از موسیقی استفاده می کند، برای ابراز شادی موسیقی می نوازد، در غم از دست دادن عزیزان از موسیقی بهره می جوید، برای القاء گناه، این موسیقی است که مددکار شیطان است و بالاخره انسان برای بردگی «شیطان»، از موسیقی تأثیر می پذیرد. با این توضیح مختصر درباره موسیقی و بیان نظرات کارشناسان در این باب، بهتر است به موسیقی انحصاری شیطان یعنی «راک» پرداخته شده و البته در این مقال از موسیقی های همسو با آن یعنی موسیقی «رپ» و «پاپ» نیز گوشه هایی بیان خواهد شد.

اما قبل از هر چیز ذکر این نکته لازم و ضروری می باشد که موسیقی تنها ابزار شیطان برای غلبه بر انسان نیست. اما همانطور که در نظرات کارشناسان خبره موسیقی مشهود بود، این وسیله مؤثرترین آنها بوده و شیطان با این ابزار به بهترین شیوه ممکن عمل کرده، و از آنجایی که انسان در مقابل موسیقی، کاملاً خلع سلاح بوده و راهی برای فرار از

۱- کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری، صفحه ۷۱-۷۲

اثرات آن وجود ندارد، در زمان پخش موسیقی و آنهم از نوع خاص خود که در ادامه مطرح می‌گردد، تسلط شیطان بسیار زیاد بوده و به عبارت دیگر در این هنگام انسان کاملاً در اختیار شیطان قرار می‌گیرد.

از آنجایی که خواستگاه «راک» و موسیقی های امثال آن غرب می‌باشد، فرهنگ غربی در آن بسیار تأثیر گذاشته و آن را مطابق با جو غرب پرورش داده و ارائه نموده است.

غربیان مثلی دارند که مضمون آن این است: «اگر نمی‌توانی از خود در مقابل متجاوز دفاع کنی، به تجاوز تن بده تا از آن لذت ببری.»

و به همین دلیل است که پیروان شیطان از تجاوز به حریم آدمی لذت برده و بدون درنگ خود را در معرض انواع شکنجه و عذاب، چه روحی و چه جسمی قرار می‌دهند. و اعتراضی هم نمی‌کنند.

و ای کاش آدمیان به همین اندازه که «شیطان پرستان» رفتار می‌کنند، خود را در اختیار خداوند عالم قرار می‌دانند. که اگر چنین بود، وضعیت عالم اینگونه نبود. که اگر خداوند را برای پرستش انتخاب کرده بودند، یقیناً این همه رنج و عذاب و سختی، در پیش نبود.

به طور اجمال باید گفت که هر کدام از سبکهای موسیقی «پاپ - رپ و راک» به نوعی به موضوع شیطان پرداخته اند. البته در مورد نخست شاید اگر کمی با اغماض به قضیه نگاه کنیم، در گام اول ارتباط آن با شیطان مشهود نباشد، اما با توجه به تعریفات و توضیحات ارائه شده نباید فراموش کرد که این سبک، اگر چه ظاهراً به موضوعاتی نظیر صلح و عشق و ... می‌پردازد، در باطن همان مفاهیم شیطانی را با شیوه ای متفاوت و غیر قابل تصور القاء می‌کند.

«راک» نماد و بلندگوی شیطان است. و او پیامها و فریادهای خود را با استفاده از همین سبک به هوادارانش ابلاغ می کند. در «راک» جز شیطان، کسی یا چیزی مطرح نمی گردد و این شیطان است که همواره مدح شده و ستایش می گردد.

اینک به شرح ساختار این سبک خاص پرداخته و در ادامه برخی آهنگهای معروف از آلبومهای مختلف را بررسی خواهیم کرد.

اما ریشه «راک» چیست؟

همانگونه که پیداست، آهنگهای تند با ضربهای ناموزون و صدای بلند، (که البته صدای خواننده معمولاً در بین آهنگ گم می شود) از مشخصات ظاهری آن است.

عموماً اصالت در سبکهای غربی با آلات و ادوات موسیقی است و «راک» نیز از همین سبک هاست و در آن محوریت با آلات موسیقی است نه کلام. بر خلاف سبک های کلاسیک و عموماً شرقی که کلام محور هستند. و خواننده سبک و دستگاه اجرا را تعیین می کند و آلات موسیقی بیشتر در جهت همراهی با خواننده به کار گرفته می شوند.

در موسیقی «راک» آنچه مهم است حجم صدای ادوات است که محوریت آن با گیتار است.

مسئله‌ای چنین تمهیداتی که در این سبک لحاظ می شود، هیچ تناسبی با روح لطیف آدمی و اساس ذاتی موسیقی ندارد.

راک بلندگوی شیطان

همانطور که قبلاً اشاره شد، موسیقی یا واژه لاتین آن «موزیک» از ریشه Muse «یعنی روح» گرفته شده و قاعداً باید با تمایلات روحی آدمی که همان آرامش و سکون است، سازگار باشد. اما در موسیقی «راک» تنها چیزی که مورد توجه نیست، همین بعد قضیه است. و اصلاً به آرامش روحی نمی پردازد. بلکه برعکس، روح آدمی را با نا ملایمات همراه ساخته و همواره در جهت آشفته کردن روح و ذهن آدمی گام بر می دارد. و با نگاهی به کنسرتها و آهنگهای اجرا شده «راک»، این مسئله به ذهن متبادر می گردد که «راک» هرگز با ذات موسیقی همخوانی ندارد.

مفاهیم القایی در این موسیقی، نوع ضرب آهنگها و... همگی نشان از یک نوع تلاطم و ناهمگونی دارد. علاوه بر اینها توجه به زندگی شخصی خوانندگان «راک»، این سوال را برای انسان پیش می آورد که واقعاً چه

چیزی در «راک» نهفته است که حتی خوانندگان آن نیز، تحت تأثیر نکات منفی آن قرار گرفته و همانند شنوندگانش، متأثر از آن، معتاد به مواد مخدر - مرتکب رفتارهای خطرناک جنسی - خشونت - خودکشی و... شده اند.

برای نمونه می توان به نام «مرلین منسون» (هم جنس باز)، «بن جووی» (متجاوز به عنف)، «ژانت جکسون» (روابط نامشروع)، «مالییران» (سکته قلبی در حال خواندن آواز روی سن) و... اشاره کرد. با ذکر این نمونه ها و با علم به اینکه «راک» چگونه در تضاد با روح آدمی حرکت می کند، بعضی از آهنگها و کنسرتهای آن، معرفی شده و توضیح مختصری درباره آنها ارائه می شود.

باز ذکر این نکته ضروری است که به خاطر وقاحت برخی آهنگهای اجرا شده از ترجمه و پرداختن به آنها معذوریم. اما تلویحاً اشاره می گردد که، بسیاری از کنسرتها و آهنگهای اجرا شده راک به طور مستقیم، موضوع سکس و روابط شنیع جنسی را مطرح می سازد. نکته دیگر اینکه در بسیاری دیگر از آهنگها، ترویج اعتیاد به مواد مخدر - خود کشی و بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی و از همه مهمتر، توهین به مقدسات مذهبی به ویژه مقدسات مسیحیت، که دین رایج در غرب است، محور اصلی سبکهای موسیقی راک می باشد.

متأسفانه با وجود توهین آشکار به مسیحیت و شخص «حضرت عیسی علیه السلام» و همچنین به عموم جامعه مسیحیان و حتی سایر ادیان الهی، بسیاری از مردم در نقاط مختلف جهان، جوانان و سایر اقشار جامعه اعم از نوجوانان، کودکان و حتی افراد مسن روی خوش به راک

نشان داده و آن را با جان و دل قبول کرده اند. تا حدی که به اعتقادات القیایی شیطان دل بسته و آن را از اعتقادات مذهبی و دینی خود، بیشتر می شناسند و قبول دارند.

در این مجال، ابتدا برخی گروههای راک و نمونه ای از آلبومهای آنها را معرفی نموده، سپس به بررسی برخی قسمتها از آهنگهای «راک» می پردازیم.

نام گروه	آلبوم
AC, DC	بزرگرایی به جهنم
Alice Cooper	برو به جهنم
Kiss	داغ تراز جهنم
Cramps	سرودی از جهنم
Grim Reaper	تو جهنم می بینم
CJSS	شهروند جهنم
Rigor Mortis	محکوم به جهنم
Twisted Sister	دورن جهنم بسوز
Cheap Trick	می خواهم جهنم را بلند کنم
Mercyful Fate	شاهزادگان جهنم
Raven	نگهبان جهنم
AC, DC	ناقوسهای جهنم
Bon Jovi	مرده یا زنده

نگاهی به مضمون آهنگهای این گروهها ما را با اهداف و نوع نگاه آنان آشنا می سازد. به طور مثال خواننده گروه «مرسیفال فیت» در آهنگ

«سوگند» می خواند:

«من عیسی مسیح فریب دهنده را انکار می کنم، و ایمان مسیحی را رد می کنم، و از تمام اعمال آن متنفرم.»
یا در آهنگ «فریادهای بچه و آواز خون» از آلبوم «آن سر روی در» می خواند:

«من با خون مسیح فلج شده ام. اگر این خون چشمانم را پوشانده است، من باز نمی ایستم.»

و یا در آلبوم «میلیونها مسیحی لعنتی» خواننده، خون مسیح را به آب جو تشبیه کرده است و می گوید: «این خون برای شمامست.»
«آنتوان لاوی» بنیانگذار مکتب شیطان پرستی نوین و سراینده آهنگ «صلیب را بسوزان» در اشعارش می گوید:

«پسر خدا از گناهانت توبه کن و روح را در جهنم گرو بگذار.
دعا کن تا شیطان وقتی خدای تو بر زمین می افتد او را ببخشد. و منتظر مرگ آنانی باش که خدایت را از مدتها پیش می پرستند. خدای تو مرده و حالا تو نیز خواهی مرد. و بالاخره شیطان حکومت خواهد کرد.»

«ون کانتی» از خوانندگان افراطی راک می خواند:

«به دروازه های بهشت حمله کنید. سر خود را بالا نگه دارید. به دروازه های بهشت حمله کنید. مستقیم به چشمهای خدا نگاه کنید.»

«وِئِم» نیز در آلبوم «به جهنم خوش آمدید»، می خواند:

«ما با تمام ارواح شریر تسخیر شده ایم. ای خدا ما مرگ تو را می خواهیم. ما بر روی برگزیده تو تف می کنیم، و بر روی دست چپ شیطان می نشینیم.»

همچنین «دی پیچ مود» نیز در آهنگ «شایعات کفرآلود» می خوانند:
«من نمی خواهم شایعات کفر آلودی را پخش کنم. اما فکر می کنم
خدا دارد با ما شوخی مسخره ای می کند، و انتظار دارم وقتی ما می میریم
او را ببینم که دارد به ما می خندد.»

و بالاخره «مرلین منسون» ستاره «ضد مسیح» راک در آهنگ «ضد
مسیح» می خواند:

«ضد مسیح: تو مرا از آرزوی جهنمی ات بوجد آوردی. من هرگز
مجبور نبودم تو را از دست بدهم. تو زحمت بیهوده ای کشیدی. تو فقط
کاری را که آنها می خواستند انجام دادی. توبه از سخنانم.

من برای تقلید کردن رنج بسیاری می کشم. توبه از سخنانم. کدام
اشتباه؟؟ نقطه شروع را نابد کن. رشدی سخت. سرنگون کردن من آسان
نیست. هم اکنون تو می توانی قهرمانت را ببینی. انگشتت را فرو ببر.
درست است. ماه بر خورشید غلبه می کند. فرشته بالهایش را باز می کند.
روزگار، خود را برای وقوع حوادثی تلخ آماده می کند. این مسئله کاملا
واضح است. ضد مسیح ما تقریبا همینجاست.

انجام شد.»

«نینا هگن» از خوانندگان فاسد راک، در آهنگ «راهبه سکس،
راهب راک» می خواند:

«و ای پسر کوچکم گوش کن، پدر تو خداست.»

خواننده گروه «AC, DC» در آهنگ «ناقوسهای جهنم» نیز در
وصف شیطان می خواند:

«من گردبادی خروشانم، و باران را جاری می کنم. من مانند طوفانی

از راه می رسم. صاعقه من در طول آسمان می درخشد. تو جوانی بیش نیستی. اما به زودی خواهی مرد. من هیچ اسیری نخواهم گرفت. هیچ کس از دست من نمی گریزد. هیچ کس جنگی را شروع نخواهد کرد. من ناقوس خود را گرفته ام. من قصد دارم تو را به جهنم ببرم.

می خواهم تو را بگیرم. شیطان تو را خواهد گرفت.»

همچنین خواننده گروه متالیکا در آهنگ «رنگ باختن به سوی

سیاهی» از آلبوم «بر آذرخش بران» می خواند:

«زندگی انگار کمرنگ و کمرنگ تر می شود. هر روز بیشتر

دستخوش پیشامد می شود. از درون گم گشته ام و سرگردان، دیگر هیچ

چیز و هیچ کس اهمیتی ندارد. من اراده زیستن را گم کرده ام. حقیقتاً چیز

زیادی برای بخشیدن ندارم. هیچ چیز دیگری برای من وجود ندارد. نیاز

به پایان (مرگ) دارم تا مرا رها سازد.»

اینگونه مفاهیم شیطانی در موسیقی «راک» بسیار است که ما از باب

اختصار در متن از ادامه آن صرف نظر می کنیم. و البته بسیاری از مفاهیم

و مضامین آهنگهای اجرا شده به حدی مبتذل هستند که امکان نشر آنها

وجود ندارد.

بیایم اندکی به آنچه می بینیم و می شنویم بیاندیشیم. شاید در پس

آن چهره کریه شیطانی باشد که قسم به نابودی ما و فرهنگ و اصالت ما

خورده است. اندکی بیاندیشیم.

در ادامه به پدیده ای اشاره می گردد که شاید کمتر کسی به آن توجه

می کند. در حالی بسیار مهم و اساسی می باشد. و آن چیزی نیست جز

«پدیده معکوس»، که یکی از عجایب عالم موسیقی است.

پدیده معکوس

تمام مواردی که اشاره شد، تنها بخش کوچکی از موسیقی شیطانی «راک» می باشد. اما نمونه دیگری از القائنات شیطان توسط این موسیقی، استفاده از «صدای پس زمینه» و «پدیده معکوس» است. این پدیده مستقیماً بر روی ضمیر ناخودآگاه انسان تأثیر می گذارد. و از آنجایی که ذهن آدمی طبق فرایند خاصی عمل می کند تمامی مراحل دریافت مفهوم، به صورت خودکار انجام شده و آنچه باید منتقل شود، توسط مغز دریافت می گردد.

باز هم سخن «جیم هنریکس» را یاد آور می شویم که گفت: «من هر چیزی را با موسیقی بهتر می توانم توضیح دهم.» این موسیقی از آنجایی که به شدت تحت سیطره شیطان قرار گرفته، با استفاده از القائنات شیطانی به کار آمدترین ابزار زرادخانه شیطان تبدیل شده است. و فقط کسانی که نا شنوا هستند می توانند نسبت به آن

بی تفاوت باشند.

«آلیستر کراولی» به شاگردانش توصیه کرد: «به همه چیز بر عکس نگاه کنید. او ادامه می دهد، بگذارید دیگران یاد بگیرند بر عکس فکر کنند، بر عکس یاد بگیرند، بر عکس قدم بزنند و در صورت امکان به فیلمها و آهنگها همیشه به صورت بر عکس توجه کنند.»^۱

در «پدیده معکوس» پیش از هر چیز باید توجه داشت که مفاهیم شیطانی، به صورت بر عکس اجرا می شوند و در مواقعی که مناسب باشد، خواننده آن را به اجرا می گذارد که اثر آن بسیار هم عمیق است. شما می توانید آن را با دستگاه مخصوص، به صورت بر عکس گوش کنید، و به حقیقت ماجرا پی ببرید. لذا در موسیقی «راک» نباید چیزی را اتفاقی پنداشت و آن را بی اهمیت دانست.

شاید با ذکر نمونه ها بهتر بتوان این فرآیند را توضیح داد.

«پدیده معکوس» در دو نوع اجرا می گردد.

در نوع اول از پدیده معکوس کلام خواننده در جهت عادی نامفهوم است، اما زمانی که آهنگ را به صورت بر عکس گوش کنیم جملاتی را می شنویم که منظور اصلی خواننده است. برای نمونه به آهنگ زیر از آلبوم «به جهنم خوش آمدید» اثر «نونوم» توجه فرمائید.

ابتدا وقتی در جهت عادی گوش می کنیم در بخشی از آهنگ چیزی نمی فهمیم جز کلمات و عبارات نا مفهوم. اما وقتی همان قسمت را به صورت معکوس گوش می کنیم می شنویم:

۱- کتاب جادوگری در تئوری و عمل صفحه ۱۱۷

«شیطان در جهنم برخواستہ است. می خواهم روح تو را به آتش بکشم. استخوانهایت را خرد و تو را خونین کنم. خون تو باید برای من ریخته شود.»

اما در نوع دوم از «پدیده معکوس» صدای خواننده در هر دو جهت (هم در حالت طبیعی و هم در جهت برعکس) قابل درک است. شاید تعجب آور باشد که چگونه چنین چیزی می تواند صحت داشته باشد! و یا کسی تصور کند که دچار توهم شده ایم. اما واقعیت همان است که طرح شد. البته مشابه این مطلب را در کلام فارسی نیز می توان یافت. به عنوان مثال کسی می گوید «بابک» در حالی که اگر این کلمه را برعکس کنیم کلمه «کباب» شنیده می شود. حال تصور کنید با این قبیل کلمات جملاتی تهیه و به شنونده القاء گردد. در موسیقی «راک» دقیقاً همین پدیده حکمفرماست. و ما شاهد این پدیده هستیم.

و باز ممکن است پرسیده شود که چطور ذهن یک انسان این پیام معکوس را دریافت می کند؟ دریافت پیام معکوس توسط مغز پیچیده انسان اصلاً امر دشواری نیست. زیرا خصوصیت روان آدمی این مسئله را با توجه به نیت خواننده آن دریافت می کند. و آن را در ذهن به ظهور می رساند.

اما مسئله مهم این است که چطور شیطان پرستان از این پدیده استفاده می کنند؟ و آیا این مسئله تصادفی است؟ این مورد متفی است. چرا که در نوع اول از «پدیده معکوس» عمدی بودن آن واضح است. زیرا کلمات عمداً برعکس خوانده می شوند.

و دوم اینکه آیا این مسئله از یک نیروی ماوراء الطبیعه نشأت گرفته است؟ بله. در این که در این مسئله «شیطان» نیروی خاص خود را به پیروانش می دهد شکی نیست. لذا شیطان پرستان با القاء نیروهای شیطانی و با مهارت خاصی این مفاهیم را استخراج کرده و در آهنگهای خود استفاده می کنند.

حال به نمونه های زیر توجه فرمائید.

ابتدا وقتی صدای خواننده گروه «لد زفلین» «رابرت پلاننت» در آهنگ «پلکانی به بهشت» را در حالت طبیعی گوش می کنیم می شنویم: «بله دو راه است که می توانی در پیش بگیری. اما بعد از طی یک مسافت طولانی هنوز وقت داری تا راحت را عوض کنی.»

اما زمانی که آهنگ را به صورت بر عکس گوش دهیم متوجه چیز دیگری می شویم. او در حالت بر عکس می خواند: «شیطان شیرین من، هیچ کس راه دیگری نساخته است. چون که آن مرا غمگین می سازد. شیطان قدرت کیست؟»

همچنین وقتی آهنگ «آنتم» از گروه «راش» را به صورت بر عکس بررسی می کنیم، متوجه می شویم که خواننده این عبارات را به شنونده القاء می کند: «ای شیطان، تو همان کسی هستی که می درخشی ... من می دانم که تو همیشه همان کسی هستی که دوستش دارم.»

از این دست موارد در موسیقی «راک» بسیار زیاد است، که با بررسی بیشتر آشکار می گردد. و این موارد تنها نمونه ای بود از موارد فراوان. هر چند که عده ای نمی خواهند باور کنند، و در مقابل واقعیت موجود، راه انکار و تعصب را در پیش می گیرند.

فیلم

بعد از موسیقی شاید تأثیر گذار ترین عامل انحراف انسانها، سینماست. متأسفانه درباره شیطان و قدرتهای شیطانی فیلمهای بسیاری ساخته شده است. و می توان گفت تمامی این فیلمها از یک قاعده کلی تبعیت می کنند. و آن پیروزی نهایی شیطان است.

هر چند که ظاهراً در اکثر آنها خیر بر شر پیروز می شود، ولی با اندکی تأمل در می یابیم که نیروهای خیر در این دست فیلمها به تنهایی قادر به شکست شیطان نیستند. بلکه حتماً توسط یک نیروی شیطانی از جنس خود شیطان مورد نظر در فیلم، یاری شده و در واقع شیطان خود مقدمات شکست خود را فراهم می کند. و این شیطان است که پیروز واقعی این میدان است.

در عصر جدید، علم، تکنولوژی، هنر، ورزش، آداب و رسوم و حتی

دین، در اختیار و کنترل شیطان در آمده و هر یک به اندازه خود، به ابزاری توانمند در خدمت شیطان برای فریب انسانها تبدیل شده اند. دیگر نمی توان گفت: یک انسان معتقد، انسانی خداپرست است. چرا که اعتقادات بسیاری از ابناء بشر، به سمت اعتقادات شیطانی متمایل گشته، و حتی برخی از کسانی که از دین سخن به میان می آورند نیز در دام شیطان گرفتار گشته اند.

از جمله مواردی که بسیار مورد توجه است و شیطان از آن به خوبی استفاده کرده و از آن طریق پیروانش را هدایت می کند، فیلمهای سینمایی و... است. شاید تا کنون بسیاری از این دست فیلمها را دیده باشید. ناگفته نماند بسیاری از فیلمهایی که تاکنون در موضوعات آخرالزمان دیده اید با محوریت شیطان پرستی بوده اند و طبق خواست شیطان پرستان ساخته شده اند.

اگر بخواهیم واضح تر به این مسئله نگاه کنیم، می توانیم نتیجه بگیریم که هالیوود که صنعت پردرآمد صهیونیست است، در کنترل شیطان پرستان می باشد. و اگر حتی فیلمی هم ساخته شود که در آن شیطان منکوب می گردد و شکست می خورد، باز به عوامل شکست شیطان که بنگریم می بینیم که او از جانب خدا شکست نخورده است. بلکه عوامل دیگری در شکست او دخیل است، که از جمله عوامل مورد توجه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- شیطان از نقطه ضعف خود شکست خورده است. نه اینکه خدا قدرت مافوق او بوده، بلکه این خود شیطان است که موجبات شکست خود را فراهم کرده است.

۲- یک انسان خداپرست هرگز به تنهایی قادر به شکست شیطان نیست. و خدا هم به تنهایی از پس او بر نمی آید. و این دو (خدا و انسان خدا پرست) با هم نیز قادر به شکست شیطان نخواهند بود. بلکه آن دو به کمک یک نیروی شیطانی دیگر، توان شکست شیطان را بدست خواهند آورد..

با این حساب بیننده در پایان فیلم چه نتیجه ای می گیرد؟ جز این است که، این باور در او به وجود می آید که این شیطان است که می تواند خود را شکست دهد. نه یک انسان خدا پرست و نه حتی خود خدا! البته شاید در نگاه نخست این مطلب، به ذهن متبادر نشود. ولی از آنجا که ذهن پویای آدمی پیامهای غیر مستقیم را به خوبی دریافت کرده و آن را در ضمیر نا خود آگاه نقش می کند، می توان اثرات آن را در مراحل بعدی زندگی انسان مشاهده کرد.

آن زمان که انسان در زندگی خود دچار گرفتاری و استیصال شده و نیاز به کمک دارد، این پدیده به سراغ او آمده و او را به تباهی می کشاند. و این جمله را شاید شنیده باشید که بسیاری می گویند: دیگر از دست خدا هم کاری بر نمی آید!

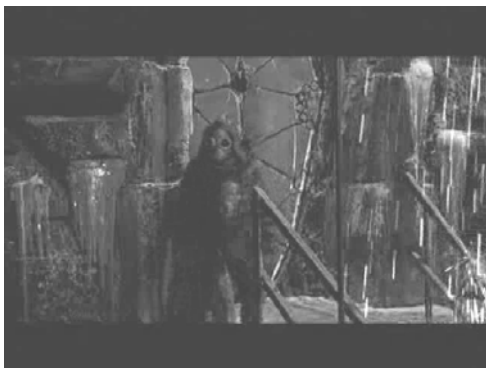
آری امثال این نمونه ها در روزگار ما کم هم نیستند. و مبدأ آن تفکرات را باید در امثال فیلمها، موسیقی ها و نمونه هایی از این دست جستجو کرد. و چه خوب شیطان برای القاء قدرت خود دست به کار شده و انسانها را می فریبد.

گاهی موسیقی، گاهی فیلم، گاهی رمان. و گاهی هم از زبان برخی بزرگان چه دینی و چه غیر دینی قدرت خود را به رخ می کشد. و قدرت

ایمان را ضعیف نشان می دهد.

اینکه به بررسی برخی از فیلمهای سینمایی و نمایشهای اجرا شده در

این زمینه می پردازیم.



«ون هلسینگ»

یکی از فیلمهایی که در موضوع شیطان پرستی ساخته شده است، فیلم ون هلسینگ است. این فیلم در فضایی خاص و مربوط به قرون وسطی ساخته شده است. و نبرد نیروهای خیر و شر در چنین فضایی صورت می گیرد. در فیلم افرادی که به نوعی خدا پرست هستند، هرگز نمی توانند شیطان را مقهور نمایند. و مردی که شیطان را از بین می برد، آن زمان می تواند با شیطان به مقابله برخیزد که لباس شیطانی خود را پوشیده و به یک موجود شیطانی تبدیل شده باشد. تا قدرت لازم را برای شکست شیطان به دست آورد.

در واقع او با تبدیل شدن به گرگ که نمادی از نیروهای شر است، و با قدرتی که در درون آن نهفته است، قادر می شود شیطان را از پای درآورد.

آنچه که در این نقد مورد نظر ماست، نه فضای فیلم است و نه جلوه های ویژه منحصر به فرد آن. و نه بازیگران و نه چیزهای دیگر که

در اکثر نقدها روی آنها بحث می شود. بلکه بحث پیرامون مقصد نهایی فیلم است.

در پایان فیلم ون هلسینگ که نماد خیر است و چهره او بی شباهت به مسیح علیه السلام (تصویر ترسیم شده در آثار هنری قرون ابتدایی میلادی) نیست، با شیطان درگیر شده و به جنگ می پردازد. اما خود به تنهایی قادر به انجام این کار نیست. و برای جنگ با او باید از نیروی دیگری کمک بگیرد و این همان نیروی شر است.

در لحظه ای که ماه کامل از پشت ابری بیرون می آید، او تبدیل به گرگ قوی و عظیم الجثه ای می گردد که شیطان در مقابل او ضعیف گردیده و توانایی نبرد با او را از دست می دهد. نا گفته نماند که گرگ در این فیلم و در سایر فیلمهای هالیوودی نماد شیطان است.

نهایتاً ون هاسینگ با قدرتی اهریمنی، شیطان را نابود کرده و نور و روشنایی را به شهر باز می گرداند.

آیا می توان گفت که خیر بر شر پیروز شده یا اینکه شر از ناحیه خود آسیب دیده است؟! واقعاً هدف از ساخت چنین فیلمی چیست؟ آیا نمایش پیروزی نهایی خیر یا به تصویر کشیدن خیر در مقابل شر؟! در هر صورت آنچه باید در ضمیر نا خود آگاه بیننده شکل بگیرد صورت پذیرفته است.

آری پیام فیلم این است که در برابر مشکلات نباید به خدا متکی بود. بلکه همانطور که در اکثر جوامع خصوصاً جامعه خودمان شاهد هستیم، باید در گرفتاری ها برای حل مشکل از نیروهای شیطانی همچون رمل و جادو و ... استفاده کرد.



دراکولا

فیلم مشهوری که شاید کمتر کسی از محتوای آن بی اطلاع باشد. دراکولا مانند فیلمهای مشابهی که در این زمینه ساخته شده است، از یک ژانر مشخص پیروی می کند. موجودی که سر از قبر و تابوت بر می آورد. شبها در میان کوی و برزن می گردد، و به هر انسانی که بر می خورد، گلوی او را به دندان گرفته و خون او را می مکد. و می تواند همان شخص را به موجودی شبیه خود تبدیل کند. و در نهایت فقط با آتش مخصوصی که با شرایط خاصی فراهم می شود، از بین خواهد رفت. اما مبارزه با دراکولا یا ومپایر (خون آشام) تمامی ندارد. زیرا آنها همیشه همه جا هستند. و اگر یکی نابود شد، دیگران هستند.

البته نمونه های دیگری که از این فیلم ساخته شده بسیار زیاد است که می توان به ومپایر، مصاحبه با خون آشام، و... اشاره کرد. که با توجه به یکسان بودن محتوای آنها و رعایت اختصار از پرداختن به آنها اجتناب می کنیم. اما اصل مسلم تمامی آنها فراموش نشدنی است.

خون آشام همیشه همه جا هست. آری ایجاد یک حس اضطراب و نگرانی دائمی که بینندگان فیلمها با آن درگیر هستند. یعنی اینکه حتی خداوند هم نمی تواند آنها را نجات دهد. زیرا حتی کشیشان هم در دام دراکولا و خون آشامها گرفتار می شوند.



همین مفهوم در فیلم «شهوة خون آشام» نیز به سبک دیگری ارائه می گردد. البته کمی از نظر محتوایی تفاوت دارد. فیلم ۲ شیطان پرست خون آشام را نشان می دهد، که آرام در عبادتگاه کوچک خود مشغول نصب کردن مشعل بر روی محل مناسبی بودند که روستائیان بر علیه آنها شورش می کنند. خون آشامها هیچ ترسی ندارند. زیرا آتش نیز هیچ آسیبی نمی تواند به آنها برساند. آنها پارچه سیاه را در قربانگاه آویزان کرده و یک صلیب وارونه درون شمعدان سیاه قرار داده اند و...



زامبی

موجودی که در اثر تغییرات ژنتیکی به یک موجود آدمخوار تبدیل می شود. و در کشتن انسان و خوردن خون آن حریص می گردد. زامبی انسانی است که بعد از مرگ دوباره زنده می شود. و هر کس توسط او گزیده یا قسمتی از بدنش خورده شود، خود تبدیل به زامبی می شود و بدین گونه تکثیر می شود تا اینکه تمام منطقه را آلوده کنند.

نیروی شر به قدری فراگیر است که حتی خداپرستان نیز نمی توانند از آن فرار کنند و نهایتاً در چنگال شر گرفتار می شوند. ساخت پی در پی و مداوم نسخه های جدید این فیلم یا فیلمهای مشابه با عنوان اوایل یا رزیدنت اوایل، و... باعث شده است که بینندگان خود را در بند اوهام و خیالات بدانند و هر لحظه منتظر اتفاق ناگواری باشند.

حال یک انسان در محاصره این همه خرافات و القائات شیطانی چگونه راه خود را باز یابد و در مسیر زندگی صحیح پیش رود.

مرد عنکبوتی

در میان خیل عظیم فیلمهای گوناگون که با محوریت شیطان و موجودات شیطانی ساخته می شود، مرد عنکبوتی یکی از آثاری است که نگاهی ویژه به این مقوله دارد. انسانی که نیروی خارق العاده ای دارد و با ظاهر شیطانی خود، کارهای خیر انجام می دهد.

مشابه این مفهوم را می توان در آثاری مانند بت من و... مشاهده کرد. به راستی آیا می توان بوسیله نیروهای شیطانی کار خیر انجام داد؟! البته ساخت چنین فیلمهایی در فضای منجی گرایانه غرب عجیب و دور از انتظار نیست. اما آنچه عجیب است نوع نگاهی است که به منجی می شود. و اینکه چگونه این تفکر در غرب رایج شده که منجی بشر و یا حداقل منجی یک شهر یا کشور، حتماً باید یکی نیروی ما فوق بشری و شیطانی باشد. مگر نیروهای الهی و خیر چه وضعی یا ایراداتی دارند که در خوش بینانه ترین حالت همانند آنچه که در فیلم ون هلسینگ نمایش داده شده باید در پس زمینه نیروی شیطانی قرار بگیرند.

خون دراکولا

داستان فیلم درباره اشراف زاده فاسدی است که به دنبال مردی از طبقه متوسط جامعه می‌گردد. و با انجام اعمال عبادی شیطانی قصد دارد او را زنده کند. در این فیلم که با نظر مستقیم کلیسای شیطان ساخته شده است، اعمال عبادی مانند غسل تعمید شیطان و قسمت‌های دیگر و همچنین قسمتی از قربانگاه شیطان با دقت خاصی نمایش داده می‌شود.

از این نمونه فیلمها به وفور ساخته و اکران شده اند که حتی نگارش نام آنها نیز در یک کتاب جدا گانه مقدر نیست. اما اشاره به نام برخی از آنها در ذیل می‌آید.

هیولای جهانی، سه گانه تیغ، سوپر من، سری فیلمهای اره، سری فیلمهای هری پاتر و... همگی از این دست هستند.

انگیزه اصلی از ساخت فیلمهای شیطانی

اما انگیزه سازندگان این قبیل فیلمها نیز در جای خود قابل توجه است. که با ملاحظه به آنها می‌توان تا حدودی از تأثیرات منفی آنها کاست.

- ۱- روح پاک جوانان را آلوده کرده و با دین بی‌گانه کنند.
- ۲- فساد اخلاقی و روانی در بین جوانان خصوصاً دختران ایجاد کرده و آنها را از معنویت و اخلاقیات دور کرده و با این کار ضربه نهایی را بر بنیان آینده مردمان ممالک وارد نمایند.
- ۳- میل دادن جوانان و نوجوانان به شورش و تباهی. این کار به وسیله تفریحات ناسالم و شرارت و جادوگری و ... انجام می‌گیرد. که در

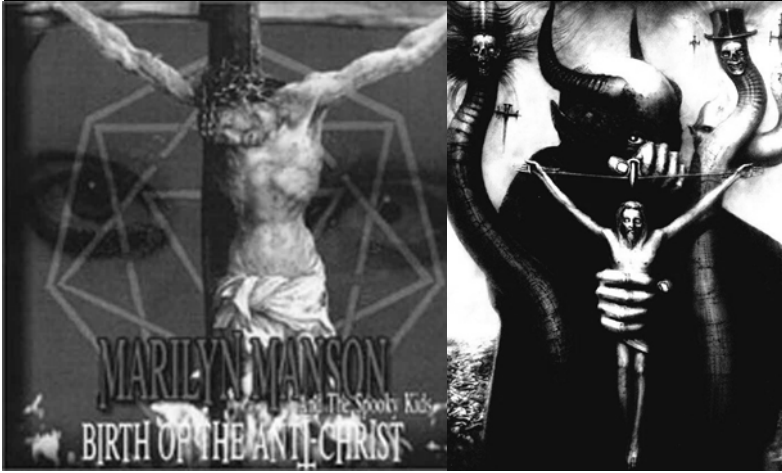
فیلمهای هری پاتر و... می توان این معضلات را جستجو کرد.

۴- آلوده نمودن جوانان به شرک و امور شرک آلود و القاء اینکه آنان می توانند خود کارهای عجیب مثل احضار ارواح، احضار جن و... انجام دهند. (تولید قرصهای روانگردان نیز به همین منظور صورت گرفته است)

۵- خرافه گرایی و احضار ارواح توسط جوانان و تمام اقشار جامعه و کشاندن جامعه به سوی طالع بینی و...

با این توضیح می توانید حدس بزنید که چه نقشه شومی از سوی گردانندگان این فرقه ها و حامیان آنها برای انحراف جوامع کشیده شده است. در بخش آتی می توانید رد پای شیطان را در بخش های مختلف ملاحظه نمایید.

رد پای شیطان



تمسخر مقدسات در سیطنیسم

از مهمترین موضوعاتی که در مکتب شیطان پرستی مورد تمسخر قرار می گیرند، در مرتبه نخست ذات مقدس خداوندی است. و در مراحل بعدی شخص حضرت عیسی و حضرت مریم علیهما السلام و سایر قدیسن مسیحی و در نهایت صلیب؛ که نشان مسیحیت است.

این تمسخر به حدی، جدی است که از واجبات مکتب شیطان پرستی بوده و اگر کسی به مقدسات جسارت نکند، در واقع یک شیطان پرست نیست.

تصاویر فوق و سایر تصاویر، همگی دال بر همین نکته است که شیطان در این جسارت، هیچ حریمی را رعایت نکرده و بی محابا به همه چیز حمله می کند.

تمسخر حضرت عیسی علیه السلام به عنوان اصل اصیل و رکن اساسی شیطان پرستی به اشکال گوناگون صورت می گیرد.



در تصویر صفحه قبل، شیطان را نشان می دهد که با مسیح به صلیب کشیده شده، به سوی مردم نشانه رفته است.

در تصویر دیگر عیسی علیه السلام با تاج خار بر روی صلیب دیده می شود. این تصویر که طرح روی جلد آلبوم کنسرت مرلین منسون از خوانندگان راک است، به صراحت پلیدی خواننده را نشان داده و خبر از مفاهیم کفر آمیز آن می دهد.

در تصویر دیگری تاج خاری بر سر عیسی علیه السلام قرار داده شده و در حالت مغموم بر تخته سنگی نشسته و در تفکر است.

یا در تصویر دیگر به نوعی دیگر عیسی علیه السلام مورد تمسخر قرار گرفته است. در بالای تصویر عیسی علیه السلام را عاشق شما معرفی کرده، اما در پائین، هشدار می دهد که باید از او پرهیز کرد. زیرا او مبتلا به ویروس ایدز شده است.

در یکی دیگر از تصاویر عیسی علیه السلام مانند یک خواننده راک به طرف مقابل اشاره کرده و چهره او به یک دلقک تشبیه شده است.



در تصویر دیگر که بسیار جسارت آمیز است، عیسی علیه السلام را نشان می دهد که دستش را به جای یک دست یک معتاد به مورفین در حال تزریق قرار داده است. این جسارت را چگونه می توان توجیه کرد؟ و بالاخره جسارت از نوعی دیگر. عیسی علیه السلام شبیه یک گوزن نشان داده شده است. چگونه می توان باور کرد این هجوم بی محابا فقط نوعی طنز است و هدف خاصی ندارد!

در جسارت به شخصیت حضرت مریم علیها السلام هم نمونه همین جسارت ها را می توان مشاهده نمود. اما با توجه به شنیع بودن تصاویر از نشر آنها معذوریم.

البته توهین به سایر مقدسات خصوصاً مقدسات اسلامی نیز در دستور کار شیطان پرستان قرار دارد، که به عنوان یک مسلمان هرگز قادر به ارائه آنها نیستیم. که خود دردی بر دردهای دیگر امت اسلام می افزاید.



تشبیه شیطان به بز

بر اساس کتاب انجیل و همچنین کتاب مقدس شیطان پرستی، شیطان شبیه بز می باشد. که شرح آن پیشتر آمد. در تصویر، شیطان را در هیبت بز در حال تماشای عذاب می بینید. توجه نمائید، او عذاب نمی شود و فقط نظاره گر عذاب می باشد.

در گوشه ای دیگر، یکی از عذاب شوندهگان، تکه ای استخوان در دست دارد که بی شباهت به کلید نمی باشد.

طبق کتاب مقدس شیطان پرستی باب کلیدهای رهایی، درد و رنج از عنایات شیطان به شمار می آید و شیطان پرستان برای رسیدن به جهنم و درد و رنج، باید کلید رهایی در دست داشته باشند.

در واقع این کلیدها برای رهایی از دست خداوند و عبادت های او می باشد که برای شیطان پرستان سنگین است. آنها خود را از عبادت خدا رها کرده ولی در عوض تن به خواری عبادت در برابر شیطان می دهند.



آرایشها و خالکوبی ها

آرایشهای تند و زننده با حالت مو و صورت، پوشیدن لباسهای غیر متعارف، استفاده از جواهر آلات و خالکوبی ها و... همگی حکایت از گرایش شیطان پرستان به روح پلیدی دارد.

به تصویر کشیدن این گونه آرایشها و خالکوبی ها، متأسفانه مقذور نیست. و تصاویر بسیار زننده و مبتذل هستند. نمونه هایی که ارائه گردیده، تا حدودی از فساد کمتری برخوردار هستند.

البته عمده موضوعات خالکوبی ها و آرایشها که در قالب تاتو انجام می شود، ضد مسیح و ضد دین است. و در مواردی زیادی نیز مسائل جنسی و ابتذالات اخلاقی را شامل می شود.



جواهرات شیطان پرستان

نمادهای شیطانی همچون تصاویر فوق، مجسمه، تیغ و... در جواهر آلات شیطان پرستان به وفور یافت می شود. این جواهر آلات حتی در بسیاری از موارد، در کنسرتها کاربرد دارد.

به عنوان نمونه شیطان پرستان در برخی کنسرتها، خود را برهنه کرده و به بدن خود تیغ آویزان می کنند. آنگاه در رقصهای دسته جمعی (رقص بش) خود را به بدن یکدیگر می زنند. تیغ در اثر تماس با بدن آنها، اندام آنان را بریده و خراشهای عمیقی ایجاد می کند. که در برخی موارد حتی منجر به مرگ آنان می گردد.

شیطان پرستان این گونه اعمال را برای خشنودی شیطان انجام می دهند. و برای آن توجیحات خاصی نیز ارائه می دهند.



لباس ها

نمونه هایی از لباسهایی که شیطان پرستان بر تن می کنند، در تصاویر مشهود است. متأسفانه عده ای از جوانان، از این گونه لباسها بدون توجه به مفهوم جملات و کلمات مندرج بر روی آن، به عنوان پوشش استفاده می نمایند. حتی بدون اینکه به آن اعتقادی داشته باشند، ولی با این حال تابلوی متحرک شیطان پرستی شده اند.

جملاتی که بر یکی از لباسها نقش بسته است بدین شرح است.

(Kill God) خدا را بکش.

(Kill your mom & dad) پدر و مادر خود را بکش.

(Kill yourself) خودت را بکش.

آری خودت را بکش. شعار همیشگی شیطان برای نابودی نسل انسان، انسانی که باعث رانده شدن او از درگاه خدا شده و کینه اش را در دل گرفته است. واقعاً آیا باید به آن تن داد؟.



سادیسزم و مازوخیسزم

دیگر آزاری و خود آزاری، یکی دیگر از انحرافات شیطان پرستی است که به شدت تبلیغ می گردد. هر چند که شیطان پرستان در جوامع عمومی خود را مبری می دانند، ولی رفتار و عملکرد آنان چیز دیگری را نشان می دهد.

نگاهی به کنسرتها - همایشها و جلسات ذکر گویی شیطان پرستان این واقعیت را به وضوح نشان می دهد.

تصاویر به اندازه کافی گویاست. و نیازی به بسط بیشتر موضوع نیست. در کنار خود آزاری، خودکشی نیز به گونه ای دیگر نمود دارد، و به رکن غیر قابل انکار شیطان پرستی بدل گشته است. که همیشه، چه در کتابها و چه در کنسرتها و ... به شدت تبلیغ و ترویج می گردد. برای نمونه می توان به کتاب «هنر قتل» اشاره کرد که در این زمینه نوشته شده و به وفور می توان در آن روشهای قتل و خودکشی را یافت.



شیطان در ورزش

رد شیطان را می توان در همه جا مشاهده کرد. حتی در عبادات. و یکی از موضوعاتی که همواره شیطان از آن سوء استفاده کرده است، موضوع ورزش است. و شیطان پرستان نیز به خوبی از این موقعیت بهره برده و در تمامی مسابقات در سطوح مختلف بین المللی، خود را عرضه کرده اند.

اجرای موسیقی های راک با آن خوانندگان کذایی، در مراسمات افتتاحیه های المپیک و ... نمونه ای از این نفوذ است.

در کنار این مسئله، پرداختن تیم های ورزشی به موضوع شیطان و کشاندن آن به ورزش، خود محل تأمل است.

با نگاهی به آرم تیم فوتبال منچستر یونایتد انگلستان، شاید کمی جو حاکم بر فرهنگ این سرزمین نمایان شود. مسلماً هیچ کس نمی تواند رابطه پرچم یا آرم پرچم با مجموعه را انکار کند. این رابطه پرچم هر کشور، و علاقه ذاتی یک ملت به کشور خود، ملازم یکدیگرند.

حال اگر تیم محبوبی مانند منچستر یونایتد، که حتی در سایر کشورها از جمله کشور خودمان ایران، طرفداران بسیاری دارد، آرم خود را به یک موجود شیطانی با شمایل خاص آن، که جای هیچ بحثی باقی نمی گذارد اختصاص دهد، چه برداشتی می توان کرد؟

آیا باز هم می توان آن را تصادفی دانست؟ آیا باز هم باید متهم کنند که همه چیز را سیاه می بینیم. و آیا می توان سیاهی را دید و آن را انکار کرد.

آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رخ متاب
به تعبیری، اگر ما یک موجود را ببینیم که به شکل گربه است و صدای گربه در می آورد و رفتار یک گربه را انجام می دهد، ناچاریم که بگوئیم او یک گربه است. و هر فکری غیر از این خطاست.
آیا می توان گفت که اگر شما به یک گربه، گربه بگویی دچار اشتباه یا توهم شده ای؟

آیا واضح تر از این هم می توان شیطان را دید و رد پای او را انکار کرد؟ چرا برخی می خواهند همواره خود را بفرینند، و همه روابط موجود را نفی کرده، یا تصادفی، یا فقط از روی سلیقه بدانند؟!
و البته این معضل محدود به باشگاه منچستر یونایتد نمی شود. بلکه در آرم تیمهای دیگر رشته های ورزشی هم مشاهده می گردد.
نمونه ها بسیار زیاد است که از این میان فقط به چند مورد در تصاویر اشاره شده است. و البته تصاویر به حد کافی گویا هستند.



شیطان و کودکان

در بحث شیطان پرستی کودکان، همانطور که قبلاً اشاره شد، دستور خاصی وجود دارد. (به کودکان پرستش شیطان را بیاموزید.) و در کنار این دستور و سایر دستورات مربوط به کودکان، از لوازم دیگر نیز استفاده می شود.

عروسکهای باریبی برای سنین مختلف، در حالات گوناگون و در موضوعات متنوع که جزء لاینفک دنیای کودکان شده است، کارتونهای تلویزیونی و سینمایی مانند کارخانه هیولاها، باب اسفنجی و انیمیشنهای مختلف دیگر از جمله انیمیشن شرک غول سبز دوست داشتنی، یا فیلمها و داستانهای جذابی همچون هری پاتر و ... همگی در راستای زدودن چهره قبیح شیطان گام بر می دارند.

آنچه که در جوامع مشهود است و گاه نیز از طریق رسانه ها اعلام می گردد، این حقیقت تلخ است که علاقه به جادوگری که از لوازم کار

شیطان پرستهاست، بعد از پخش فیلمهای هری پاتر شدت بیشتری گرفته است. به طوری که رسانه ها اعلام کردند، بیش از دو سوم نوجوانان انگلیسی در فروشگاهها، ابزار مخصوص جادوگری را جستجو می کنند. شیطان کوچک قرمز رنگ با چهره ای شاد و شیطنت های کودکانه، که هر کودکی را به خنده وا می دارد، کافیسست تا وقاحت شیطان را از بین ببرد.

«آری خنده با شیطان و نهایتاً، علاقه قلبی و گرایش به شیطان»

حال این کودک عاری از تفکر منفی درباره شیطان، کودک خلع سلاح و بدون حفاظ در برابر هجمه عظیم القائنات شنیع شیطانی، چگونه می تواند در میان خیل ویرانگر انحرافات، خود را مصون دارد. در حالی که نه والدین و نه مسئولان فرهنگی تدبیری را در برابر آن، اندیشه نکرده و یا حتی خود نیز این هجوم ویرانگر را درک نکرده اند.

پدر و مادری که خود نمی دانند، کدام برنامه تلویزیونی برای کودک مفید و کدام مضر است، مسئولان فرهنگی که غافل از همه جا، فقط تولیدات غربی را به نمایش می گذارند، و حتی به تقلید از آنان کورکورانه برنامه های مشابه را به بهانه مقابله با فرهنگ آنان تولید می کنند، چگونه می توانند در برابر این تهدیدات عکس العمل مناسبی نشان دهند؟!

کاراکترهای مشابه آنچه به تصویر کشیده شده اند بسیارند.

با این اوصاف، آیا در نظر کودک، باز هم شیطان همان دشمن قسم خورده و قدار است، که جز ذلت و تباهی انسان هدف دیگری در این عالم ندارد؟!



حکومتها و شیطان پرستی

در جوامع مختلف نفوذ شیطان پرستی به حدی زیاد است که، رهبران سیاسی و حتی مذهبی نیز ناچارند، با آنها مدارا کرده و این مکتب را بپذیرند. و یا خود را به نوعی با آن مرتبط دانسته و طبق اعتقادات شیطان پرستی رفتار کنند.

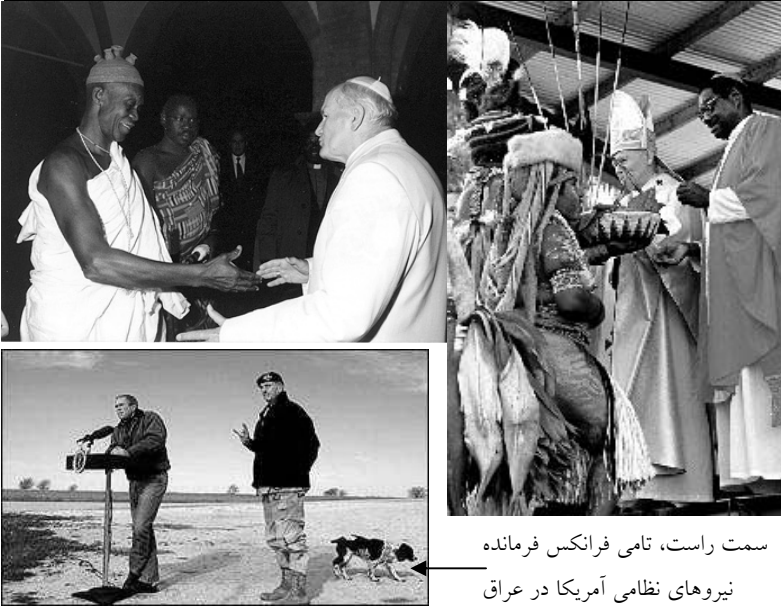
همانگونه که قبلاً اشاره شد، «بلانچ بورتون» در کتاب خود «کلیسای شیطان» نوشته بود: «... وضعیت بدی بود، ولی با درایت لایوی اوضاع بهتر شد...»

این مطلب به وضوح نشان می دهد که نفوذ لایوی به عنوان مؤسس کلیسای شیطان و پایه گذار شیطان پرستی نوین، تا حدی است که کسی جرأت مقابله با او را ندارد. و برخی رهبران سیاسی جهان، او را تمجید می کنند و مرگ او را ضایعه بزرگی برای بشر امروز قلمداد می کنند. البته این مسئله با نگاهی به زندگی و مذهب لایوی، کاملاً همخوانی دارد. زیرا لایوی یک یهودی زاده صهیونیست است. پس کسی حق مقابله با او را ندارد. و هر سخنی بر علیه او به شدت تقبیح می شود.



با مشاهده چهره برخی از رهبران سیاسی جهان، بسیاری از حقایق در ابعاد سیاست کشورها آشکار شده، و مشخص می گردد که چرا آنها چنین منشی را در پی گرفته اند.

رؤسای جمهور آمریکا، «جرج بوش پدر، رونالد ریگان، بیل کلینتون، جرج دبلیو بوش و سایر شخصیت‌های سیاسی مانند سناتور جان کری رقیب انتخاباتی بوش و حتی همسر بوش، لورا بوش» و سایر رهبران سیاسی مانند «سیلیویو برلوسکونی» نخست وزیر ایتالیا، «تامی فرانکس» فرمانده نیروهای آمریکایی در جنگ عراق، و... همگی از سیاست مدارانی هستند که به این جرگه پیوسته اند.



سمت راست، تامی فرانکس فرمانده
نیروهای نظامی آمریکا در عراق

دیدار مقامات مذهبی و سیاسی با جادوگران و شیطان پرستان، خود به نوعی در جهت تأیید آنان بوده و آئین شیطان پرستی را تقویت می کند. واقعاً نمی توان تصور کرد که چرا رهبران مذهبی یا سیاسی با شیطان پرستان ملاقات می کنند!

به راستی آیا اینان واقعاً شیطان پرستند؟! چرا این رهبران به دنبال تأیید شیطان پرستان برای پیشرفت در امور خود هستند؟ یا اینکه مگر شیطان پرستان چه قدر نفوذ سیاسی و اجتماعی دارند؟ اینها همه سؤالاتی هستند که ذهن هر انسان بیداری را به خود مشغول می کند.

راهکارهای مقابله با شیطان پرستی

سوالی که بسیاری از والدین می پرسند این است که آیا می توان جوانان و نوجوانان را در برابر انواع انحرافات به نوعی واکسینه کرد؟ و اینکه چه راههایی برای مقابله با گرایشات شیطان پرستی وجود دارد؟ پاسخ این است که بله، می شود آنها را واکسینه کرده و در مقابل انحرافات مقاوم نمود. و راههای دستیابی به این موفقیت نیز در اختیار ما هست. به شرط این که به خوبی به این راهها پرداخته و از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنیم.

در این مجال کوتاه به ارائه برخی راههای مقابله می پردازیم. امید که والدین و همه کسانی که به نوعی با جوانان و نوجوانان سرو کار دارند، و یا حتی خود جوانان و نوجوانان با اهتمام به این موارد جلوی نفوذ پدیده شوم شیطان پرستی و سایر افکار و اعتقادات انحرافی و وارداتی را گرفته و در عوض بتوانیم مرام و مکتب اصیل و صحیح خود را به سایرین هدیه

کنیم.

و اما راههای مقابله

۱- تقویت بنیانهای خانوادگی

مهمترین عامل شکل گیری شخصیت یک فرد خانواده است. لذا برای مقابله با معضلات اجتماعی و انحرافات فکری و عقیدتی بهترین راه، تقویت بنیانهای خانواده است.

زمانی که خانواده نقش خود را به خوبی ایفا کند، و پدر و مادر حضور فعال و محوری خود را در خانواده اجرا کنند، و همانطور که در فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی آمده است، کانون مهر و محبت باشد، دلیلی وجود ندارد که فرزندان به دامان شیطان پناه ببرند. کمی تأمل در زندگی و رفتار شیطان پرستان، به خوبی مبین این مسأله است که آنان از محبت والدین و سایر افراد خانواده بی بهره بوده اند، و از خانواده طرد شده اند. لذا از روی ناچار و سرگردانی به انواع افیونها از جمله مواد مخدر- شیطان پرستی و... روی آورده اند.

۲- آگاه سازی مردم نسبت به محتوای اصلی این فرقه

مسلماً عموم مردم اطلاع زیادی از ماهیت و محتوای چنین فرقه هایی ندارند. در حالیکه برخی از جوانان از درون آنها باخبرند و گرایش هایی نیز پیدا کرده اند. لذا آگاه سازی در این قبیل موارد بسیار چاره ساز است. و این وظیفه، همگانی می باشد. و تنها بر عهده ای محدود نمی باشد. متأسفانه بسیاری از والدین این آگاه سازی را وظیفه دولت می پندارند، و خود را کنار می کشند. در حالی که این جوانان و نوجوانان ما هستند که گرفتار دام شیادان شیطان پرست شده اند.

۳- تبیین صحیح اصول اعتقادی اسلامی

متأسفانه در طول سالیان متمادی همه عادت کرده اند که از اسلام فقط پوسته آن را بشناسند. و دیگر کاری به باطن دین و سایر موارد مندرج در آن ندارند. هر چند که همان ظاهر نیز به درستی تبیین نشده است و این نقیصه البته هم به علماء دین می گردد، و هم به آحاد مردم. چرا که تعلل در حضور در مجامع مذهبی باعث دور ماندن جوانان و نوجوانان از مفاهیم و معارف اسلامی می شود.

شایسته است که مقدمات این امر از جانب علماء دین و دست اندر کاران فراهم شده و عموم مردم نیز با حساسیت و جدیت، مراقب اعتقادات فرزندان خود باشند.

۴- تقویت باورمندی دینی و ملی در جوانان و نوجوانان

یکی از آسیبهایی که هر ملتی را تحدید می کند، عدم باورمندی به دین و مذهب است. که متأسفانه در سالهای اخیر در جامعه ما نیز بروز کرده است. عدم خود باوری- ضعف شخصیتی- از دست دادن هویت مذهبی و میهنی و... همگی جز معضلات امروز جوانان و نوجوانان ماست.

تقلیدهای کورکورانه در پوشش، آرایش، مد و ... و حتی در نوع حرف زدن، گوش کردن به موسیقی و... همگی از نشانه های سرخوردگی این قشر می باشد که با تقویت باورمندی دینی و ملی می توان آنها را اصلاح کرد.

۵- شرکت دادن جوانان و نوجوانان در فعالیتهای اجتماعی و

مذهبی مناسب

از جمله دلایل انحرافات در سنین جوانی عدم ارتباط قشر جوان و نوجوان با مذهب می باشد. و شایسته است که شرکت دادن آنان در این گونه فعالیتها اولویت اول برنامه های خانواده و مسئولین کشور باشد. اردوهای زیارتی، کارگاه های آموزشی و فرهنگی، سمینارها و همایش های اجتماعی مخصوص جوانان و نوجوانان در سطح عموم و دعوت ویژه از آنان برای شرکت در این برنامه ها، تشکیل تشکل های مردمی با حضور گسترده جوانان و نوجوانان، تشویق آنان به شرکت در نمازهای جماعت مساجد و... همگی به نوبه خود می تواند انگیزه مناسبی برای پایبندی جوانان به اخلاق و دین باشد. و به همان اندازه آنها را از انحرافات دور می سازد.

و بیراهه نگفته ایم اگر اذعان کنیم که بزرگترین اجحافی که می توان در حق عزیزان این مرز و بوم کرد، محروم نمودن آنان از برنامه های زیارتی و سایر امور مذهبی است.

۶- بسترسازی مناسب برای مقابله با جریان های انحرافی در

فضای مجازی خصوصاً اینترنت

البته مسئولین و دست اند کاران امر، زحمات زیادی را متحمل شده اند که این بستر سازی فراهم شود. اما باید گفت هم این موارد بسیار اندک است و حتی در مواردی نیز به بیراهه رفته اند. و باید بپذیریم که هنوز برای این جنگ نا برابر آماده نشده ایم. و زیر ساختهای فرهنگی اجتماعی و علمی ما بسیار آسیب پذیرند. این ساختارها هم به مسئولین دولتی مربوط می شود و هم به خانواده ها.

پدر و مادری که خود هنوز از بسیاری از مقولات و ارتباطات اجتماعی بی خبرند و حتی کنترلی بر رفتار و مراودات فرزندان خود ندارند، نمی توانند مریدان خوبی برای آنها باشند. والدینی که خود به درستی تربیت نشده اند و نقش خود را در خانواده نمی شناسند، نیز نمی توانند به تربیت فرزندانشان اهتمام کنند. پس بهتر است ابتدا از خود شروع کرد و تا حدودی از علوم روز با خبر شد.

اینترنت، ماهواره، بلوتوث های همراه و... همگی ابزار هایی هستند که جوانان ما با آن سرو کار دارند. و والدین هنوز از ابزارهایی مانند چت روم، فروم و... که در محیط اینترنت فعال هستند، بی خبرند. این را بدانیم که فرزندان در جامعه ایران از والدین خود جلوتر هستند. و نمی توان آنها را با استدلالات سطحی مجاب کرد. چه اینکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. و البته تمام مطالب مطرح شده در مورد مسئولین دولتی نیز صادق است.

راههای مقابله با انحرافاتمانند شیطان پرستی، بسیار بیشتر از موارد مطرحه است، و به این موارد محدود نمی شود. راههایی مانند:

۱- ایجاد زمینه تفریحات مناسب سن و روحیات جوانان

۲- کشف و شناسایی راههای نفوذ این قبیل فرقه ها

۳- بیان عاقبت امور شیطان پیروان شیطان و...

که شرح برخی موارد در بخشهای آتی خواهد آمد. لکن برای رعایت اختصار از بیان بیشتر خودداری می کنیم. و یافتن راههای دیگر را به خوانندگان محترم وا می گذاریم.

عاقبت شیطان و شیطان پرستان

کتاب انجیل شیطان را قدرت تاریکی می داند. ولی در عالم برای او قدرتی قائل نیست و او را در مقابل ایمان ضعیف می داند. و او را مظهر گمراهی می داند. برخی از آیات انجیل دلالت بر همین مضمون دارد. و در جایی دیگر قدرت را از آن خداوند می داند. این نکته این گونه آمده است:

«خداوندا، جلال و حرمت و قدرت برازنده توست. زیرا تو آفریننده تمام موجودات هستی و همه چیز به اراده تو به وجود آمد.»^۱
قرآن کریم به گونه ای دیگر شیطان را قدرت تاریکی می داند. با این تفاوت که قدرت شیطان را پوشالی دانسته و اگر اراده انجام کاری را دارد، فقط به خاطر اجازه ای است که خداوند به او داده است.

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۴ آیه ۱۱

در این مورد تفاوت دیدگاه انجیل و قرآن در این است که، از نظر انجیل قدرت شیطان در خود اوست. ولی قرآن قدرت مطلق را از آن خداوند می داند. و شیطان فقط قادر اعتباری در نظر گرفته شده است. به تعبیر دیگر، شیطان یکی از مظاهر قادریت خداوند بوده و عنصر آزمایش بندگان او می باشد. مؤید این مدعا آیات متعددی است که قرآن کریم بدان اشاره می فرماید.

از جمله این آیات می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

... قل ان الله يضل من يشاء ويهدي اليه من اناب «بگو همانا خداوند گمراه می کند هر کس را که بخواهد و هدایت می کند کسی را که به سوی او توبه کند.» ۱

و باز می فرماید: ... وليقول الذين في قلوبهم مرض و الكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلا كذالك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء... «کسانی که در دلشان مرض است و کافران، می گویند: چرا خداوند چنین مثلی را اراده کرده است. اینچنین خداوند هر کس را که بخواهد گمراه کرده و هر که را بخواهد هدایت می کند.» ۲

و آیات قرآن در این باره بیش از اینهاست.

مضل بودن خداوند یعنی چه؟ آیا غیر از این است که شیطان مظهر تجلی چنین صفتی می باشد؟

و چقدر شیطان پرستان سفیهانه به دنبال پرستش شیطان هستند!.

۱- قرآن کریم، سوره رعد آیه ۲۷

۲- قرآن کریم، سوره مدثر آیه ۳۱

او را که یکی از ابزارهای خداوندی است، پرستیده ولی از قدرت مافوق او غافل می باشند!

اما خداوند، عاقبت شیطان را مشخص نموده است. جالب است بدانید که حتی کتاب مقدس مسیحیان (انجیل) نیز به عاقبت او اشاره کرده است. شاهد این نکته را در انجیل چنین می بینیم.

«... ولی صبر کنید تا روز جزا. زیرا که در آن وقت فرشتگان من، کفار را جمع کنند و با شیطان به دوزخ افکنند و مؤمنان را به ملکوت من در آورند.»^۱

در جایی دیگر اشاره می کند: .

«... شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قومهای گوناگون یعنی یاجوج و ماجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه های ساحل دریا بی شمار خواهد بود. ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب «اورشلیم» را از هر سو محاصره خواهند کرد.

اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند. سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می سوزد. و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغینش، شبانه روز تا ابد در آنجا عذاب می کشند.»^۲

۱- انجیل برنابا فصل ۱۳۳ آیات ۲۳ و ۲۴

۲- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۲۰ آیات ۷ الی ۱۰

باز در جای دیگر آمده است:

«سپس در آسمان جنگی روی داد. میکائیل و فرشتگان زیر فرمان او با اژدها و فرشتگان خبیث او جنگیدند. اژدها شکست خورد و همراه فرشتگانش از آسمان رانده شد. بلی، این اژدهای بزرگ، یعنی آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کسی است که مردم دنیا را فریب می دهد، با تمام دار و دسته اش بر زمین افکنده شد.»^۱
قرآن کریم در خصوص عاقبت شیطان و شیطان پرستان اینچنین اشاره می فرماید:

كَمْثَل الشَّيْطَانِ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ اَكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّى بَرِّىْ مِنْكَ اِنِّى اِخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

«مانند شیطان آن زمان که به انسان گفت: کافر شو به خداوند. پس زمانی که انسان کفر ورزید، (به انسان) گفت: من از تو دور هستم. (زیرا) من از پروردگار عالم می ترسم.»^۲

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا اَنْهُمَا فِى النَّارِ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزَاءُ الظّٰلِمِيْنَ
«پس عاقبت و سرانجام آن دو (شیطان و انسان کافر) این است که هر دو، در آتش (جهنم) جادوانه خواهند شد و آن کیفر ستمکاران است.»^۳
از امام باقر علیه السلام درباره آیات رب فانظرنى الى يوم يبعثون. قال فانك من المنظرين. الى يوم الوقت المعلوم «(شیطان گفت) خدایا به

۱- انجیل، مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۷ الی ۹

۲- قرآن کریم، سوره حشر آیه ۱۶

۳- قرآن کریم، سوره حشر آیه ۱۷

من مهلت بده تا روزی که همه مبعوث می شوند. خداوند فرمود: همانا تو از مهلت داده شدگانی. تا روزی که زمانش مشخص شده است.»^۱ سوال کردند.

حضرت فرمودند: منظور، روز ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه است. هنگامی که ظهور فرماید، وارد مسجد کوفه خواهند شد. شیطان در مقابل او به زانو افتاده و می گوید: وای که چه روز سختی است. آنگاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از موهای جلوی پیشانی او گرفته و سر از بدن او جدا می فرماید.^۲

آری این است عاقبت شیطان در این دنیا. و به همین دلیل است که هر چه در توان دارد برای مقابله با حقیقت انجام می دهد. و قصد دارد با ترساندن انسانها از قدرت پوشالی خود، ظهور را به تأخیر اندازد. زیرا می داند که با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمر او به پایان خواهد رسید.

الا ان وعد الله حق ولكن اكثرهم لا يعلمون «آگاه باشید که وعده خداوند حق است. ولی اکثرشان نمی دانند».^۳

با این ملاحظات بهتر است چاره ای اندیشید. تا تفکر تاریک سیطنیسم بر پیکره اجتماع، سایه نیافکند.

غفلت از این موضوع می تواند، صدمات جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل کرده و آن را به ورطه هلاکت و تباهی بکشاند. بجاست مسئولان

۱- قرآن کریم، سوره حجر آیات ۳۶ الی ۳۸

۲- نقل از بحار الانوار جلد ۵۲

۳- قرآن کریم، سوره یونس آیه ۵۵

نظام، با همراهی نخبگان فرهنگی - مذهبی و علمی کشور، تدبیری اندیشه کنند و همگان را از شبیخونی جدید آگاه سازند. شبیخونی که نه فقط نسل جوان، که تمام اقشار را هدف قرار داده است. شبیخونی که حتی کودکان خردسال را نشانه رفته و برای نابودی فرهنگ در جوامع برنامه ریزی کرده است.

باشد که کشوری را که به نام ائمه معصومین علیهم السلام در همه جای دنیا شناخته شده است را حفظ کرده و تسکین و مرهمی بر زخمهای تاریخ این مرز و بوم نهیم. به امید روزی که از کفر جز نامی در تاریخ نماند.

پایان

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- صحیفه سجاده
- ۴- اصول کافی
- ۵- فضائل الشیعه
- ۶- بحارالانوار
- ۷- روضه کافی
- ۸- شرح نهج البلاغه (قطب الدین کیذری)
- ۹- تفسیر نمونه
- ۱۰- تفسیر نسیم حیات
- ۱۱- فرهنگ ادیان جهان
- ۱۲- تاریخ ادیان جهان . جان بایر ناس
- ۱۳- انجیل، عهد جدید
- ۱۴- انجیل برنابا
- ۱۵- تورات
- ۱۶- دایره المعارف دوزخ، کالین د پلانسی ۱۸۶۳ م.
- ۱۷- فرهنگ دیو شناسی، جان وایر سال ۱۵۸۳ م.
- ۱۸- دیوهای دروغین، جان وایر (۱۵۸۳ م.)
- ۱۹- جادوی مقدس، مک گریگور ۱۸۹۸ م.
- ۲۰- کتاب مقدس شیطان پرستی، آنتوان اس زاندر لاوی (۱۹۶۹ م.)
- ۲۱- کتاب کلیسای شیطان (The church of Satan) بلانچ بورتون (۱۹۹۰ م.)
- ۲۲- دایره المعارف ویکی پدیا www.wikipedia.com
- ۲۳- www.deliriumsrealm.com
- ۲۴- www.phalls.org